مختصری

از

جنبش های دهقانی

ترجمه: هوشمند

مختصری

از

جنبش های دهقانی

ترجمه : هوشمند

چند نکته در باره کتاب «قیامهای دهقانان»

این مجموعه‌اثر یك نویسنده و یا ترجمه یك کتاب نیست بلکه مطالبی است که از چند کتاب استخراج و یا جمع آوری و ترجمه شده‌است. منابع آن عبارتند از : دو کتاب درسی یا تاریخ مدارس متوسطه اتحاد شوروی و کتاب دیگری بنام «سپیده دم بر فراز آسیا» است کتاب اول تاریخ : «تاریخ عصر فئودالیسم» چاپ سال ۱۹۳۳، کتاب دوم :«تاریخ قرون وسطی» کتاب جدید سالهای چهل میباشد.

جنبش های دهقانی روسیه از کتاب تاریخ سال ۱۹۳۳، جنبشهای دهقانی اروپا از کتاب «تاریخ قرون وسطی» و جنبشهای دهقانی چین قرن ۱۹ ازکتاب «سپیده دم برفراز آسیا» اقتباس شده است.

استخراج این مطالب از چند کتاب نمیتوانست در نظم کتاب بی تاثیر نباشد مثلا جنبش های دهقانی روسیه بتفصیل بیشتری بیان شده‌است هم چنین است جنبش دهقانی چین قرن ۱۹ . البته این خصوصیت نمی تواند نقص کتاب محسوب گردد بلکه ازمحاسن آنست زیرا مطالعه تاریخ انقلابی روسیه ، چین، مطالعه تحولات عظیمی که ابتداء در روسیه وسپس در چین رخ داده است ، مستلزم مطالعه تاریخ گذشته این دو نهضت میباشد .

اما این شکل جمع آوری مطالب از کتب مختلف ، نقصی هم بوجود آورده است . این نقص در آنستکه تجزیه و تحلیل جریانات آنرا نمیتوان یکدست ، ناشی از یك سیستم نظریات محسوب داشت ،

بخصوص تحلیلی که در کتاب تاریخ ۱۹۳۳ از نهضت دهقانی اوائل قرن ۱۷ روسیه شده است ، نادرست و تحت تاثیر افکـار جهان وطنی بنظر میرسد از اینرو در ترجمه این قسمت کوشش شده است تا اندازه‌ای تحلیل وقایع با روح تحلیل های جدید منطبق گردد . صحیح تر این میبود که این قسمت ار کتاب تاریخ جدیدی اقتباس گردد ولی نظر بعدم دسترس بچنین کتابی ، باین جرح و تعدیل اکتفا شده است.

ضمنا در قسمت جنبش بابك خرم‌دین نیزمطالبی مترجم بر متن کتاب اضافه کرده است منتها برای اجتناب از خطاهای احتمالی در این قسمت نیز باختصار برگذار شده است

رویهمرفته این مجموعه برای مطالعه ماتریالیسم تاریخی بسیار مفید است . البته ترجمه کتاب جامع تاریخی که با تحلیل مارکسیستی نوشته شده باشد برای ما ضرورت حیاتی دارد ، زیرا کتب موجوددر این زمینه بسیار ناقص و مغلوط هستند و بهیچوجه از لحاظ تحلیل علمی وقایع قابل استفاده واستناد نمیباشند. ولی این کاری است مربوط بآینده وبرمترجمین است که دست بچنین کار مفیدی بزنند.

مطالعه این کتاب از جهت درك عمیق ماتریالیسم تاریخی وچگونگی جنبش های دهقانی وعلل و عواملی که این جنبشهارا منجر بشکست یـا پیروزی نموده هم چنین نقش و تاثیر پرولتاریا در جنبش های دهقـانی آموزنده ومفیداست بدین جهت مطالعه آن بتمام دوستداران علم و دانش توصیه‌میشود.

شهریورماه ۱۳۳۱

مترجم : هوشمند

قیامهای دهقانی

۱

امپراطوری روم شرقی (سده‌های ۸-۹)

دهقانان آزاد روم شرقی ازدست اندازیهائی که ازجانب همسایه‌های قوی اعمال میشد درزحمت بودند، مالکین بزرک، زمینهای دهقانان رامتصرف وتلاش مینمودند تاآنان رابسرفهای خود تبدیل سازند، دهقانان ازعوارضی که مأمورین دولت جمع میکردند نیزسخت درمضیقه بودند.

بردگان و کولونها (۱) مانند سابق دراملاك بزرك اربابی ازکار طاقت‌فرسا زجر میکشیدند پاسخ این زجر وستم شورشهای توده‌ای بود که دهقانان درقلمرو امپراطوری بیزانس (روم‌شرقی) برپا میکردند.

قیام فوما (طماس) ازاهالی اسلاو

درسال ۸۲۱ درآسیای صغیر قیامی برپاگردید و شخصی بنام فوما ازاهالی اسلاو در رأس‌آن قرار داشت این قیام تقریباً همه آسیای صغیر را در بر گرفت. هم‌دهقانان آزاد و هم‌بردگانی که علیه ارباب بپاخاسته بودند باین قیام پیوستند. نیروی دریائی نیز ازقیام کنندگان جانبداری مینمود.

فوما باعربها مذاکره ومساعدت آنان راجلب نمود. نامبرده عنوان امپراطوری را برخود نهاده رسماً تاجگذاری کرد. بفرمان او نیروهای جنگی گردآمده وشهر اسلامبول را محاصره نمودند. دهقانان اسلاو شبه جزیره بالکان نیزبه فوماملحق گردیدند.

امپراطور تنها بکمك بلغارها موفق به‌قلع‌وقمع‌قیام کنندگان گردید. فوما اسیرواعدام شدوبقایای ارتش اوهم‌از بین‌رفت.

---

(۱) کولون (COLON) اشکال‌اولیه وابستگی دهقانی به‌مالك زمین، کولونها از سرفها آزادتر بودند و تدریجاً وابستگی آنها تشدید یافته به‌سرف تبدیل شدند.

در قلمرو خلیفه عباسی (قرن ۹ میلادی)

۲

یك ضرب‌المثل عربی میگوید: «آنجا که آب تمام میشود، آنجا زمین هم بپایان میرسد.» املاك درسرزمین خشك و بی‌آب مشرق تنها وقتی دارای ارزش است که بآب دسترسی داشته باشد . و اما آب را باید ازچندین ده کیلومتر بوسیله قناتها وجویها باین زمینها برسانند . ساختمان ، تعمیر و محافظت اینگونه قناتها کارگر زیاد ووجوه هنگفتی لازم داشت. بدینجهت مالکین بزرك ودولت اکثریت قناتها وزمینها رابخود اختصاص داده بودند. دهقانان ازدولت ویا مالکین زمینهای ساحلی قناتها را اجاره نموده ودر ازاء آن مالیات و بهره مالکانه زیادی میپرداختند . اغلب پس از پرداخت سهمیه مالکین و دولت سهم باقیمانده دهقانان بقدری ناچیز بود که دهات تماما بویرانی ودهقانان بمرك ازگرسنگی محکوم میشدند.

درمناطق تحت نفوذ خلیفه عباسی قیامهای دهقانی یك پدیده دائمی و همیشگی بود.

قیام دهقانان آذربایجان

قیام دهقانان آذربایجان تحت رهبری بابك خرم‌دین (۸۳۸—۸۰۷) بسیار بزرك وطولانی بود . بابك خود دهقان‌زاده بود ودر جوانی گله‌چرانی و در کوههای آذربایجان ودهات آنسرزمین زندگی میگذارند.

بابکیان راخرم‌دینان وسرخ‌جامگان هم‌میگفتند.

نهضت بابك نزدیك به‌بیست ودوسال طول کشید ودراین مدت نه‌تنها دهقانان آذربایجان مصممانه از آن جانبداری میکردند بلکه نهضتهای دهقانی فراوانی از نقاط مختلف ایران : ازخراسان و مازندران گرفته تا اصفهان بدوپیوستند، دهقانان نقاط مختلف ایران ازراه و بیراه، از دشت و کوهستان گذشته وبهمزنجیران آذربایجانی‌خودملحق میشدند.

خلیفه بارها دستجات نیرومندی برای سرکوبی خرم دینان فرستاد ولی‌هربار تارومار گردیدند . دربسیاری ازاین جنگها لشگریان خلیفه بکلی نابود میشدند. قیام مرتبا دامنه‌دارتر میشد و بسایر نقاط تحت نفوذ خلیفه سرایت میکرد وحتی بارمنستان هم کشیده شد .

دهقانان بوسیله فرستادن ورزیده ترین نفرات خود وتهیه آذوقه

ووسائل لازم برای خوراك ، پوشاك وجنك صمیمانه ازبابك ونهضت او طرفداری میکردند .

خلیفه ناچارشد همه نیروهای خودرا علیه بابك وجنبش او بکاراندازد ازیکطرف نیروی عظیمی با مطمئنترین سرکردگان جمع آوری مینمود و از طرف دیگر میکوشید تا با دست افشین شاهزاده ایرانی بابك را بفریبد .

زور وفشارتوأم بانیرنك و فریب جنبش عظیم دهقانان آذربایجان رادرهم‌شکست وخودبابك‌هم‌دستگیرشد . مینویسند که وقتی‌خبردستگیری بابك بخلیفه رسید ودانست که اورا سواربرشتر میآورند ازخوشحالی‌سرو پای برهنه ازقصر خود خارج شد وبجلو بابك شتافت تا این موجودی که بیست ودو سال همه توجه حکومت مقتدر اسلامی را بخود متوجه کرده و لرزه براندام‌آن انداخته بود ببیند .

بابك را بدستورخلیفه قطعه‌قطعه کردند وپس ازآن همه نیرو های دشمنان ملت علیه طرفداران بابك بکار رفت ، بزرگان ، شاهزادگان و مالکین ایرانی دوش بدوش مأمورین خلیفه شدید ترین کشتارها را علیه دهقانان‌آذربایجان ودیگرنقاط بکاربردند ، هزاران‌داربپا کردند ، هزاران نفررا سربریدند وهزاران نفردیگررا درشکنجه‌گاهها نابودکردند .

گرچه جنبش دهقانان آذربایجان را باقساوتی بی‌نظیر سرکوب کردند ولی تاسالها پس از آنهم جنبش بابك الهام بخش مبارزات شدید دهقانان بود ، خلیفه تامدتها ازجنبشهای کوچك و بزرك دهقانی در نقاط تحت نفوذخود درامان نبود .

دهقانان ازجنبش بابك الهام میگرفتند و بمبارزه خود علیه جورو فشارمالکین وظلم وستم ملی ادامه میدادند .

قیام بردگان بابل جنوبی

قیام زنگیها (بردگان سیاه را بدین‌نام میتامیدند) در بابل جنوبی نیز بمنزله تهدید بزرگی برای خلیفه بشمارمیآمد . این قیام چهارده سال (۸۸۳ - ۸٦۹) طول‌کشید . رهبری این قیام توسط علی ابن محمد انجام‌گرفت. قیام کنندگان باتشکیل‌وترتیب دولت مستقل‌و آرتش‌قوی ، خلیفه را بواهمه‌انداخته‌بودند . دسته‌جاتی که برای سرکوبی آنهافرستاده میشد به آنهامیپیوستند .

دهقانان ازز نگیها حمایت نموده وآذوقه آنان را تأمین مینمودند.
خلیفه مجبور شد نیروهای زیادی برای سر کوبی این قیام مصروف دارد.

چین

۲

فئودالهای چین در قرن نهم که زمینهای وسیعی دراختیار داشتند در شهرهای پرشکوه و ثروتمند زندگی میکردند وزمینها را در ازاء بهره مالکانه بسیار زیاد بدهقانان جهت بهره برداری واگذار مینمودند.
فئودال سلطه کامل به زندگی دهقان داشت، او در غارت دهقانان آزاد بود. می توانست سر ودست دهقان را شکسته واو را فلج نماید و مهمتر ازهمه قادر بود هراندازه که بخواهد ازدهقان بهره مالکانه بطلبد.
برای ساختمان دیوارشهرها، قصرها و معابد دهها هزار دهقان را ازده بشهر آورده ودرزیر ضربه های چوب خیزران به بیگاری وامیداشتند.
اگر خشکسالی میشد ویااینکه محصول را آفت ازبین میبرد، هزاران دهقان ازگرسنگی تلف میشدند، حتی درسالهای خوب هم آنها بسختی خود را اداره میکردند وچه بساخودرا ببردگی میفروختند.
اگر دهقانی قرض میگرفت و نمیتوانست دین خود را ادا نماید در آنصورت رباخوارمیتوانست اورا ببرده خودتبدیل نماید.
رباخواران زمینهای زیادی را درازاء طلب خود، بچنك میآوردند همچنین صومعه های بودائی هم زمینهای زیادی دراختیارداشتند. فئودالها رباخواران تجار وراهبین بودائی درغنا وتجمل زیادی میزیستند. دهقانان ازاستثمارگران متنفربودند وغالباً علیه آنها قیام مینمودند.

قیام هوآن چائو

درسال ۸۷٤ یکی ازبزرگترین قیامهای دهقانی در چین اتفاق افتاد. «هوآن چائو» در بین رهبران این قیام شهرت زیادی کسب نمود. چائو بفنون جنگی آگاهی کامل داشت ودررأس شورشیان قرار گرفته ویکدسته دهقانی را که شامل چندین هزار نفر بود، تشکیل داد.
افراد اینده سته روزبروززیادترمیشد وآرتش امپراطوری را دربرابر او یارای مقاومت نبود. «هوآن چائو» در رأس آرتش دهقانی خود بلشکر کشی پرداخت. اومیخواست بافئودالها درهمه نواحی تصفیه حساب نماید تادهقانان تمام چین زندگی سعادتمندی داشته باشند. تادیگر عدم

تساوی در بین نباشد .

در سال ۸۸۱ «هوآن‌چائو» پیروزمندانه وارد شهر «چانان» پایتخت امپراطوری «تان»(۱) گردید . امپراطور پابفرار گذارد ولی همه اقوام او و عده زیادی از فئودالها ، کارمندان وسران ارتش کشته شدند وبجای آنان دهقانان منصوب گردیدند .

تمام ثروت پایتخت ضبط و بین تهیدستان تقسیم گردید .

پایتخت دوسال و نیم در دست «هوآن‌چائو» بود. اما امپراطور و فئودالها بعشایر صحرانورد توسل جستند . اردوی عظیمی بچنین حمله‌ور گردید تا اینکه شورشیان را سرکوب سازد .

مردم این مستخدمین امپراطور و فئودالها را «کلاغهای سیاه» مینامیدند .

آنان چون طیور شکاری بر سر دهقانان فرود میآمدند . آنها در جنگ بیرحم بودند . در سال ۸۸۳ «کلاغهای سیاه» ارتش «هوآن‌چائو» را قلع وقمع وخود اورا نابود ساختند بعضی ازیارانش توسط امپراطور تطمیع شده و بدهقانان خیانت ورزیدند .

جنگ کبیر دهقانان باشکست قیام کنندگان پایان پذیرفت . اما تا پایان امپراطوری «تان» درمناطق مختلف حکومت قیامهائی بوقوع می‌پیوست.

قیام تایپین‌ها

قیام تایپینها بادر نظر گرفتن شرایط قرن ۱۹ مظهر عالیترین درجه رشد جنبش دهقانی چین بود . خصوصیات شرایط قرن نوزدهم چین این بود که در آن پرولتاریائی وجود داشت تا جنبش پرولتاریائی برپا شده وجنبش دهقانی را رهبری کند درحالی که مامیدانیم یگانه ضامن پیروزی جنبش دهقانی رهبری پرولتاریائی آنست . علت فقدان پرولتاریا در آن زمان در آنست که: «جدائی کامل صنعت از کشاورزی را فقط صنایع ماشین بزرگ تأمین مینماید» (مجموعه آثار لنین صفحه ٤٧١) آنچنان صنایعی که مناسبات اجتماعی را تغییر داده و پرولتاریای معاصر یعنی تنها طبقه تاآخر انقلابی را که قادراست وسیعترین توده‌های ملت ودر درجه اول دهقانان را درمبارزه بخاطر آزادی ازهرگونه ظلم وتعدی سرمایه‌داری، متشکل سازد ، بوجود میآورد . زیرا آزادی خود پرولتاریا از اسارت سرمایه‌داری بآزادی همه اجتماع ازطریقه تولید

۱ ـ امپراطوری تان درقرن ششم تشکیل ودرقرن دهم منقرض شد.

سرمایه‌داری ومناسبات بورژوازی مربوط بآن ، وابسته ومشروط است.

طرفداران تایپینها نمونه انقلابیون دهقانی بودند. آنها برای هرگونه قهرمانی واقعی توده‌ای آماده بودند ، ولی آنها همه شرایط تاریخی که امکانات جنبش آنان را محدود مینمود نیز درخودداشتند وتا میزان زیادی شکست جنبش را قبلا مقدر ساختند .

انقلاب تایپین ازلحاظ ماهیت یك جنك توده ای دهقانی بود . دهقانان وتهی‌دستان شهر نیروی محرك آن را تشکیل میدادند . در ابتدا نمایندگان تجار وحتی مالکین چین که از فشار سلسله منچوری ناراضی بودند باین قیام پیوستند .

تقسیم زمینها بطور تساوی ، نابودی فئودالها ، الغاء پول وتجارت، تشکیل انبارهای عمومی که میبایست همه محصولات اضافی کشاورزی رادر آن جای دهند، وضع تعهدات اجباری کار ، جیره‌بندی درشهرها ، بالاخره انحلال ماشین دولتی امپراطوری منچوری وایجاد حکومت توده‌ای: اینها بودند اقدامات انقلابی جنبش تایپین که تمایلات دهقانانرا بمساوات، بکمونهای پاتریا کهال وباقتصاد طبیعی منعکس میساختند .

بعضی از اقدامات فوق‌الذکر چون درجهت الغاء فئودالیسم اعمال میشد ، ازنظری دارای جنبه انقلابی بود . معهذا ازآنجهت که هنوزدرچین مناسبات سرمـایه داری که جانشین فئودالیـسم گردد ، تکامل نیافته بود ، انقلاب تایپین فقط توانست ضربه توانای خودرا بنظامات قرون وسـطائی فرود آورد ولی این جنبش نیروی کانی جهت قلع وقمع کامل اجتماع فئودالیسم دراختیار نداشت .

معهذا جنبش تایپین درشمار برجسته‌ترین «شورشهای خود بخودی (Spontané) طبقات مظلوم و قیام خود بخودی دهقانان علیه فشار فئودالیته‌می باشد» (مصاحبه استالین باامیل لودویك نویسنده آلمانی صفحه ۲۹ چاپ ۱۹۳۹) .

قیام تایپین که درجنوب شروع شد بزودی بچین مرکزی کشیده شد مارکس صرفنظر ازشکل انقلاب تایپین یعنی شکل مذهبی ، شکل سلسله‌ای وملی ، آنرا قیام پلبینهای چینی بحساب میآورد .

مارکس مینویسد :

جنبش ازابتدا رنك مذهبی داشت ولی این خصوصیت درهمه جنبشهای

مشرق زمین مشترك است . ظاهراً علل مستقیم شورشها نکات زیرین میباشد:

مداخله اروپائیان ، جنگهای تریاك ، تزلزل رژیم دولتی ناشی از این جنگها ، خروج نقره بخارجه ، برهم خوردن توازن اقتصادی درنتیجه ورود کالاهای خارجی وغیره ، عجیب این است که برخلاف معمول افیون بجای تخدیر تأثیر بیدار کننده‌ای داشت .

فئودالهای منچوری ومستعمره‌چیان بطور تحقیر آمیزی طرفداران تاپینرا «عوام‌الناس» می‌نامیدند . مار کس دشمنان ملت چینرا بسخره گرفته خاطر نشان میسازد که از میان «عوام شورشی» مردمانی برخاسته «که توزیع ثروترا بطریق دیگری میطلبیدند ، که امحاء کامل مالکیت شخصی رامیخواستندوا کنون‌هم‌میخواهند» (مجموعه آثار مار کس وانگلس صفحه ۳٦۰)

مار کس وانگلس آرزومند موفقیت مبارزه قهرمانانه‌جنبش تاپین بودند . آنها درطول همه‌سالهای انقلاب تاپین ، نقاب از چهره مرتجعین منچوری ، طرفداران‌جهل وخرافات(شیاطین سیاه) وهمچنین متفقین‌داخلی آنها یعنی سرمایه‌داران خارجی ، بر گرفت وباتمام وسائل ممکنه وقبل از همه بوسیله مقالات خود درمطبوعات ازجنبش تاپین دفاع مینمودند .

پیشوایان‌قیام تاپین‌ازبین‌مردم برخاسته بودند . «خون‌سیوتسیون‌آن» رهبر کل آنان در سال ۱۸۱۳ متولد شده بود . معلم ده و فرزند دهقان چوپانی بود . همه افراد خانواده این رهبر کل تاپینها بافقرو تنگدستی بسر میبردند . فعالیت تبلیغاتی « خون سیوتسیوآن » از سال ۸۳۹ آغاز گردید . درآنموقع تنها «خون ژن‌گان» پسرعمو و«فین‌یون شان»دوست دهاتیش‌از طرفداران اوبودند. پس از ۸ سال تعدادپیروانش به دوهزارنفر رسید ودرمیان آنها «یان - سیوتسین»(۱)باربر، فرزند ذغال فروش ممتاز گردید . اوباتفاق «سیائو چائو گوئن» دهقان بتشکیل دسته دهقانی برای مبارزه با فئودالها مبادرت ورزید . «یان سیوتسین» رهبر ایندسته شد . اینشخص از لحاظ اهمیت پیشوای دوم تشکیلاتی بود که توسط«خون سیوتسیوآن» بوجودآمد. «وی‌چان‌خوی»مالك درردیف تهی‌دستان باین سازمان پیوست . نامبرده افراد قبیله خویش‌راکه نزدیك هزارنفر بودند باخود آورد . اوهم یکی ازپیشوایان‌این‌تشکیلات گردید.

---

(۱) houn siu Tsiuain

« شن‌داکای » تاجر بزرك هم بدنبال وی«چان خوی » وارد سازمان فوق‌الذکر گردید . خود این اسامی نشان میدهد که نیروی جنبش تایپین ازچه قشرهای اجتماعی‌ترکیب یافته است . هرقدرحوادث در کشورتوسعه می یافت وجنبش دهقانی درجنوب رشد مینمود ، سازمان «خون سیوتسیو آن» نقش بر جسته ونفوذ قابل ملاحظه‌ای کسب مینمود . در سال ۱۸۵۰ نیروهای مسلح سازمان دراولین نبرد باآرتشهای‌حکومتی‌شرکت کردند. فرماندهی این نبرد با «یان‌سیوتسین»بود .این اولین‌نبرد بامهارت‌عظیمی اجراگردید وبا پیروزی قیام کنندگان پایان پذیرفت . از آن روز «یان سیوتسین» پیشوای کل نظامی جنبش تایپین گردید وحال آنکه «خون سیوتسیوآن» بسمت رهبرمذهبی جنبش ، «رسول‌آسانی جدید» و« برادر مسیح» برگزیده شد.

طرفداران تایپین رسما مسیحیت را تبلیغ نموده و اولین اتحادیه سیاسی ومذهبی آنان بنام «قادر متعال» (شان‌دی خوی) نامیده میشد . اعضاء این اتحادیه بسیاری ازچیزها را ازسازمانهای اخوت قدیمی چین ، اقتباس نمود ، مثلا اختفاکاری شدید ، تعلیم وتربیت باروحیه تارك دنیائی ومرتاضی ، عهد خودداری از کشیدن افیون ، خودداری ازاستعمال‌شراب ، خودداری از بازی ورق ، تخته نرد ومعاشرت بازنان ، نفوذ اتحادیه روز بروز افزایش می‌یافت . اقتدار «سون خیوتسیوآن» بالاگرفت . اوخود به «مأموریت آسمانی» خویش ایمان داشت وبعد ها «سلطان آسمانی» (تیان‌وان) نامیده میشد . باوهمانند خدای زنده احترام میگذاردند

درهمان سال که تحت فرماندهی « یان‌تسیوتسیان » اولین پیروزی آرتشهای منچوری بدست آمد تقریباً همه ایالت «هوآن‌سی » دیگر در دست قیام کنندگان افتاده‌بود و بعدهادرسال ۱۸۵۰پس ازقلع وقمع آرتش بزرك دولتی که ازآرتشهای سه ایالت همسایه جمع‌آوری‌شده بودوهمچنین قلع‌وقمع دستجات فئودالهای محلی، طرفداران تایپین بکارهای فراوانی مبادرت ورزیدند .

یکسال بعد آنها صاحب آرتش مححکم ، با انضباط ، برگزیده‌ای که خوب متشکل شده‌بود و« یان سیوتسیان » در رأس آن قرار داشت ، گردیدند . نزدیکترین یار ومعاون «یان‌سیوتسیان»،«لوداگان»بود که درسالهای بعد نقش بزرگی‌را بازی کرد .

اولین جنبش تاپیین یك آرتش کاملا انقلابی بود. جنگجویان و افسران آن تجسمی از شرافت، بی‌باکی، قهرمانی واستعداد یعنی صاحب بهترین خصال توده ای بودند. مقامات حکومت منچوری در ایالات جنوبی خیلی زود قدرت ضربه‌های این آرتش توده‌ای را که پیاپی پیروزگردیده وشکست های وحشتناکی بآرتش منچوری وارد میآورد احساس نمودند.

درسال ۱۸۵۱ قیام کنندگان باحمله‌ای شهر بزرك «یونیان» را که درمرکز ایالت «هوآنسی» قرارداشت، تصرف نمودند. دراینشهر طرفداران تاپیین سلسله خاندان منچوری را مخلوع اعلام داشتند و «تاپیین کیانکر» یعنی «سلطنت آسمانی سعادت بزرك» را بجای آن اعلام نمودند. «یان سیو تسیان» بریاست دولت وسرفرماندهی آرتش آن سلسله منصوب گردید.

دربهار سال ۱۸۵۲ آرتش تاپیین که اینك دیگر به پنجاه هزار جنگجو میرسید لشکرکشی بسوی شمال را آغاز نمود. بمحض نزدیك‌شدن قسمتهای جلودار آرتش تاپیینها اهالی بطور دسته‌جمعی قیام نموده وابادی حکومت منچوری ودیگر دست نشاندگان حکومت یکنرا منهدم میساختند. درماه دسامبر آرتش انقلابی برودخانه «یان‌تسی» رسید، شهر «هان یان» یکی ازبزرگترین مراکز صنعتی وتجارتی چینرا اشغال نمود. سپس «اوچان» مهمترین شهرچین مرکزی وپایتخت ایالت «هوبی» را محاصره کرد. آرتش تاپیین پس ازسه هفته محاصره پادگان منچوری را قلع‌وقمع نمود ووارد شهر «اوچان» گردید.

بهار پرشکوه سال ۱۸۵۳ در «یان‌تسی» فرارسید. آرتش تاپیین پس ازاشغال یکعده ازشهرها «نانکن» باستانی را محاصره کرد.

دراینجا درپشت دیوارهای شهری که میبایست پایتخت چین جدید شود، «یان سیوتسین» بیانیه‌ای خطاب بملت چین صادر نمود. در این بیانیه گفته میشد: چین آداب ورسوم مخصوص بخودی داشت. ولی اکنون منچوری‌ها همه‌را وادار نمودند که موهارا بتراشند. گیسهای بزرگی درست کرده وازپشت سر آویزان نمایند. وبدینترتیب چینی‌هارا مجبور نمودند که بحیوانات تبدیل شوند. چین برای خود لباس‌و کلاه مخصوصی داشت ولی منچوریها لباسهای بربری و کلاههای میمونی‌را رواج میدادند. چین روابط مخصوصی بین‌مردم داشت ...... درچین یکنوع ازدواج بخصوصی متداول بود ولی‌اهریمنان‌منچوری بهترین زنان چینی‌را برای‌خودبرگزیده

و آنهارا برده ومعشوقه خود میسازند ...... اینها را میگویم وغم واندوه عمیقی قلبم را فرا میگیرد . درچین نظامات مخصوصی حکمفرما بود ولی اینك منچوری ها قوانین خود را مجری میدارند .... درتحقیر چین آنها بمنتهی درجه رسیدند .»

طرفداران تایپین از منچوریها ، همچون ستمگران ملی ، استثمار-کنندگان ودشمنان طبقاتی نفرت داشتند . بهمین جهت مهمترین شعار انقلاب تایپین چنین بود : « منچوری ها وماندارینهای (۱) غارت کننده را از بین ببرید ! »

یعنی آن خائنین چینی که بنوکری رژیم «باگدیخان» تن داده اند نیز میبایستی نابود گردند .

تایپینها پس از اشغال شهر همه منچوریها با خانواده هایشان وهمه ماندارینهای چینرا از بین برده اساس فئودالیسم را برهم زدند . درعین حال آنها دیرهای بودائی را بیرحمانه تاراج میکردند . کاهنین دیرها را می-کشتند واملاك آنهارا بنفع دولت مصادره می کردند .

«یان-یوتسین» دریکی از بیانه های خود چنین اعلام نمود : «باید تهی دستان نیروهای خود وثروتمندان ثروت خود درا در اختیار انقلاب بگذارند.» اینگونه سیاست تایپینها منجر بجمع توده های زیاد ومردم در اطراف آنها گردید . درموقعی که طرفداران تایپین بدیوارهای «نانکن» رسیدند یك آرتش ۵۰۰٫۰۰۰ پنجاه هزار نفری با(۱۰٫۰۰۰) ده هزار کشتی که پر از آذوقه ، اسلحه ، کالاها واشیاء قیمتی بود ، باخود داشتند آرتش بطرز جدیدی سازمان داده شده بود . این آرتش بجوخه ، دسته ، گروهان ، هنك ، لشکر وسپاه تقسیم گردید. زنان زیادی هم بعنوان جنگجو دوشادوش مردان در این آرتشها می جنگیدند. جنگجویان تایپین بسلاحهای کمان، تیر، تفنك، نیزه وشمشیر مسلح بودند . آنها توپخانه ای مرکب از توپهای قدیمی داشتند وباهمین اسلحه قدیمی پیروزیهای بزرگی بدست می آوردند.

پادگان« نانکن »مذبوحانه ازخود دفاع میکرد . ۱۹ مارس جنك-جویان تایپین بانبرد وارد شهر شدند . درمقابل «پکن» پایتخت منچوریها، «نانکن» پایتخت اصلی چین اعلام گردید وبه «تیانکین» یعنی «پایتخت

---

۱ ـ حکام چینی آن عصررا ماندارین می گفتند .
(Mandarine)

آسمانی» (۱) تغییر نام یافت.

تایپینها از نانکن بجنوب و همچنین در طول مسیر رودخانه «یان تسی» بمشرق لشکر کشی نمودند. چندین سپاه بسوی شمال یعنی به پکن حمله‌ور شدند. در اینزمان هم در نقاط دیگر چین یعنی در جنوب شرقی و در مشرق، در ایالتی که ملل مظلوم مسلمان ساکن بودند، نیز قیامهائی برپا گردید. سلسله خاندان منچوری دچار بحران عمیقی گردید. بنظر میرسید که سقوط آن حتمی است. ولی مستعمره‌چیان اروپائی یعنی انگلیسها و فرانسویها که در چین حکمروائی میکردند بکمك منچوریها شتافتند همچنین فئودالهای چینی هم علیه جنبش تایپین بپاخاستند.

علاوه بر آن منچوریها از استپهای مغولستان سواره نظام سلحشور احضار نمودند. در بین فئودالهای چین که بتشکیل دستجات ضد انقلابی و ضد توده‌ای دست زده بودند «تسیزن گونان» و «لی‌خوچژان» از لحاظ سفاکی و قساوت از دیگران متمایز بودند. آنها بجاسوسی در پشت جبهه تایپینها تحریکات وزیانکاری میپرداختند.

دراثر انحلال مالکیت فئودالی وتجارت خصوصی درداخل خوددولت تایپین هم انشعاب رخ داد. در اردوی واحد و یکپارچه جنبش تایپین جدائی افتاد. توطئه‌هائی علیه پیشوایان انقلاب آغاز گردید. در نتیجه یکی از توطئه‌ها که تشکیل دهنده آن «دی‌چان‌خو» مالك بود وعنوان اشرافی برای خود خریده بود، توطئه‌چیان «یان‌تسیوتسین» پیشوای کل نظامی جنبش تایپین را کشته ودرحدود ۲۰۰۰ دوهزار ازطرفدارانش رابقتل رساندند. قسمت قابل ملاحظه‌ای ازجنگجویان تایپین که «شی‌داکا» دررأس آن قرار داشت، ازدولت نانکن جدا ومستقلا خودشروع بجنگهای پارتیزانی نمود. بحرانی سخت دولت تایپین رافراگرفت وعلت آن عدم موفقیتهای آرتش انقلابی بود که نتوانست پکن راتسخیر نماید ودر سرزمینهای شرقی نیزدچار شکست شد. مناطق نفوذ دولت تایپین محدودگشته واز دو طرف یعنی از طرف منچوریها وضدانقلابیون چین مورد هجوم قرار گرفت سلسله منچوری خون تازه‌ای دربدنش دمیده شد وجان گرفت

درسالهائیکه چین بوسیله بدبختیهای شکست درجنك متزلزل شده

۱ - نانکن یعنی «پایتخت جنوبی» وپکن بزبان چینی یعنی «پایتخت شمالی»

بود ووقتیکه جنبش نیرومندتاپین شروع گردید، « سیان‌فن » امپراطور دائم‌الخمر وفاسدالاخلاقی که در سال ۱۸۵۰ بعد از مرگ امپراطور « دائوگوآن » برتخت نشسته بود، دررأس طبقات حاکمه منچوری قرار داشت . کارمندان عالیبرتبه که ساعت بساعت با وحشت منتظر قیام بودند « باگدی‌خان» جوان راترك میگفتند . خزینه خالی‌شده وچیزی برای تأمین مقرری وجود نداشت، اسلحه‌ای درکارنبود، سواران اسب ونیروهای پیاده نظام‌تفنك نداشت. سربازان درکیسه‌های خودبجای‌باروت، شن‌ریخته بودند وبجای شمشیر درپهلوهای خودنواری ازآهن زنك‌زده حمل‌میکردند. همه چیزتوسط ماندارینهاغارت وچپاول شده‌بود.

انگلیسها وفرانسویها ازاین موقعیت برای جنك جدیدی علیه چین استفاده نمودند . امپراطور «دانسیك» که ازریشه پوسیده بود نمیتوانست برتاپین پیروزگردد . انهدام‌کامل ، خصوصا در زمان جنك تریاك اورا تهدیدمینمود . معهذا تاپینهانظربمشکلات داخلی که دراردوی آنهاشروع شده‌بود وهمچنین‌نظربا ینکه فئودالهای رباخوار وسازشکاربکمك‌منچوری شتافته بودند نتوانستند از شرائط برای سرنگونی رژیم «باگدی خان» که موردنفرت وانزجارملت بود ، استفاده نمایند . دولت تاپین درجنگی که پیش‌آمده بود شرکت نکرد واین یکی‌ازاشتباهات جدی او بود .

دراینوقت‌آرتش ضدانقلابی‌فئودالها دامنه مبارزه خودرا علیه‌مردمی که قیام‌کرده بودند توسعه میدادند . مناطقی که تحت کنترل تاپینها بود تقلیل می‌یافت وبزودی ارتش صد هزار نفری ضد انقلابی شهر نانکن را محاصره نمود . این‌آرتش می‌بایست برای دفاع‌دولت درمقابل فرانسویها وانگلیسها مورداستفاده قرارگیرد . ولی‌منافع خصوصی طبقاتی بیش از هرچیز برای فئودالهاعزیزتروازدیکتربود . مبارزه مسلحانه علیه‌تاپینها دور کردن نیروهای بزرگی ازچین جنوبی ورودخانه «یان تسی» که جبهه اصلی جنك داخلی درآنجا بود بدست فرانسویها وانگلیسها اعمال میشد هرچندآنها بطورکلی برای خلع امپراطور «دانسیك» تلاش نمی‌نمودند. انگلیسها وفرانسویها این سلسله را از نابودی حتمی نجات داده وبدولت منچوری کمك کردند تا ازتاپینها انتقام بکشند

منچوریها ، فئودالهای چین وظلم کنندگان خارجی برای مبارزه علیه قیام بزرك دهقانی ، متحدشدند .آنها منافع مشترکی‌داشتند . اعیان

منچوری وفئودالهای چینی بخاطر امتیازات طبقاتی خود مبارزه میکردند واین امر باردیگر نظریات داهیانه رفیق استالین را تأییدمیکند .

رفیق استالین می گوید : «... مالکین واشراف بنابر وضع طبقاتی خود دشمن مصمم وآشتی ناپذیر هر نوع آزادی هستند (و نمیتوانند نباشند) (مجموعه آثاراستالین جلدسوم صفحه ۱۷)

مستعمره چیان خارجی و خصوصاً انگلیسها تصمیم گرفتند ازرژیم پوسیده ومنحط منچوری طرفداری نمایند ، زیرا :

اولاآنها بیك حکومت ضعیفی درچین احتیاج داشتند وجودنظام کهنه برای آنها لازم بود .

ثانیاآنهامیخواستند هرچه سریعتردرباچه «یان تسی» پایگاه اصلی «تایپینها» را تصرف نمایند .

معهذا نیروهای متحده اسیر کنندگان موفق نشدند نقشه سرکوبی انقلاب تایپینرا بآسانی انجام دهند .

آخرین مبارزه

امپراطور «سیانفین» درحال مرك بود . او که مرك خودرا احساس میکردسلطنت را به پسرچهارساله خود«تاتی گونا»تفویض نمود . ضمناً سفراء انگلیس ، فرانسه ودیگردول خارجی در پکن ترجیح میدادند «پرنس گون» خائن برراس حکومت باشد . دیپلماتهای خارجی با امپراطوریس «تسی» و شاهزاده «گون» ارتباطات مخفی برقرار کردند . خارجیان بامپراطور جوان کمك میکردند تا جنبش تایپینرا که مانع دردست گرفتن بازارچین بود منکوب سازد .

انگلیسها و فرانسویها تصمیم می گیرند در چین مرکزی مداخله مسلحانه نمایند ، آرتشهای خود را بدانجا روانه سازند تا آنکه بانقلاب دهقانی خاتمه دهند .

مرحله قهرمانانه مبارزه تایپینها آغاز میشود . در اینمرحله «لی‌سیوچن» سرباز که ازخانوادهٔ فقیروکاملاوابسته بانقلاب چین برخاسته بود ، دربین مبارزین تایپین مشخص وممتاز گردید . «لی سیوچن» باتکیه برطرفداران خود با «شی‌داکا» مصاف داده «لی‌سیوچن» به آرتش ضد انقلابی که نانکن را محاصره کرده بود یك سلسله شکستهائی وارد آورد بزرگترین آرتش ضدانقلابی که تحت فرماندهی «تسزن گوخان» جلادملت چین می‌جنگیدند ، تارومارساخت .

خارجیان که ازتوسعه این حوادث بهراس افتادند برمیزان کمك خود بمنچوری افزودند افسران فرانسوی وانگلیسی و ماجراجویان در رأس باند های مداخله گران قرار گرفتند . اکنون دیگر تایپینها می بایست هم علیه ضد انقلابیون داخلی و هم علیه مداخله گران خارجی بجنگد . جنك داخلی بامقاومت سبعانه ضدانقلابیون و مداخله گران روبرو گردید. اسراء را می کشتند ، اهالی شهرهارا قطعه قطعه کرده وخود شهرهارا باخاك یکسان می نمودند . ضدانقلابیون که باندهای انگلیسی وفرانسوی جلودار آن بودند ، باتسلیحات جدید مسلح شده شهرها ودهات را آتش زده واز کشته پشته می ساختند . صدها هزار ازتاپینهارا نابودساختند . بنا بنوشته بعضی ازخارجیان نعشهای ریخته شده در «یان تسی» آنقدر زیاد بود که جلواین رودوسیع وبزرگرا مسدودساخته بود . «یان تسی» آسمانی رنك ازخون سرخ شده بود .

انقلاب تایپین هنوز براه خود ادامه میداد . انقلابیون دهقانی دراین سالها تحت رهبری «لی سیوچن» قهرمانی های بسیاری انجام دادند . آنها بهیك عده پیروزیهائی نائل آمدند . اما نیروهای طرفین ، باهم برابری نمی نمودند . آرتشهای خارجی درنواحی نزدیك دریاها ودر رودخانه های دور،دست بعملیات میزدند ودرحالی که به نیروی دریائی تکیه داشتند تدریجاً مهمترین مراکزرا از تایپینها باز میستادند .

درپشت جبهه تایپینها دستجات برگزیده فئودالهای منچوری وچین که از مداخله گران اسلحه گرفته بودند ، سابوتاژ وخرابکاری میکردند .

دولت تایپین بوضع نامساعدی دچار گردید. «خون تسیوسین» در ۳۰ ژوئیه سال ۱۸٦٤ مأیوس گردیدوخودکشی کرد. آرتش ضدانقلابی نانکنرا که «لی سیوچن» درآنجا بود ، محاصره نمود . جنك سختی در نزدیك پایتخت دولت تایپین درگرفت . تایپینها چون شیر می جنگیدند . مداخله گران ونوکران منچوری آنها پس ازآنکه بامین دیوارهای قلاع شهر را خراب کردند واردشهر شدند . نبرد درخیابانها آغازشد . اولین دستجات ضد انقلابی قلع وقمع شدند . دستجات جدیدوجدیدتری جای آنهارامیگرفت لکن ازنیروی مدافعین کاسته میشد . ولی « لی سیوچن » خیال تسلیم شدنرا نداشت. اومطمئنترین طرفداران خودرا بدورخویش گردآورد. «لی سیوچن» دستجات انتخابی افسران ارتش خودرا به نبرد میفرستاد . سه روز مبارزه

درخیابانها جریان داشت . گروهان واهالی نانکن ، بیش از یکصد هزار نفر که ازپایتخت تایپین دفاع می کردند تاآخرین نفر دراین نبرد بخاك هلاك افتادند .

«لی‌سیوچن» زخمی و اسیر گردید . اینشخص آنقدر برای آنها ترسناك بود که اورا برای اعدام بپکن نبردندبلکه درنانکن بافجیع‌ترین طرزی کشته وجسدش‌را قطعه‌قطعه کردند .

دولت تایپین‌منهزم گردید . سلسله منچوری که ازپشتیبانی خارجیان برخوردار بود نفسی تازه کرد وتوانست قیامهای توده‌ای‌را درچین شرقی وشمالی وهمچنین قیام ملی مسلمینرا درجنوب غربی وایالات غربی ، غرق در خون سازد بار دیگر زمینهای چین از صدها هزار جسد آغشته بخون پوشیده شد .

بدینگونه یکی دیگر از قیامهای دهقانی دراثر عوامل مختلف ومنجمله دراثر فقدان رهبری‌قیام ازجانب پرولتاریا با شکست مواجه شد .

اسپانیا

٤

دهقانانی که در رکونکیست(۱)شرکت کرده‌بودند برای‌خود بتشکیل کمونهائی مبادرت‌نمودند که اداره آنها دردست‌خودشان بود . پس‌ازآنکه قدرت مورها (۲) درهم شکسته‌شدودیگر فئودالها درزدو خورد با مورها احتیاج بکمك دهقانان نداشتند ، شروع بمطیع‌ساختن کمونهای آزاد

۱ - رکونکیستا (فتح مجدد یا انتزاع) - جنگهای اسپانیائیها را بااعراب که درسده هشتم میلادی آغازگردیده ودرسده‌پانزدهم خاتمه‌یافته ودرنتیجه آن‌اعراب ازاسپانیا رانده شده‌اند ، بدین‌نام‌نامیده‌اند .اکنون هم جمهوریخواهان ، مبارزه خودرا برای آزادی‌وطنشان ازیوغ‌فاشیستها چنین مینامند . بدین مناسبت تمام مناطقی را که چریکها آزاد نموده اند «نواحی رکنکیستا » نامیده‌اند .

۲ - اسپانیائیها عربهارا بدین‌نام نامیده‌اند .

دهقانان نمودند وبنمایندگان دهقـانان اجازه ندادند که در کورتس (۱) شرکت نمایند .

فئودالهای بزرك وروحانیون تلاش مینمودند که بطور کلی قدرترا خود بدست گیرند . وضع دهقانان بیش ازپیش سخت میشد . درقبال اینشرایط سخت ونکبت، بار يك سلسله شورشهای دهقانی ، خصوصاً در آراگون و کاتالونی ، که در آنجا وضع دهقانان بمراتب ازسایر جا ها بدتر بود ، شروع گردید :

قیام ورنتالیات

در ۱٤٦۲ در کاتالونـی قیام دهقـانی برهبری «ورنتالیات۲-» که خود ازمالکین خورده پا بود، مشتعل گردید . قیام بزودی نواحی زیادی را دربر گرفت . دهقانان میگفتند : «وقتی آدم مرد وصیتی ننمود ،بنابراین زمین باید بین مردم یعنی فرزندان اوتقسیم گردد . غیر عادلانه است که بعضی ها آنرا تصاحب نمایند ودیگران بی زمین باشند .»

در اینوقت بین «ژوان» دوم سلطان آراگون واعیان کاتالونی تصادم وبرخوردی روی داد . اعیان کاتالونی نمیخواستند که سلطنت ژوان دوم را برسمیت بشناسند .«ورنتالیات» دهقانانرا بدفاع ازپادشاه متقاعد نمود.(۳) دهقانان امیدوار بودند که پادشاه میتواند آنانرا ازقیدسرواژ آزاد سازد وبدانها زمین بدهد وبدینجهت تصمیم گرفتند ازاو پشتیبانی نمایند .

زدوخورد ومبارزه ده سال ادامه داشت . «ورنتـالیات» از سلطان

---

۱ ـ درقرن ۱۲ درجریان مبارزه باموروها سه دولت بزرك تشکیل گردید بنام کاستیلیا ـ آراگـون وکاماتونی وسومی بنـام پرتقال ، در کاستیلیا درقرن ۱۲ حتی قبل ازانگلستان وفرانسه مجلسی تشکیل شد بنام کورتس که در آن نمایندگان اعیان ، روحانیون و شهر نشینان شرکت داشتند وگاهی نمایندگان کمونهای دهقانان آزاد هم میتوانستند ودر آن حضور یابند .

۲- Verntolit

۳- باید متوجه بود که اصولا نقش پادشاهان طرفداراصول مرکزیت در مقابل فئودالهای گردنکش محلی در دوران ملوك الطوائف نسبتاً مترقی بود ، زیرا باایجاد ومرکزیت عناصرشکل ملت ودول ملی بوجود میآمد .

زمین گرفت وعضو شورای سلطنتی گردید . ابتدا بدهقانان امتیازاتی دادند ولی سپس همین امتیازات و گذشتهای ناچیز را بدر خواست صومعه ها و فئودالها از آنها پس گرفتند .

در ۱٤۸٤ در کاتالونی دهقانان دوباره قیام نمودند.

قیام دهقانی جدید در کاتالونی

« پدره ژوآن سالای » (Pedro Jouan sale) دهقان در رأس قیام قرار داشت، او در جنگهای زیادی شرکت نموده بود و توانست تشکیلات جنگی خوبی برای دهقانان ترتیب دهد . شورشیان بارسلن را رامحاصره کردند .

فئودالها همه نیروهای خودرا علیه دهقانان تجهیز نمودند. آنها قیام کنندگان راشکست داده و «سالا» رااسیر کردند ، لکن شکست واعدام «سالا » نتوانست مقاومت دهقانان را درهم شکند . مبارزه پارتیزانی را درهم شکنند . مبارزه پارتیزانی درگیر شد . فئودالها مجبور شدند باآنها موافقت نمایند . موافقت نامه باشرکت پادشاه تنظیم شد. اصول سرواژملغی ودهقان کاتالونی ازلحاظ شخصی آزادشده ومیتوانست از سینور جدا شود ولی اگر دهقان در زمینی که باوداده شده بود باقی میماند در آنصورت میبایستی بهره مالکانه سابق را بپردازد . بدین ترتیب آزادی دهقانان کاملا انجام نگرفت.

فرانسه

قبلا به بینیم اوضاع اجتماعی در فرانسه قرون وسطی چگونه بوده است مشکل که در دو کلمه وضع اجتماعی آندوران را تشریح کرد بخصوص که در سراسر قرون وسطی وضع بیك منوال نبوده است . می دانیم که طبقه حاکمه در این دوران زمین دارهای بزرك یا فئودال ها بودند. فئودال کسی بود که از شاه که صاحب همه زمینها بود تیول یا اقطاع دریافت میداشت و خدمت اورا ازهر لحاظ گردن میگرفت و ما اورا اقطاع دار هم میتوانیم بنامیم . فئودال فئود(Feod)یا اقطاع خودرا از نخستین مالك اقطاعات میگرفت و بنوبه خود اقطاعات کوچکتری بزیر دستان میداد و عین تعهدات بالا را از او میخواست الخ .... اینان رویهم نردبان فئودالی اجتماع قرون وسطائی راتشکیل میدادند. زیردستان بترتیب برای زبردستان

نقشه ده قرون وسطائی

علاوه بر بهره مالکانه مردان جنگی نیز می دادند و خود نیزمسلح بوده
بمحض اولین اشاره میبایستی در خدمت شاه در آیند . فئودالهای بالارا-
سینور (ارشد) وزیردستان اورا واسال‌مینامیدند.

آنجا که شاه نبود فئودالهای هر یك برای خود شاه کوچکی بودند و در سرزمینی کم و بیش محدود حکمروائی میکردند. دراواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم امپراطوری کارولینگها در فرانسه و قسمت غربی آلمان امروزی تشکیل شد که نظام اجتماعی آن همان بود که دربالا بدان اشاره شد ولی بعد ها این امپراطوری متلاشی شد، فئودالها مستقل و خود سر شدند. این فئودال ها و واسالهای آنها کاری جز جنك و غارتگری نداشتند، بحساب دهقانان بی زمین ووابسته (سرف) زندگی میکردند و عیش وعشرت مینمودند. دهقانان وابسته (سرف) سابقا بقشر های مختلف اجتماعی تعلق داشتند. قسمتی از آنان بردگان سابق بودند که قطعه زمینی به آنها رسیده بود ولی اکثر آنان سابقا دهقانان آزاد عضو کمون بودند که تدریجا آزادی خود را از دست داده برقیت مالك در آمدند. شاه، کلیساها و سینور ها در سراسر قلمرو دولت فرانك زمین کمونهای آزاد را بتصرف خود درآوردند. هر خانواده دهقانی برای خود خانه ومزرعه‌ای داشت. کشتزار های دهقانان وسینور ها وکلیسا ها معمولا پهلو به پهلوهم قرار داشتند (شکل شماره ۱)

دهقان برای خودزمین داشت، ابزارکارداشت، ولی میبایستی برای سینورو کلیسا هم کار کند(بیگاری) و یا بآنها بهره مالکانه بدهد. اولین شکل منال که فئودال از دهقان میگرفت، بیگاری بود. روزهای بیگاری دهقان در مزرعه ارباب شخم میزد، بذر افشانی میکرد، برای او جاده میساخت خانه او را تعمیر میکرد، از جنگل برایش چوب میبرید وغیره و غیره. بعلاوه دهقان موظف بود قسمتی از در آمد های خود را به سینور بپردازد، دهقانان به سینور گندم، مرغ، غاز، تخم‌مرغ و کتان ودام می‌دادند.

فرانسه در قرن ۱٤

جنبش ژاکری - درزمان مبارزه وزدو خوردبین شارل ازیکطرف واتاژنرو(۱) ازطرف دیگردرشمال فرانسه قیام دهقانان آغاز گردید.

۱- Etats Generux (اتاژنرو) مجالس مشاوره ای بودند که پادشاهان برای ارضاء بعضی ازقشرهای فوقانی بروم تشکیل داده بودند در انگلستان تقریباً پنجاه سال پس از تشکیل چنین مجلس مشاوره وقتی بورژوازی اکثریت آنرا بدست آورد. این مجلس نام پارلمان بخود گرفت.

جنك های صد ساله که دامنگیر مردم فرانسه شده بودباعث مالیات های سنگین افزایش فشار سرواژ، ورشکستگی وخانه خرابی دهقانان وبالنتیجه موجب این قیام گردید.

در قرن ١٤ عده زیادی از دهقانان با پرداخت مبلغی ازقید سرواژ آزاد شدند ، سینور ها که دائما به پول محتاج بودند با کمال میل بدین کارتن میدادند و حتی گاهی با زور و جبر دهقانان را وادار میکردند که مبلغی بعنوان جریمه بازخرید پرداخت و آزاد گردند . اما این آزادی هم وضعیت دهقانان را چندان بهبودی نمی بخشید . زمینهای دهقانی مانند سابق جزو املاك سینور بحساب میآمد . و حتی پس ازبازخرید هم دهقان مجبور به تادیه تعهدات منال مختلف به نفع سینور بودند سینورها برای زیاد کردن این تعهدات ازهر حادثه ای استفاده مینمودند. خصوصا دهقانان فرانسه درزمان جنگهای صدساله (١) درشرایط سخت وطاقت فرسائی بسر میبردند.

نه تنها ارتش انگلستان بلکه ارتش فرانسه هم دهقانان فرانسوی را غارت مینمود ، دهقانان نمیدانستند که ازدست غارتگران بکجا پناه برند. فئودالها نه تنها ازدهقانان حمایت ودفاع نمیکردند بلکه با اخاذی های جدید خانه خرابی آنانرا تکمیل مینمودند . دهقانان اجبارا میبایست برای استخلاص شاه وفئودالها که اسیر گردیده بودند مبالغ زیادی بپردازند .

دهقانان از تضیقاتی که دراثر رژیم سرواژ بر آنها وارد میآمد واز فئودالهای ظالم بشدت تنفر داشتند . تصادم خونین بین شوالیه‌ها (٢) و

١ـ جنك بین فرانسه وانگلستان که از١٣٣٧ تا ١٤٥٣ طول کشید و درتاریخ بجنك صدساله مشهور است .

٢ـ شوالیه که ما نتوانستیم معادلی برایش پیدا کنیم که درهمه موارد بکاررود درنردبان فئودالی پائین‌ترین درجات اشرافی راداشته غالبا فاقد زمین بودند وازاین لحاظ کار اساسیشان جنك وقمه کشی برای حفظ منافع سنیورهای خود، اسب‌سواری وسایر ورزشهای دیگر بود. آنها در قرون وسطی بداشتن خصال مشهدی گیری(مشتی گیری) وجوانمردی معروف بودند. در ایران دووان ساسانیان قشری ازنظامیان که وضعی شبیه بآنها داشتند اسپوارگان مینامیدند گرچه این لغت ازلحاظ ترکیب نیز باشوالیه فرانسه مطابقت دارد ولی امروزه مورد استعمال نداشته ودرادبیات گاهی بجای آن شهسوا بکارمیبرند ودربعضی جاها آنرا بزن‌بهادر ترجمه کردند هریك بمناسبتی صحیح است ولی هیچیك هنوز جای شوالیه راکاملا نگرفته است.

دهقانان دریکی از نقاط شمال فرانسه بمنزله جرقه‌ای بود که آتش عظیمی رامشتعل نمود . واین آتش بزودی قسمت زیادی ازشمال فرانسه را در بر گرفت .

این‌قیام علیه ظلم وفشار سرواژ که درماه مه ۱۳۵۸ شروع شد بنام ژاکری مشهور است.

ژاك بونوم (۱) (یعقوب ساده‌لوح) لقب تحقیرآمیزی بود که اعیان واشراف بدهقانان داده بودند . این‌قیام دهقانی ازروی نقشه حساب‌شده و سنجیده جریان نداشت . بلکه یك‌قیام خودبخودی و بی‌نقشه بود.

دهقانان تهدید میکردند که « اعیان واشرافراتا آخرین نفس از بین خواهند برد » پیشه‌وران دهاتی و تهی‌دستان شهری هم بدهقانان پیوستند . گیوم کال (Guillom kal) که سابقا درقشون خدمت مینمود ازفنون جنگی اطلاعاتی‌داشت اداره کننده ورهبر قیام‌بود. اومعاونینی‌داشت که‌درراس فرماندهی دستجات دهقانی قرارداشتند .

اشراف واعیان غافلگیرشده ونتوانستند درابتدا بطور متشکل در مقابل دهقانان مقاومت نمایند . دهقانان قلاع فئودالها را ویران نموده و ساکنین‌آنرا نابود ساختند . اما گیوم‌کال میدانست که برای موفقیت کامل‌قیام حمایت اهالی‌شهر ازاولازمست .

مردم تهیدست شهر به‌پشتیبانی دهقانان برخاستند ولی‌ثروتمندان با ترس وبی‌اعتمادی به‌آنها مینگریستند. اتین‌مارسل Etienne marcel (رهبر قیام کنندگان مردم شهرپاریس که علیه دولت شورش نموده بود) همهٔ فکرش این‌بود که ازنیروهای دهقانان برای مبارزه باپادشاه استفاده نماید . اوبا دهقانان وارد مذاکره شده و بدانها توصیه نمود قلاعی را که مانع‌رساندن‌آذوقه بپاریس میباشند ، ویران سازند . اما اتین‌مارسل از دهقانان شورشی بیش‌از ارتش سلطنتی بهراس افتاده وبهمین‌سبب‌در لحظات قطعی‌مبارزه ،بدهقانان‌خیانت کرده وهیچگونه کمکی بدانها ننمود. بدینگونه اوقیام دهقانان رابشکست محکوم ساخت .

سرکوبی ژاکری

نجبا واشراف از اولین ترس و دستپاچگی رهائی یافته، بدهقانانیکه فاقد دیسیپلین وانضباط بودند و تجهیزات خوبی نداشتند دوبار شکست سهمناکی

---

۳ - Jack Bon - homme

وارد آوردند، قیام دهقانان که مدت دوهفته ادامه داشت قلع وقمع گردید وگیوم کال راخائنانه اسیر کردند . اعیان واشراف درحالیکه اورا بعنوان « سلطان دهاقین » آماج طعن وتمسخر قرارمیدادند بجای تاج شاهی، چنبری‌ازآهن گداخته برسر اونهاده وسپس‌اعدامش کردند. انتقام‌وحشیانه‌ای ازدهقانان شورشی آغاز گردید ، دهقانان را از درخت آویزان نموده و میسوزاندند ، آنها را مانند حیوانات وحشی درجنگلها تعقیب میکردند .

بیش از بیست‌هزارازآنان رابهلاکت رساندند. بعضی ازنواحی شمال‌فرانسه بکلی ویران شده بود . بزودی پس از اینموضوع دریك زد وخورد شبانه اتین مارسل نابودگردید. پادشاه باارتش خود پاریس رااشغال نمود. توده مردم که ازطرز اداره ثروتمندان شهری ومالیاتهای سنگین‌ناراضی بودند هیچگونه مقاومتی ازخود بروز ندادند. بدینگونه قیام‌پاریس باعدم‌موفقیت بپایان یافت .

ژاکـــری بدانجهت محکوم بشکست گردید که دهقانان بخوبی متشکل نشد، وفاقد دیسیپلین ونقشه مشترك برای عملیات خود بودند .

درآنموقع‌درفرانسه هنوز طبقه کارگری وجود نداشت که دررأس‌قیام قرارگیرد وآنانرا تاپیروزی نهائی پیش‌برد .

تهی‌دستان شهری بدهقانان کمك میکردند ولی‌خود ازلحاظ تعداد ناچیز وضعیف بودند . ثروتمندان شهری هم ازدهقانان برای هدفهای‌خود استفاده کرده وبعداً هم‌بدانها خیانت کردند.

واما قیام شهرنشینان هم قرین موفقیت نبود زیرا این قیام نتوانست اتحادمحکمی بده برقرار سازد، زیرارهبری قیام بعهده ثروتمندان شهری بودکه فقط ازمنافع‌خودحفاظت نموده وفشار وتعدی رانسبت بدهقانان ادامه میدادند .

انگلستان

۷

قیام وات تایلر در انگلستان

درقرن ۱۳-۱۴ تجارت بین‌شهرها ودهات انگلستان رونق گرفت ودهقانان هم‌بافروش محصول خود و دریافت پول دراین تجارت شرکت میکردند . بیکاری وبهره مالکانه جنسی‌جای خودرا ازاین‌پس

به بهره پولی دادند. مالکین برای بهره برداری اززمینهای خود دهقانان تهی‌دست را بقیمت ارزان اجیر میکردند. همچنین مالکین برای افزایش درآمد خود جنگلها و کمونهائی را که سابقا مورد استفاده دهقانان قرار میگرفت ازآنها گرفتند ودیگر دهقانان جائی نداشتند که گوسفندهای خود رابچرانند ویاازآنجا احتیاجات خود را ازلحاظ هیزم تأمین نمایند.

دراواسط قرن چهارده که مرض طاعون ازآسیا باروپا سرایت نمود وضع دهقانان بمراتب سخت‌تر شد. دهقانان این‌مرض را «مرگ سیاه» مینامیدند بدنبال این‌مرض خانمان برانداز، کم بود محصول پیش‌آمد و قیمت نان ومواد خواربار بالارفت.

مزدوران ده ازجهت آنکه قیمت خواربار بالارفته بودحاضر نمیشدند بادستمزد کمی که سابقا بدانها داده میشد بکارتن‌دردهند، بدینجهت قانونی ازمجلس گذشت که طبق‌آن مزدوران وشاگرد استادهامجبور بودند باهمان دستمزد قبل ازروزهای «مرگ سیاه» کار کنند. کسانی را که ازاین قانون سرپیچی میکردند جریمه و توقیف مینمودند. وچون این اقدامات مثمر بثمر نگردید آنها رابحبسهای سنگینی محکوم نموده وباآهن گداخته داغ میکردند.

مالیاتهای کمرشکن جنگی، خصوصاجنگهای صدساله وضع‌دهقانان رابمراتب سخت‌تر نمود. همه اینهانارضایتی دهقانان را برانگیخت واین فکر که: زمینها باید بهمه تعلق داشته باشد وهمه انسانها باید باهم‌مساوی باشند دربین دهقانان شایع‌میشد. مابین اهالی دهات اغلب این ضرب‌المثل تکرارمیگردید. «وقتی‌آدم شخم میکرد وحوا میبافت‌درآنموقع چه کسی نجیب واشراف‌زاده بود؟»

در دهات مبلغین چون‌«جون بل۱» ازظلم وستم مالکین پرده‌دری نموده وبرچهره فئودال های ستمکار داغ ننك ورسوائی میزد. جون‌بل را مورد تعقیب قرار داده و میخواستند توقیف نمایند ولی ملت او را در آغوش خود پنهان نمود. آخرالامر بدستوراسقف اعظم‌کانتربوری‌دستگیر ومحبوس گردید.

شروع قیام

مالیات سرانه که دولت برای جنگ های صد ساله وضع نمود آخرین قطره‌ای بود که پیمانه صبرملت را لبریزساخت. کارمندان دولت که مالیات جمع

1– John Ball

می نمودند همه گونه سوء استفاده وظلم وجورروامیداشتند .درسال۱۳۸۱ درمقابل این تضییقات قیام دهقانان در انگلستان شرقی مشتعل گردید . دهقانان ، تحصیلداران مالیات را از دهات بیرون کرده وحتی عدهٔ ازآنانرا کشتند هرروز دستجات تازه‌تری که به‌چماق، کمان ، تبروچهارشاخ‌مسلح بودند ، بقیام کنندگان میپوستند . قیام بعنوان اعتراض علیه مالیاتها شروع شده بودولی بزودی‌متوجه فئودالهایعنی‌ظلم کنندگان بملت، گردید.خصوصا فئودالهای کلیسائی یعنی اسقف‌هاوطرانها یعنی بیرحم‌ترین سرف‌داران‌مورد نفرت‌وکینه خاص‌دهقانان بودند .

دستجات دهقانی صومعه ها واعیانی های مالکین راویران ساختند، زمه ها رابرده واموال آنهارا ضبط واسناد ومدارکی که درآنها تعهدات دهقانان‌درج گردیده‌بود، آتش زدند. اغلب مردم تهیدست شهری‌ازدهقانان حمایت وپشتیبانی میکردند . قیام‌کنت نشینهای مجاور لندن یعنی اسکس (Essex)وکنت (Kenette) در جنوب شرقی انگلستان دامنه و نیروی خاصی داشت.

دهقانان کنت جون بل را از زندان رها ساختند . جون بل‌اکنون دیگر تنفرآشتی ناپذیر طبقاتی‌را تبلیغ می نمود. نامبرده دهقانانرا بکشتار و قتل عام فئودال ها ویاران آنها یعنی قضات سلطنتی دعوت میکرد. او میگفت وقتی کارهادرانگلستان روبراه خواهدشد که همه‌مساوی باشندیعنی همه‌دارائی وثروتها اشتراکی گردد ودهقان وارباب وجودنداشته باشد، در ناحیه کنت، وات تایلورحلبی ساز، رهبرقیام بود وبدین مناسبت‌قیام۱۳۸۱ بنام وات تایلور معروف‌است.

ورود بشهر

دهقانان‌شورشی کنت واسکس بشکل دودسته بزرگ وارد شهرلندن شدند . شهردار لندن دستور داد دروازه شهر را به‌بندند لکن مردم تهیدست شهر اجازه ندادند که چنین دستوری‌اجراگردد . دهقانان باپرچمهای برافراشته که درجلو دستجات کنت واسکس قرار داشت بدون برخورد بامقاومت به پایتخت انگلستان وارد شدند ، آنان به آتش زدن‌وویران ساختن‌منازل درباریان‌پرداخته برخی‌ازآنانرا کشتند. دهقانان‌زندانهارا گشوده‌وزندانیان را آزاد ساختند.

دهقانان ملاقات باپادشاه ریچارد دوم را می طلبیدند تا یکسله

تقاضای خودرا با اودرمیان نهند . پادشاه که بوحشت افتاده بودبا بهبود وضع دهقانان موافقت نمود. اوقول داد که درتمام انگلستان اصول سرواژ وبیگاری را ملغی سازد. ازاین پس دهقانان میبایست فقط مبلغ ناچیزی به مالکین تادیه نمایند. همه شرکت کنندگان درقیام مورد عفوشاه قرار گرفتند قسمتی ازدهقانان باین امرراضی شده ولندن راترك گفتند. ولی عده‌زیادی ازقیام کنندگان خصوصاتهیدستان ناراضی بودند. آنها بزمین وبه‌لغوقوانین ظالمانه علیه کارگران، احتیاج داشتند وحال آنکه هیچ یك‌ازاین‌مطالب‌در قول‌وقرارهای پادشاه نبود.اکثردهقانان تحت‌رهبری وات‌تایلوروجون بل درلندن مانده وتقاضای ملاقات مجددرا باپادشاه داشتند.

دراین اثنا قیام مردم تهیدست شهرشروع شد. آنها از متعدیان و ظالمان انتقام گرفته شروع بخراب کردن ادارات و مغازه ها، کشتن تجار ثروتمند، کارخانه داران و رباخواران ، نمودند . ثروتمندان لندن ترسیده‌و بجمع آوری نیروهای مسلح علیه دهقانان شورشی وتهیدستان لندن دست زدند . شاه مجبور به تجدید مذاکرات بادهقانان گردید . دهقانان‌این‌بار تقاضاهای جدیدی را ارائه دادند. دهقانان تقاضا میکردند که‌همه قوانین ظالمانه ملغی گردد وهمه‌زمینها ازاسقف‌ها ، صومعه‌هاو کشیشها پس گرفته شودو بین‌دهقانان‌تقسیم گردد. دهقانان‌هم‌چنین‌تقاضا میکردند که‌درانگلستان برای همه تساوی کامل برقرارشود.

سرکوبی قیام

فئودال ها وثروتمندان آماده مقاومت گردیدند درطول مذاکرات ، شهردارلندن خائنانه‌وات‌تایلور راکشت . دستجات بزرك ومسلح شوالیه‌ها وشهر نشینان ثروتمند بکمك پادشاه شتافتند . دهقانان که رهبر خودرا ازدست داده‌بودند جرات نکردند واردجنك شوند. بدهقانان قول داده‌شد که‌آنان را بخاطر شرکت درقیام موردتعقیب قرارندهند وآنانرا متقاعد ساختند که ازلندن خارج شوند .

دهقانان باین عقیده که تقاضا های آنان مورد پذیرش قرار گرفته، متفرق گردیدند . آنها خودرا مردمان‌آزادی می‌پنداشتندوخیال‌میکردند که ازاین پس دیگر نباید بیگاری نمایند. اما دراین اثنا پادشاه در همه انگلستان شوالیه ها را به لندن فرا خواند. بزودی ارتش تجهیز شده‌ای جمع‌آوری گردید . شوالیه ها به تعقیب دستجات دهقانان پرداخته وسبعانه

آنانرا قلع وقمع می‌ساختند . سپس قضات سلطنتی به نواحی که در آنجا قیام برپاشده بود روانه شده‌وانتقام هراس انگیزی براه انداختند . درهمه کشوردارها برپا ساخته ولی‌این دارهاهم برای‌محکوم‌شدگان کفایت نمیکرد. درلندن، در محوطه بازار، سرهای قیام کنندگانرا روی ستونهای چوبی گذارده‌وقطع‌مینمودند.

رهبران قیام کنندگان ودرشمارآنها جون‌بل بطرزفجیع ودلخراشی اعدام گردید. شاه امریه ای صادرنمود که دهقانان باید بی چون و چراسر باطاعت مالکین نهاده وهمان تعهداتی که تا قبل ازقیام‌داشتند اکنون هم اجرا نمایند.

علل شکست قیام

قیام دهقانان‌ازآنجهت‌محکوم‌بشکست **گردید که دهقانان نتوانستند متحد شده و بطور متشکلی عمل نمایند.** اکثریت‌قیام کنندگان‌درلشکرکشی به‌لندن‌شرکت ننموده‌وتنها بمبارزه با فئودال‌ها درکنت نشینهای خوداکتفا نمودند . هنوزآگاهی و شعور طبقاتی دردهقانان قوت نگرفته بود. آنها نسبت به‌فئودال‌های استثمارگر خود ومستشاران‌سلطنتی که بنظر دهقانان درتحمیل مالیاتهای‌سنگین‌مقصر بودند، کینه ونفرت داشتند ولی نسبت به پادشاه نظرخوبی داشتند واورا حامی خود میپنداشتند وبا اطمینان و اعتماد به وعده و وعیدهای دروغ و فریبنده‌اودلخوش‌داشتند. مردم تهیدست‌شهر برای‌آنکه بتوانندرهبری‌جنبش را دردست‌خودبگیرندهنوزضعیف وغیرمتشکل‌بودند. همه‌اینها به‌قلع‌وقمع قیام‌دهقانان‌منجر گردید.

محو اصول سرواژ

اما با وجود همه اینها قیام اوات تایلو ضربه محکمی در انگلستان بر فئودالیسم وارد آورد. اکنون‌دیگرمالکین‌میترسیدند که‌ازدهقان بیگاری طلب نمایندویااینکه برمیزان‌بهره‌مالکانه بیفزایند. تقریباهمه‌دهقانان بهره پولی میپرداختند .

اصول سرواژ تدریجا ازبین رفت بطوری که پس ازیکصد سال که از قیام دهقانان‌گذشت در انگلستان بطورکلی‌عده‌سرفها بسیار ناچیزبود. دهقانان کاملا آزادشدند . دهقانی که ازوابستگی سرواژآزاد شده بود شخصا آزادی داشت واگرمیخواست میتوانست از پیش ارباب خود برود

ولی اگر مایل بود درحصه زمین خود بماند درآنصورت میبایست بنفع ارباب بهره پولی بپردازد .

قیام دهقانان درچك (قرون ۱۲-۱٤)

۸

در بین فئودالهای چك آلمانیهای زیادی وجود داشتند که تشکیل پاتریسین‌های شهررا داده ومعابد بسیاری‌را دراختیارداشتندمالکین کلیسائی خشن‌ترین استثمارگران دهقانان بودند . عدم رضایت ازآلمانها وکلیسا های کاتولیك درسایر طبقات اهالی چك هم توسعه یافت .

در کشور چك هم مانند دیگرکشورهای اروپا شوالیه‌هائی بودند که فقیر شده واجباراً در ارتش کشورهای دیگر استخدام میشدند . این شوالیه‌ها به‌مالکین آلمانی‌وکلیساهای کاتولیك باتحسر مینگریستند . تجار وصاحبان صنایع هم از آلمانی‌ها وکلیساها که منبع خوبی برای فریب و اغوای مردم بود ، ناراضی ومعتقد بودند که باید املاکرا ازکلیساها پس گرفت . ژان **گوس** پرفسور دانشگاه پراك هم دراین جنبش ملی‌شرکت نمود . ژان‌گوس علیه آزمندی‌های مذهب کاتولیك تبلیغ نموده واسترداد زمینهارا از کلیساها طلب مینمود . ژان‌گوس‌سپس‌رهبرجنبش‌ملی گردید. نامبرده را ناجوانمردانه دستگیر وبزندان انداختند وچون ازنظریات‌خود دست برنداشت اورا درآتش سوزاندند . این‌امر باعث تشدید جنبش‌ملی چك گردید . این‌جنبش بنام‌گوس به «گوسیسم»مشهور وطرفداران اورا گوسیست نامیدند .

در ۱٤۱۹ کار به‌قیام کشید . پاپ اعلام جهاد داد . شوالیه‌های همه اروپا به‌اردوی پاپ پیوستند وبکشور چك حمله نموده ومردم بی‌دفاع‌چك را ازبین بردند. گوسیست‌ها هم درمقابل ،حرمها ومعابدکاتولیك‌هارا‌خراب وزمینهای آنانرا تصرف کردند . گوسیست‌ها همچنین زمینهای پادشاه و وفئودالهای‌کاتولیك را بتصرف خود درآوردند .

- گوسیست ها بدودسته تقسیم شدند اعتدالیون

اعتدالیون و تابوریت ها

شامل تجار ، صاحبان صنایع ، مالکین وهمچنین استادان‌دانشگاه پراك بودند .

زحمتکشان‌چك یعنی‌دهقانان، پیشه‌وران، کارگران

معادن حزب مخصوصی بنام «تابوریت‌ها» تشکیل دادند. آنهارا بمناسبت شهر مستحکم تابور (Tabor) که خود ساخته بودند باین نام میخواندند دهقانان که نیروی اساسی تابوریت‌ها را تشکیل میدادند ، خواستار الغاء رژیم سرواژ وتعهدات سرواژ گردیده وطرفدار انتخابات آزاد روحانیون بودند . برای دهقانان جنك باآلمانها ، بمنزله جنك با مالکین بود .

جنبش تابوریت ها همانند ژاکری وقیام وات تایلر ؛ در اساس خود یك قیام دهقانی ،علیه مالکین ، بود .

بعضی از تابوریت‌ها که اکثراً تهیدستان شهر وده و کارگران معادن بودند، الغاء کامل مالکیت خصوصی را طلبیده ومیخواستند که دارائی مشترکی داشته باشند واصول مالکیت انفرادی ملغی گردد . بعضی ازشوالیه‌های تهیدست نیز به تابوریت‌ها پیوستند . دربین آنها جنگجویان مجرب پیدامیشد. یکی ازآنان بنام ژان ژیژکا ، رهبر محبوب ارتش گوسیست ها گردید .

تشکیلات نظامی گوسیست‌ها

آلمانها در سال های ۱۴۲۰ - ۱۴۳۰ پنج بار علیه گوسیست‌ها لشکر کشی نمودند وهر پنج بار باعدم موفقیت دچار گردیدند . در کشورچك ارتش انقلابی نیرومندی بوجود آمد . ژان ژیژکا درمقابل شوالیه های سواره نظام آلمانی نیروی پیاده بسیار عالی و توپخانه سبکی که بوسیله گاریها حمل میشد، تشکیل داد. ژیژکا ازگاریهای بارنبه ، که بوسیله زنجیرها وتخته ها بیکدیگر اتصال داشتند ، استحکامات تسخیر ناپذیری ساخت که هم برای دفاع وهم برای حمله مناسب بودند .

ژیژکا دریکی نبردها زخمی شد ونابینا گردید . معهذا او در رأس ارتش گوسیست‌ها باقی ماند وفداکارانه بخدمت به میهن ادامه میداد .اسم او موجب وحشت دشمنان میشد . ارتش گوسیست‌ها بطور غیرعادی متحرك بود واغلب درجائی که انتظارشان نمیرفت ، ظاهر میشدند . میگویند که ارتش «صلیبیون» همینکه صدای گاریهای گوسیست‌ها را میشنید پا بفرار مینهادند . ارتش گوسیست‌ها ، بموجب نظام وظیفه عمومی ، جمع آوری شده بود . انضباط شدیدی درآن معمول ، وشوروشوق انقلابی در این ارتش حکمفرما بود . گوسیست‌ها ازدفاع به تعرض پرداختند . آنها بآلمان لشکر کشیده وتادریای بالتیك رسیدند . آنهادرهمه‌جا تعالیم خودرا که انعکاس خوبی درتوده زحمتکشان آلمان داشت، توسعه میدادند. کشیش‌های آلمانی و

وفئودالها این تعالیمرا « زهرچکی» مینامیدند .

نیرو های اصلی گوسیست ها ، در جنگها ، تابوریت ها بودند • اعتدالیون ازتابوریت‌ها ترسیده‌ودرصددسازش‌با آلمانهابرآمدند. بالاخره امپراطورسیگیزموند (Sigizmound) تصمیم گرفت تقاضای اعتدالیون را اجابت نماید. اوموافقت نمود تا زمینهای پس گرفته از کلیساها برای آنان باقی بماند . همچنین او استقلال کلیساهای چك را برسمیت شناخت اعتدالیون هم بنوبه خودسیگیزموندرا بعنوان‌پادشاه خود برسمیت‌شناختند. لکن تابوریت ها این سازش را قبول ننموده و آنرا خیانت حساب میکردند . آنگاه جنك بین تابوریت ها و اعتدالیون آغاز گردید . اعتدالیون خائنانه به تابوریت ها حمله نموده و آنها را در نزدیکی « لی پانا » شکست دادند (۱٤۳٤) آنگاه از تاربوریت ها بیرحمانه‌انتقام کشیده شد.

بدینگونه دهقانان وطبقات زحمتکش شهری دراثرخیانت اعتدالیون قلع وقمع گردید . وضع دهقانان بازهم بدترشد. جنبش تابوریت هاهمانند جنبشهای بزرك دهقانی دیگر ، یعنی جنبش های ژاکری و قیام وات تایلر، با عدم موفقیت پایان پذیرفت. تهیدستان شهری‌وکارگران معادن که درجنبش شرکت‌داشتند، چون‌خودشان هنوزضعیف و غیرمتشکل بودند نمیتوانستند دهقانانرا به‌پیروزی‌برسانند.

جنگهای دهقانی در آلمان (قرن ۱٦)

۹

وضع دهقانان آلمان درآغاز قرن

وضع دهقانان آلمان ۱٦ بیش از دیگر طبقات سخت‌تر و ناگوارتربود . دهقانان مورد چپاول کلیسا ، سینور های اعیان و نجبای شهرنشین ، قرار می‌گرفتند . دهقان می‌بایست ده یك محصول خودرا به کلیساها بدهد . علاوه براین دهقانانرا می چاپیدند . مالکین ، جنگلها و چمنزار ها وآبهائی را سابقا مشترکا با دهقانان ازآنها استفاده میکردند، از تصرف دهقان خارج ساختند . دهقانان اغلب مجبور بودند برای تادیه مقرری سینورها ، به قرض متوسل شوند . دراینجادیگرربا‌خواران‌شهری آنانرا بدام‌می کشیدند. بدین ترتیب شهر شروع‌باستثمار دهقانان‌می‌نماید.

در بین دهقانان جنب وجوشی آغازمیگردد . در سال ۱۴۷۶ نزدیك شهر ویورتسبورك هانس بهایم ، چوپان وموزیسین ده ، شروع به تبلیغ در بین دهقانان می‌نماید . او میگوید که همه مردم برادرند و نباید بین آنان فقیر وغنی وجود داشته باشد زمینها راازسینور ها وروحانیون پس گرفت وبین دهقانان تقسیم نمود. گرچه اورا بامراسقف‌هادرآتش سوزاندند ولی این امر نتوانست دهقانانرا آرام سازد و تشکیلات آنان مخفیانه توسعه میافت .

جنگهای دهقانی

در ۱۵۲۴ قیام بزرك دهقانی که درتاریخ به‌جنك کبیر دهقانی مشهوراست،آغاز گردید .شواب، فرانکن وتیورنیکوساکسن از مراکز عمده این قیام بودند . همچنین دامنه قیام به جنوب شرقی آلمان‌یعنی سرزمین های اسقف اعظم سالزبورك وقسمت جنوبی اتریش کشیده شد .

مناطق اصلی قیام

ابتدا قیام درشوابیا منطقه‌جنوب‌غربی آلمان بر پا گردید. در سال ۱۵۲۴ دهقانان‌ازخدمت سینور ها سرباززده وسپس مسلح گردیدند. درآغازسال ۱۵۲۵ دهقانان شورشی ، چندین‌دسته بزرك ترتیب داده و درخواستهای خودرا در « ۱۲ ماده » به سینور ها ارائه دادند وسپس مواد آنرا چاپ ودرهمه آلمان منتشر ساختند.دهقانان میخواستند:

الف) جنگلها، چمنزارها ومراتعی که سینورها ازآنها گرفته بودند بآنها مسترد گردد.

ب) بآنهااجازه‌داده‌شود که دررودخانه‌ودریاچه‌ها بصیدماهی‌ودرجنگل بشکار حیوانات بپردازند.

ج) بیگاری وبهره‌مالکانه تقلیل یابد ودهقانان ازقیداصول‌سرواژ آزادگردند .

ه) بدهقانان اجازه داده شود که‌خود کشیش‌ها را انتخاب نمایند و یك‌قسمت ازده یك کلیساها ملغی وقسمت ودیگر جهت تأمین معاش کشیش‌ها وتهیدستان اختصاص داده شود .

سنیورها سعی میکردند باگذشتهای کوچکی وقت گذارنی کنند تا

نیروهای خودرا جمع نموده وسپس بدهقانان حمله‌نمایند. درمارس ۱۵۲۵ دهقانان به‌عملیات قاطع‌تر دست زدند . آنها صومعه‌ها را تصرف‌نموده و باغات ییلاقی اشراف راطعمه حریق ساختند . بعضی از شهرها از دهقانان جانبداری میکردند . جنبش انقلابی بشمال کشیده شد . درفرانکن بعضی‌از شهرنشینان وحتی شوالیه‌ها بدهقانان ملحق گردیدند . دهقانان توپ‌وتفنك بدست آوردند . دستجات‌آنها قلاع، قصور وعده‌زیادی ازصومعه‌ها راخراب نموده وشهر گیل‌برون رابتصرف در آوردند . دراین شهر برنامه جدید قیام‌کنندگان بنام « برنامه گیلی‌برون » تنظیم گردید . چون این برنامه ازطرف بورگرها (۱)تنظیم شده بود . بنابراین درخواستهای دهقانان‌در آن، دردرجه دوم اهمیت قرارگرفته بود . درعوض تمایل‌متحدساختن همه آلمان رازیر قدرت امپراطور ، برقراری سیستم واحد اندازه‌ها و اوزان، پول واحد وتضعیف قدرت شاهزادگان وسنیورها وبطورخلاصه همه آنچه که‌برای حاکمیت بورگرها وتوسعه وتقویت آن‌ها لازم بودم ، در برنامه گنجانده شد .

جنبش‌دهقانی‌درآلمان وسطی، درنواحی‌صنعتی وکوهستانی‌تیورنیك وساکسن بیش ازهمه‌جای‌دیگرجنبه انقلابی بخودگرفت .

دراین ناحیه معدنچیان، تهیدستان وشاگرد استادها فعالانه درجنبش شرکت نمودند ودررأس آنان‌توماس‌مونتسر قرارداشت .

شهر «مولهاوزن» مرکز انقلاب‌گردید دراین شهرحکومت‌پاتریسین ها راسرنگون و«شورای‌دائمی» راکه‌تحت‌نظر مونتسرکار میکرد،تاسیس نمودند . درشهر توپ و تفنك ساخته وبه چریکها طرز استعمال آنها را می‌آموختند . مونتسر اهالی شهرها وقصبات راباحرارت دعوت مینمود که علیه دشمنان یعنی‌سنیورها و کشیش‌ها بپاخیزند. دهقانان به‌قلاع‌وصومعه‌ها حمله‌نموده وآنها راآتش زدمویاویران می‌ساختند .

سرکوبی قیام

درآوریل ومارس ۱۵۲۵، قیام دهقانی تقریباً تمام جنوب‌آلمان رافراگرفته بود . ولی نیروهای دهقانان متشتت و پراکنده بود .

۱- قشرهای متوسط اهالی شهررا درآلمان بورگرمینامند. اصولا شهرنشینان تاجرپیشه وکسبه درمقابل اشراف بدین‌نام خوانده میشدند.

دستجات دهقانان ازلحاظ انضباط وسازمانی، بسیار ضعیف و رهبران آنها بی‌تجربه بودند • ازاینرو شاهزادگان ، نجبا و ثروتمندان شهری بزودی متحدشده وجنبش دهقانی راسر کوب ساختند •

آنها ارتش بزرگی‌جمع کرده و دار بیرحم ودرعین‌حال باتجربه‌ای بنام تروخزس (Truhzesse) را دررأس‌آن‌گماردند • تروخزس با این ارتش ، که بخوبی تجهیز شده بود بدهقانان حمله‌نمود • آنقسمت از اهالی شهر که ابتدا بدهقانان ملحق شده بودند بمحض اولین احساس‌خطر باترس وجبنی، رشته اتحاد رااز هم گسیختند . تروخزس تك‌تك دستجات درهم پاشیده وناجور دهقانان راتارومار وبیرحمانه‌آنانرا مجازات نمود . رهبران دهقانان را کـه بدستش میافتادند ، شکنجه داده و زنده زنده میسوزاند

درعین‌حال شاهزادگان‌هم‌علیه مونتسر بپاخاستند. قشون‌آنان‌متارکه جنك رانقض‌نموده‌ناگهان درفر نکهاوزن بردهقانان حمله‌وآنان رامتواری ساخت (۱۵ماه مه ۱۵۲۵) مونتسر اسیرگردید وپس ازشکنجه‌های‌بسیار سرش‌رابریدند. بیش ازهمه دستجات دهقانی‌املاك اسقف اعظم‌سالزبورك مقاومت کرد . هائیس‌مایر رهبر آنها ، از طرفداران مونتسر ، بمزدوران اسقف اعظم وبارتش که بکمك شاهزادگان‌آمده بودند شکستهائی وارد آورد •

هائیس‌مایر(Haismayer)بوسیله نیرهای متفوق‌دشمن‌محاصره ومجبور گردید که به‌ایالت ونیز عقب‌نشینی‌نماید.درآنجا هائیس‌مایر آمادهٔ تجدید عملیات جنگی گردید . لکن دشمنان بکمك ترور مخفیانه از دست اورهائی یافتند . قیام دهقـانان غرق در دریای خون‌گردید ، بیش از صد هزار دهقان مقتول وهزاران ده طعمه حریق گردید .

دراینجا نقش مارتین لوتر (Martin Lutter) قابل ذکراست .
لوتر که بنیان‌گذار فرقه پرتستان مذهب مسیحی است ، ابتدا باجنبش ضد پاپ هم‌آهنگی داشت توضیح آنکه درآنزمان بازار سوء استفاده پاپ که رئیس مذهبی همه عیسویان وخلیفه آنان محسوب میشد بسیار گرم‌بود.یکی ازوسائل غیرقابل تحمل سوء استفاده‌کلیسای کاتولیك فروش اوراقی بود بنام‌اندولژانس(Indulgence)این‌اوراق‌گویا گناهان‌مؤمنین‌رامیبخشید. مـارتین لوتراستاد وواعظ شهرویتن برك (Vitten berg) علیه این

اُمر یعنی فروش اندولژانس ، قیام نمود. لوتر شخصاً تمایلات بسیار معتدلی داشت وابتدا حتی بمیل نبود باپاپ ازدرسازش درآید ولی نفرت عمومی مردم آلمان نسبت بکلیسا وخدام آن بقدری بود که لوتر ناچار شد از کاتولیسیسم ببرد . پاپ او را تکفیر نمود ولی لوتر فرمان اورا درآتش سوزانید . جنبش اصلاح طلبی درکلیسا وکاتولیسیسم بزودی سرتاسر آلمان را فرا گرفت . قشرهای مختلف اصلاح کلیسا را یکسان درك وتفسیر نمی کردند . شاهزادگان وبطورکلی ثروتمندان میکوشیدند که کلیسای آلمان اززیر نفوذ پاپ درآید تااملاك آنهارا خود تصاحب کنند ولی دهقانان و تهیدستان ده جنبش اصلاحات‌را بمنزله تغییر اساسی درنظام اجتماعی تلقی میکردند . لوتر نیز مانند فئودالها وثروتمندان شهر از جنبش تهیدستان میترسید ورویه سازشکارانه در پیش گرفت . او که ابتدا بشاهزادگان و سنیورها پیشنهاد کرده بود ، بدهقانان گذشتهای کوچکی بشود ، اکنون بطرف قدرت‌متمایل ودعوت‌مینمود که دهقانان‌را «مانند سگان‌هار بکشند، خفه کنند ، بزنند»

(۱۴۹۳—۱۵۲۵) (Thomas Muntser)

شرح حال مختصر توماس‌مونتسر مونتسر رهبر جنبش دهقانی خواهان چنان رژیم اجتماعی بوده که همه درآن بطورتساوی‌زندگی نمایند ودارائی‌اجتماع بهمگی تعلق داشته باشد.

بدین ترتیب او نظریات مبهمی در باره اجتماع سوسیالیستی بدون طبقات درمغز خود می‌پروراند . مامیدانیم که چنین‌نظام اجتماعی تنها پس‌ازانقلاب سوسیالیستی وتنها از راه دیکتاتوری پرولتاریا ، می‌تواند استقرار یابد . ولی درآنموقع پرولتاریا هنوز درحال جنینی‌بود وایده‌های مونتسر در آن موقع انجام ناپذیر بود. خود مونتسرهم میدانست که‌واقعیات‌جهت‌تحقق‌ایده های اوغیرمساعدند. لکن مونتسر بعنوان انقلابی‌حقیقی ؛ استعدادهای خود را بکارمیبرد تاآنکه انقلابیون آنروزیرا علیه رژیم فئودالی متحدسازد . اودربیانات خود نه‌تنها بکشیش‌ها بلکه بشاهزادگان ملاکین‌وثروتمندان شهری نیز وعده‌های دردناکی میداداومیگفت : «اربابها ، ازجهت آنکه تهیدستان دشمن آنهاهستند ، خودمقصرند» اوثروتمندان‌را بوسیله انقلاب آینده تهدید نموده چنین‌میگفت «چه‌خوب خواهدبود که اربابها با خیش آهنین کار کنند من‌بشماحقیقت‌را مگویم ، من‌مردم‌را خواهم‌شوراند»:



توماس مونتسر

سرکوبی قیام برای تاریخ بعدی آلمان نتایج بزرگی در برداشت .
پیروزشدگان ارتجاعی ترین قشرهای اجتماعی آلمان یعنی : شاهزادگان،
مالکین، پاترسینها درشهر ، بودند . وضع دهقانان ازسابق نیز سخت ترشد.
پیروزی فئودالها آلمانرا تضعیف نموده آن را بیك مشت دول کوچك مبدل
ساخت ، انحطاط اقتصادی آلمان را که اززمان کشف **قاره جدید** وانتقال
راههای تجارتی بمغرب شروع شده بود ، تسریع نموده . در آنزمان که دول
دیگر بقدرتهای قوی و بزرك تبدیل میشدند آلمان روز بروز بیشتر ضعیف و
طعمه همسایگان قوی میگردید .

قیام مونستر

آخرین انعکاس جنك دهقانی قیام پیشه وران و تهیدستان
شهر مونستر درایالت وستفالی بود اهالی شهر تحت
رهبری خیاطی بنام ایوهان لیدنی ۱۶ ماه درمقابل
نیروهای اسقف محلی دلیرانه مقاومت کردند آنها درشهر نظام بی نظیری
برقرار کردند. همه میبایستی ازطلا و نقره خودصرفنظر کرده آنهارا بصندوق
عمومی تحویل دهند . لباس وسایر وسائل زندگی بتساوی بین اهالی تقسیم
وتغذیه عمومی مجانی برقرارشده بود ، همه اهالی شهر میبایستی برای رفع
احتیاجات شهر کار کنند . لکن مالکیت خصوصی بروسائل تولید ، خانه و باغ

لغو نشده بود ؛ درواقع این یکنوع کمونیسم پیشه وران خرده پا بود که ازخود وسائل تولید داشتند -ندا انقلابیون فقط در نتیجه آغاز قحطی و خیانت موفق بتسخیر شهمور نستر شدند. فاتحین پس از تصرف شهر ازخرد تا کلان همه را از دم تیغ گذرانده وایوهان لیدنی را نیز پس ازشکنجه فراوان اعدام کردند .

انگلستان درقرن شانزدهم

۱۰

بی زمین ساختن دهقانان در انگلستان و شروع قیام

صنایع تکامل یافته سرمایه داری در انگلستان شروع بتهیه کالاهای صادراتی نمود ولذا بیش از کرپوراسیون های سابق که فقط برای بازارهای محدود محلی کالا تهیه مینمودند ، بنیروی کار و پشم احتیاج داشت ، گله داری کار پر منفعتی شده بود. برای گله های بزرك زمینهای زیادی لازم بود ولی قسمت اعظم زمینها که برای مراتع مناسب بود در دست اقتصادهای کوچك دهقانی قرار داشت . ازاینرو لردهائیکه مالك زمینهای بزرك بودند شروع براندن دهقانان واخذ زمینهای آنها نمودند . دهقانانی که اززمینهای خودرانده شده ، دهقانانی که دارائی ووسائل زندگی را از دست داده بودند ، مجبور گردیدند بکار مزدوری برای سرمایه داران تن دردهند ، بدین ترتیب راندن دهقانان از زمینها ، هم بنفع سرمایه داران تمام شد ، زیرا لردها زمینها را جهت مراتع خود مورد استفاده قرار میدادند وسرمایه داران هم نیروی کارارزانی بدست میآوردند .

دهقانان بطور دسته جمعی ازمساکن خودرانده شدند . دهات بکلی خراب میگردید .دهقانان که بی نیرو شده بودند علیه (پرچین کشی)(۱) بمبارزه برخاستند . دولت که میترسید با خانه خرابی دهقانان ، دیگر کسی برای پرداخت مالیات وخدمت نظام وجود نخواهد داشت قانونی بمنظور متوقف نمودن (پرچین کشی) وضع نمود . ولی چون طبقه ئی که یعنی مالکین از (پرچین کشی) بهره میبردند کوششهای دولت مثمر بثمر نگردید ، همچنین

---

۱ ـ لردها وصاحبان فرمها زمینهائی را کو بطرق نامبرده در بالا از دهقانان گرفته بودند ، پرچین کشیده وبدین ترتیب آنهارا از زمینهای دهقانان جدا میساختند ، ازاینرو بانگلیسی این عمل را (پرچین کشی) مینامند

دولت یك سلسله قوانین دیگر برای بیکاران وضع نمود که طبق آن بیکاران را ولگرد نامیده و بسختی مجازات میکردند. **مارکس** همه این قوانین را **قوانین خونین** مینامید.

قیام روبرت کت

(Robert ket) دهقانان علیه «پرچین کشی» و قوانین خونین مقاومت کردند. در نقاط مختلف کشور قیامهای بسیاری شروع شد. **مخصوصاً این قیامها در مشرق** زیاد بود چونکه در آنجا «پرچین کشی» بیش از نقاط دیگر وجود داشت. بزرگترین قیامها در کنت نشین نورفلك (Norfolk) در مشرق انگلستان تحت رهبری ربرت کت انجام گرفت (١٥٤٩). دهقانان برچیدن پرچینها و استرداد زمینهای غصب شده کمون ومنع پرورش گلههای بزرك اغنام واحشام را میطلبیدند، قیام کنندگان نوریچ (Novritch) شهر عمده کنت نشین را تصرف نمودند. دولت دسته بزرگی از ارتش مزدور را که از خارجیان اجیر کرده بود باتوپخانه بمقابله قیام کنندگان اعزام داشت. «کت شکست خورد» بیش از سه هزار نفر از دهقانان کشته و عده بیشتری دستگیر واعدام شدند. خود کت هم در میدان نوریچ اعدام گردید

جنبشها وقیامهای دهقانی در روسیه

١١

فقر و فلاکت دهقانان

غارت وچپاول بیرحمانهای که ازطرف مالکین اعمال میشد منجر بفقر وفلاکت دهقانان میگردید فلتچر Fletcher انگلیسی میگوید که اکنون (پایان قرن ١٦) دیگر آن نقاطی که دراواسط قرن ١٦ مملو از جمعیت بود خالی و از جمعیت تهی گشته است فلتچر در حین مسافرت خود بین ولگدا و مسکو بادهات بزرگی برخورد مینماید که حتی یکنفر در آنها سکونت ندارند.

دفاتر آمار و سرشماری سده شانزده ازیادداشتهائی نظیر یادداشتهای زیر پر است:

«دراثر مالیاتهای تزاری متواری ومجهول المکان است» ، «وتیچنیائی (تیول) که متعلق بشاهزاده اوبولنسکی بود اکنون خالی ازجمعیت است»،

«افراد اوپریچنینا(۱)خانه ها راآتش زدند» وغیره بعضی نقاط ۹۰درصد زمینها ازجمعیت خالی شده بود وبدین ترتیب نیروی کارکافی برای اداره

۱- اوپریچ‌نینا(Opritchnina) سابقا زمینهای خالصه‌مخصوصی که بمالکیت اشخاصی مانندملکه‌درمیآید«اوپریچ‌نینا» نامیده میشدولی بعدها اوپریچ نینا معنای دیگری بخودگرفت . تا نیمه دوم قرن شانزدهم زمین داران، طبقه حاکمه درقلمرو حکومت‌مسکو بایارهاوشاهزادگان‌بودند. بویارها مانند خوانین ملوك‌الطوایف هریك درمحل درتیول یااقطاع‌خود یك پادشاه کوچك بودند وحکومت مسکوی برآنها قدرت مطلقه نداشت. دراین دوره که نطفه های بازارملی بنفع تجار وسرمایه‌داران بسته میشد لزوم‌تشکیل دولت مقتدرمرکزی والغاء سدها وانقسامات فئودالی که بویار ها وشاهزاده ها حافظ ونگهبان آنان بودند، احساس میشد.

تزار سمبل ومظهراین‌تمرکز ووحدت سیاسی واقتصادی کشور بود. بکمك دولت مرکزی قشری‌ازکارمندان دولتی‌وابسته ومطیع دربارصاحب زمینهائی شده‌بودند که‌آنهاراکارمندیاپامشچیك(Pomechchik)میگفتند اینان درمقابل اعیان وبویارها ازحکومت مرکزی حمایت می کردند . در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم زمان تزار ایوان چهارم مبارزه بین این‌دوگروه بالاگرفت سرمایه داران، تجاربزرك ازدسته پامشچیك ها (امروز ملاك را اصولا پامشچیك می گویند) وتزار حمایت میکردند . تزارایوان چهارم مبارزه شدیدی‌علیه بویارهای نافرمان آغاز کرد ازاینروآنها ایوان‌چهارم رامخوف لقب دادند. ایوان مخوف برای مقابله بانیروی بویارهاسازمانی ایجاد کردبنام اوپریچ‌نینا که پامشچیك هاوبویارهای مطیع واردآن‌شدند. اوپریچنینا باقساوت‌تمام علیه‌بویارها مبارزه کرد و تکیه‌گـاه عملی طبقه حاکمه جدید شد ودر سرکوبی جنبش های توده‌ای نیز نقش بزرگی‌بازی کرد . درنتیجه با مرور زمان یکبار دیگر لفظ اوپریچنینا معنـا و مورد استعمال خودراعوض کرده ودرادبیات بعدی روسیه بهمان‌معنی‌استعمال‌میشد که مالفت‌قزاق رابکارمیبریم.

پامشچیك درواقع صاحب پامستیه (امروز بمعنی ملك است) بود و پامستیه‌ازطرف تزارموقتادراستفاده‌پامشچیك گذارده میشد، مانندبنفی‌سی Benehice در اروپای باختری وحال‌آنکه وتچینا Votchbina که اقطاع‌یاتیول باشدبرای‌همیشه‌دراختیارملاکین گذارده‌می شد، بارث‌نیزمنتقل می گردید .

اقتصادیات‌ده وجود نداشت. مالکین نمیتوانستند دهقانانی را که فرار میکردند نگهدارند . دولت مسکوی(١) جهت جلوگیری ازاینعمل تدریجا از فرار دهقانان جلوگیری مینمود.

دولت مسکوی ابتدا فرامینی صادر نمود که برطبق آن دهقانان در مواقع معینی می‌توانستند ازپیش ارباب خود بروند . آنسال هائی که دهقانان نمی‌توانستند ازارباب خود جدا شوند بسال های«ممنوعه» معروف گردید واولین سال آن سال ١٥٨١ بود در سال های غیر ممنوعه نیز فقط سالی یکروز بود که دهقانان می‌توانستند باصطلاح ارباب عوض کنند وآنروزرا روز یوریح که اسم یکی ازمقدسین است می‌نامیدند . دهقانانی که در این سال ها ازپیش ارباب خود میرفتند بنام خیانتکاران فراری موردتعقیب قرار میگرفتند وبزور وعنف آنانرا بنزد مالکین برمیگرداندند.اکنون دیگرحق تعویض مالك وارباب هم ازدهقانان سلب گردیده است. حق گریز ازمالك گرچه کاملا لغو نگشته بود ولی در عمل بسیار محدود شده بود زیـرا سال های « ممنوعه» یکی پشت سر دیگری فرا میرسد درزبان روسی مثلی‌ازاین دوره بیادگارمانده که میگوید:«اینهم اوزیوریح!»یعنی‌بازروز یوریح رسید امابازآزاد نمیشویم.

فرار دهقانان بعنوان شکل مخصوص مبارزه طبقاتی

دهقانان تنها بوسیله فرار میتوانستند از چنك استثمار غارتگرانه مالکین خلاصی یابند درپایان قرن ١٦ فرار دهقانان روز افزون می گردیـد •

---

١ ـ دولت روسیه در تکامل خود تا بشکل یك دولت مرکزی چند مرحله پیموده است:

ابتدا هنگامیکه سراسرروسیه‌مرکب‌ازشاهزاده نشینها بود شاهزاده نشین کییف درمیان سایرین قدرتی بهم رسانده وعده‌ای ازشاهزادنشین های دیگر بگردآن جمع شدند این دوره را دوره روسیه کییفی می‌نامند سپس مدتی مرکز بزرك اقتصادی و سیاسی روسیه جمهوری نو گورود در شمال روسیه شد بعـد شاهزاده نشین مسکو مرکز بزرك اقتصادی و سیاسی گشت ودراین‌دوره دولت روسیه-روس‌مسکوی نامیده میشددرزمان پطرکبیرروس‌مسکوی بامپراطوری روسیه تبدیل گردید.

دهقانـان بنواحی خارج از دسترسی مالکین فرارمی‌نمودند درآن نواحی باوجود آنکه زندگی سخت وخطرناك بود ، درعوض بیکاری‌وجودنداشت مخصوصا فراریان زیادی به جنوب ومشرق یعنی بنواحی‌دنیپر، دن، ولگا اورال میرفتند.

دراین نقاط ، دراطراف واکناف دولت(بطوری که آنموقع‌میگفتند «درآکرائین ها»)زندگی بطرز دیگری جریان داشت. کوچ‌نشینان،دراین نقاط با مخاطراتی دست بگریبان بودند:آنانرا حیوانات سبع ودرنده که هنوز هم دراستپ های دست نخورده باقی مانده بودند، مورد تهدیدقرار میدادند . ولی ازهمه خطرناکتر تا تار های کریمه بودند که در دشت ها تاخت و تاز نموده و ساکنین آنجا را اسیر و برای فروش بعنوان برده بشهر ها میبردند . بدین جهت کوچ نشینان جنوب بدون‌اسلحه‌حرکت نمی کردند.

قزاق ها

این کوچ نشینان را که بنام «قزاق »مینامیدند بچه‌اشتغال داشتند؟

شکار، ماهیگیری و پرورش زنبورعسل‌شغل‌اساسی‌آنان بود . قزاقها دردنیپر سفلی و دن‌بشکل آرتل (دسته‌جمعی)کارمیکردند و زندگی‌آنهاچیزی‌بین زندگی ایلات کوچ نشین‌وزندگی ثابت‌بود.این‌ماهی گیران‌مسلح وشکارچیان، گاهی هم بغارت میپرداختند. تصرف‌واشغال باغات تاتار ها یکی ازاشتغالات معمولی قزاق ها درقرن۱۶ بود. آنها گاهی هم بنقاط دوردست یعنی باقایق بدریای‌سیاه‌رفته سرزمینهای‌ساحلی ترکیه‌راغارت میکردند.

«سردسته‌ها» قزاقها

قزاقهای قرن ۱۶ یکپارچه نبودند از میان‌آنها قشرفوقانی یعنی «سردسته‌ها» و«خانه دار ها» بوجودآمده بودند آنها بهترین پیشه ها را دراختیارخودگرفته وابزاروآلات ماهیگیری‌قزاق های تهی دست را تامین میکردند . معمولارهبری‌اقدامات‌جنگی‌هم‌باآنان بود. وبه‌این‌ترتیب«سردسته‌ها» سهم‌اصلی غنایم را بخود اختصاص میدادند بعضی جاها سردسته ها درمحلی سکنی گزیده مراتع بزرگی را برای گله های اسب‌خود تصرف‌میکردند. «سردسته» که بکارگراحتیاج داشت،فراریان را تطمیع نموده وبه نیروی‌آنها اقتصاد خودرااداره مینمود وآنانراجهت

بروی علف بمراتع خود میفرستاد. درواقع اینها دیگر خود، مالك بودند.
ولی فرق آنان با مالکین روسیه مرکزی در آن بود که اینها از حقوق سرواژاستفاده نمی کردند • اکثریت فراریان‌درشهرهای ناحیه‌علیامتمرکز شده بودند.

هنگامی که وضع توده های‌مردم درقلمرودولت‌مسکوی(ویاهمسایگی آن — لهستان) بنونامساعدمی شدمهاجرت‌بسوی‌اکناف(اوکرائینا که‌ریشه لغت اوکرائین است بمعنی اکناف در مقابل مرکز است)شدت می یافت.
دراواخرقرن١٦ اوکرائین ازفرارياني كه ازشمال‌آمده‌بودند، پرشده‌بود.
همه‌این‌مردم‌ناراضی‌حاضربودند بااولین‌دستورعلیه مسکو که نسبت بآن‌تنفر داشتند ، بپاخیزند.

جنك دهقانی در ابتدای قرن ١٧

((اغتشاش))

١٢

تشدید تضاد طبقاتی در دولت مسکوی

چپاول‌واصول‌سرواژموجب‌برانگیختن مبارزه دهقانان علیه استعمارگران، فئودال ها و نظام سرواژ گردید • قیام طبقات پائین بوسیله مبارزه بین مالکین (پامشیك‌ها) و بویارها تسهیل گردید .

چنانچه می دانیم در پایان قرن ١٦ مبارزه بین آنان بیش از پیش شدت یافت • بحران اقتصاد کشاورزی ، خالی شدن روسیه مرکزی از جمعیت و احتیاج به نیروی کار ، همه اینها مبین علل تشدید مبارزه‌درآن زمان بود

دولت درابتدای قرن١٧ سیاست اشرافی ایوان مخوف راادامه میداد
بویارهای ناراضی توطئه‌هائی ترتیب داده وسعی‌میکردند حکومت ازدست رفته راباز‌گردانند بدین‌ترتیب تضاد بین‌صاحبان زمین وسرفها بوسیله‌تضاد بین‌خود صاحبان زمین‌بغرنج وپیچیده میشد .

قحطی بزرك سالهای۱٦۰۲-۱٦۰٤،وضع بحرانی حکومت‌مسکوی راتشدید نموده سفته‌بازی درامرغله وبارانهای شدید در نزدیکترین نقاط پایتخت، که باعث انهدام غله میشدموجب این گرسنگی گردید. سه‌سال‌پشت سرهم خشکسالی روی داد . قیمت گندم بالا میرفت بسیاری از بویارها و ملاکین برای‌آنکه خولوپهای خودرا بوسیله غله گرانقیمت، تغذیه ننمایند، آنهاراازاملاك خود میراندند . این‌خولوپها یابنواحی‌جنوب روی‌میآوردند ویا اینکه در جنگلها دستجات مسلح ترتیب داده وگاهگاهی بمسکو حمله میکردند . بدین‌ترتیب جنك دهقانی‌طویل‌المدة درحکومت مسکوی‌شروع گردید .

(صاحبان سرف این‌جنك دهقانی را «اغتشاش» مینامیدند).

اولین جنك بزرك در۱٦۰٤درنواحی‌جنوب غربی‌مسکو برپاگردید رهبر این جنبش ازشایعه رواج یافته دربین دهقانان وقزاقها مبنی‌براینکه گویا دیمیتری وارث‌قانونی‌تاج‌وتخت مسکو ازدست‌قاتلین‌بوریس گادونوف نجات‌یافته، دربین مردم سرگردان است، استفاده نموده خود را دیمیتری نامید .

مالکین لهستان ولیتوانی بجنبش‌دیمیتری کمك مینمودند زیراآنها میخواستند ازاین جنبش جهت تصرف سرزمینهای علیای‌دنیپر که از مدتها برسرآن باحکومت مسکوی معارضه داشتند، استفاده نمایند ، دیمیتری با دسته‌کوچکی (٤۰۰۰نفر) مرکب ازلهستانیا، قزاقها ومالکین کوچك آن سرزمینها، بسرحد دولت مسکوی‌آمد.

تاریخ لشگرکشی دیمیتری بخوبی ظاهرساخت که بسیاری ازمردم ، ازرژیمی که درحکومت مسکوی وجودداشت ناراضی بودند. دسته‌دیمیتری بخودی خود نیروی جنگی جدی ومهمی راتشکیل نمیداد . قشون مسکو بدون زحمت آنها راشکست داد . لکن‌دیمیتری شکست خورده، موردحمایت وپشتیبانی‌جنبش دهقانی‌قرارگرفت . ارتش دیمیتری توسط دهقانان قیام - کننده تکمیل میگردید . هزاران قزاق ازدن ودنپرعبورنموده وبه‌دیمیتری ملحق‌میشدند . درکرومی همه ارتش مسکو بحکومت خودخیانت نموده‌و به‌دیمیتری‌ملحق‌شد . پس ازآن، لشگرکشی بیك مارش پیروزمند تبدیل گردید. درمسکو قبل ازرسیدن‌دیمیتری، انقلابی‌بوسیله طبقات پائین‌اهالی

۱- خولوپها دهقانان وابسته بودند .

شهر بوقوع پیوست . پسر باریس، فئودور راسر نگون کرده (خود باریس درزمان جنك بادیمیتری مرد) و سفرائی به پیشواز شاه جدید فرستادند .

شاه جدید تنها ۱۱ ماه درمسکو اقامت نمود ، سیاست او منجر بمخالفت بویارها وتجارعلیه او گردید . یکی از قوانین موضوعه بملاکین اجـازه نمیداد مراجعت وبازگشت دهقانان وبردگانیرا که در سالهای گرسنگی ، ملاکین آنهارا رها نموده بودند ، طلب نمایند . در آن قـانون چنین گفته میشد : «تو نتوانستی دهقـان خودرا درسالهای گرسنگی غذا بدهی اکنون هم حق جستجو وطلب آنرا نداری» این اقدام که بحال مالکین بزرك مفید نبودمنافع دهقانان قیام کننده ودرعین حال منافع کار کنان کم بضاعت نواحی جنوب را منظورمیکرد . فراریان به نیروی کاراحتیاج داشتند زمینهای زیاد ومبالغ متنابهی پول که به «جنك جویان تهی دست» داده شده بود موجب شد که ثروتمندان مسکو ازدیمیتری رویگردان شوند.

چون دیمیتری قسمتی ازدارائی وثروتهای کلیسا ها را تصرف نموده بودلذا روحانیون مسکوعلیه او بمخالفت برخاستند . نـارضایتی مردم از نفوذلهستانی ها که بدیمیتری کمك میکردند نیز موجب تقویت مخالفین دیمیتری گردید وتوطئه چیان ازاین موج نارضایتی ملت استفاده کرده موفق شدند قدرت را درمسکو بدست آورند . دیمیتری را کشته وشویسکی بویارترتیب دهنده توطئه را بعنوان تزار اعلام داشتند . دولت مالکین وبایارها دستوری صادرنمود که برطبق آن میبایست همه دهقانان که فرار کرده بودند بنزد ارباب خودمراجعت نمایند (سالهای ۱٦۰۲-۱٦۰۳)

قیام بالوتنیکف

حکومت جدید بایارها بلافاصله موجب تشدید جنبش طبقات پائین شد . یکی از تاریخ نویسـان جنبش جدیدی راکه دوباره در اوکرائین برپا شده بود بدینگونه تشریح مینماید :«دهقانان ونوکران بویارها دورهم جمع شدند ، مردم شهری اوکرائین ، قزاقها و استرلتسها (۱) همبدانها پیوستند . قیام کنندگان سران سپاه شهری را محبوس و منازل بویارهای خودرا خراب

---

۱ - استرلتسها (تیراندازان) تازمان پطر کبیر یکی ازواحد های عمده ارتش روسیه محسوب میشدند آنهامزدور بودند ودرعین حال درپاره ای ازنواحی دولت بآنها برای زراعت زمین میداد . پطر کبیر آنهارا الغاء کرد ومقاومت آنانرا درهم شکست .

و اموالشانرا بغنیمت بردند» . اساس این قیام را دهقانان و خولوپ های بوبارها تشکیل میدادند وجنبش قبل از همه بویران ساختن باغهای ییلاقی بوبارها پرداخت .ایوان بالوتنیکف Ivan Bolotnikof در رأس این جنبش قرار گرفت.ایوان که خودخولوپ بوداز چنك ارباب بسوی دشتها متواری گردید ایوان بدست تر کها اسیر شده در ترکیه برروی کشتی های جنگی پاروزنی مینمود . از آنجا به ونیز فرار کرد و ازو نیز بلهستان و سپس به او کرائین آمد .

ابتداهم کسانی که ازدولت بوبارها یعنی حکومت شویسکی ناراضی بودند تحت رهبری بالوتنیکف گرد آمدند . حتی بعضی از قشر های اعیان نیز به بالوتنیکف پیوستند مثلا: نجبای کوچك نواحی جنوب(زیر نظر باشکف) وهمچنین نجبای متوسط (دسته بزرگی از اعیان ویاران بوسیله برادران لیاپونف ازاو کاآورده شده بودند) . شرائطی بوجود آمد که تا اندازه‌ای وضع آلمان هنگام جنگهای بزرك دهقانی‌را بخاطر میآورد . هنگامی که دستجات جداگانه شوالیه‌های فقیرو بی چیزشده از قیام دهقانان پشتیبانی می نمودند .

ارتش بالوتنیکف که تعداد آن بسرعت افزوده میشد بیك سلسله پیروزیهائی نائل وبمسکو حمله نموده آنجارا محاصره کرد. بنظر میرسید که بزودی دولت شویسکی سقوط خواهد کرد . لکن انشعابی که دربین قیام کنندگان روی‌داد، شویسکی‌را ازاین شرایط سخت‌ودشوار نجات‌داد .

انشعاب و تفرقه دراردوی قیام کنندگان

اتحاد خولوپ ها ، دهقانان ، قزاقها ونجبا نمیتوانست‌محکم واستوار باشد . اصیل‌زادگان‌ونجبا که‌ازرشدوتوسعه جنگهای دهقانـان بوحشت‌افتاده بودندبسوی شویسکی گرویدند . بیش از همه «گریگوری سونبولف پرکوپی‌لیاپونف ازاهالی ریازان‌وعده‌ای‌ازنجباواعیان ریازان‌وبویارزاده‌ها» بدهقانان‌خیانت نمودند بزودی نجبای خرده و کوچك هم بدنبال آنان‌رفتند. پس‌ازدوهفته‌باشکف نیز درجنك خیانت کرد وبا ٥٠٠ نفر از فرزندان بوبارها به تزار واسیلی تسلیم شده‌با لوتنیکف‌شکست خورده ومجبور شدازمسکوعقب‌نشینی نماید.

شکست دهقانان وانتقامجوئی تزار

پس از گرایش نجبا واعیان به‌اردوی دشمن جنبش بالوتنیکف به‌جنبش دهقانان وخولوپها تبدیل گردید. مبارزه باسرسختی وشدت هرچه تمامتر ادامه داشت. شویسکی پس از پیروزی بربالوتنیکف درمسکو موفق شد که عده زیادی (درحدود شش هزار نفر) را اسیر نماید. یك هلندی معاصر می نویسد که «تمام زندانهای مسکو ازاسرا پر بود. اسرا را مدتهای زیاد درزندانها نگه نمیداشتند. در مسکو صدتاصدتا آنها را هر شب چون گوسفند به کشتارگاه میبردند. آنان‌را دوشقه ومانند گاوها می کشتند، سرهایشان‌را بریده وبدنهارا زیریخهای «یاوزا» میانداختند» قیام کنندگان مردانه مقاومت می کردند.

باقیمانده ارتش بالوتنیکف به‌کالوگا رفتند ولی‌چون آنان‌راارتش تزاری ازآنجا براند ناچار به‌تولا رفته ودرآنجا مدتها درمقابل دشمنان مقاومت کردند. ارتش تزاری تنها پس از ساختن سدی بر رودخانه اوپا وبآب‌بستن تولا شهررا تصرف نمود. بالوتنیکف را بشمال تبعیدنمودند. درآنجا اورا کور کرده درآب غرق ساختند. عده‌ای ازخولوپهاودهقانان اسیررا برودخانه ریختند وعده‌ای را بصاحبان قدیمی خود دادند ومابین کسانی که مایل بودند آنهارا نگهدارند، تقسیم نمودند.

تزار توشین

قلع‌وقمع بالوتنیکف معهذا پایان جنك داخلی نبود دستجاتی که‌عقب نشینی کرده بودند، بکمك لهستانیها دوباره‌بطرف مسکو وقریه‌توشین (۱۷ کیلومتری مسکو) آمده ودرآنجا اردوگاه خودرا که دوسال هم طول کشید ترتیب دادند. بدین‌طریق دو پادشاه در کشور پیدا شد. یکی پادشاه توشین و دیگری پادشاه مسکو. در تمام کشور دهقانان وقزاقها از پادشاه توشین حمایت می کردند. درمسکو «برگزیدگان» (یعنی ثروتمندان) به‌پشتیبانی شویسکی برخاستند.

درشهرهای تجارتی بین مردان «بزرك» ومردمان «کوچك» مبارزه خونینی درگیرشد. درمسکو در بهار سال ۱۶۰۸ مردمان «کوچك» در آنجا قدرت‌را دردست گرفته‌بودند، ثروتمندان را بزندان انداختند، اموال آنان‌را تصرف وچندین‌سال پسکف را دردست خود نگهداشتند.

بویارها ونجبا که از قیام دسته جمعی طبقات پائین ترسیده بودند،

سعی می کردند بوسیله مداخله مسلحانه خارجیان ، خودرا نجات دهند .از طرف سوئد ولهستان مداخله آغاز شد . درنتیجه بین بویار ها ونجبای اردوی توشین وبویار های حکومت مسکو موافقت میشود که در ۱۶۱۰ شویسکی ازتاج و تخت خلع وسلطنت بهولیعهد لهستان محول گردد.یکی ازنویسندگان می نویسد :

«اگر بپادشاه لهستان خدمت کنیم بهتر است ، تااینکه از بردگان خود شکست بخوریم ودائم درپیش آنها درزیر کار رنج بکشیم» . ترس‌از دشمن طبقاتی ، صاحبان زمین را مجبور کرد که دشمنی پیشین خود را با پادشاه لهستان وفئودالها فراموش نمایند . لکن موج نیرومند نهضت‌ملی مانع شد ازاینکه لهستانیها به برقراری «نظم» موفق‌شوند .حتی‌درمسکو که دستجات لهستانی آنرا اشغال نموده بوده . نتوانستند از قیام مردم جلوگیری نمایند .

درهمه‌جا مردم ناراضی‌ازاغتشاشات داخلی‌وبخصوص ازفشارخارجیان دستجات جنگجویان چریك تشکیل می‌دادند . یکی ازاین دستجات‌بزرك چریك درشهرنیژنی نوگورود تحت رهبری پاژارسکی ومنین تشکیل شد ومسکورا متصرف وبه‌جنگهای داخلی خاتمه دادنددرسال ۱۶۱۳یعنی یکسال پس ازقیام منین وپاژارسکی کنگره زمستوها ۲- پس از مباحثات طولانی بویارین جوان میخائیل رومانفرا بسلطنت برگزید .

طبقات‌اجتماعی مسکودراولین جنك دهقانی

بدین ترتیب جنك داخلی درحکومت مسکوی در ابتدای قرن ۱۷ (سالهای ۱۶۲۳-۱۶۰۵) درشکل اساسی خود جنبش توده های دهقانی علیه دولت سرفداران بود . همراه با طبقه اساسی استثمار شوندگان اهالی بی‌چیز شهری هم بعنوان متفق دهقانان درمبارزه شرکت نمودند . قزاقها که بطورکلی رل مهمی‌را در جنگهای دهقانی برعهده داشتند ، **حدوسط بین دهقانان ومالکین بودند** . تصادفی‌نبود که نیروهای‌قزاقی نزدیك مسکو هنگام نزدیك‌شدن

---

۱ - اسم شهری است که دیمتیری درآن مسکن داشته است .

۲ - مجمع زمستوها مجلس نمایندگان‌اصناف مختلف دولت‌مسکوی که‌چیزی نظیر ا تاژنروی‌فرانسه بود اولین‌بارمجمع زمستوها در۱۵۶۶ پس ازایجاد اوپریچ نینا تشکیل‌شد .

دستجات نیژنی نوگورودیها بدودسته منشعب گردیدند : یك قسمت ازآنها (رؤسا وسردسته‌ها) به‌وعده‌های واگذاری زمین تطمیع گردیدند وقسمتی هم بجنوب رفته ومبارزه‌را علیه رژیم سرواژ ادامه دادند .

بالاخره گاه گاه دستجات جداگانه‌ای ازنجبا واعیان کوچك بدهقانانی که مبارزه مینمودند می‌پیوستند . ولی اینان همراهان تصادفی بودنداین دستجات علیه رژیم سرواژ مبارزه نمیکردند بلکه مبارزه آنها علیه سیاست تنك نظرانه بویارها بود . آنها نه برای تحقق پذیرفتن اراده دهقانان مبارزه میکردند ، بلکه این مبارزه جهت تکثیر زمین وحقوق وامتیازات بود. بدین جهت بزودی به‌جنبش خیانت نموده وبآسانی باطبقات حاکمه میساختند و بهمین جهت آنان به‌اردوی ضد انقلابیون می‌پیوستند .

وابستگی قطعی دهقانان

قلع‌وقمع جنبش دهقانی در ابتدای قرن ۱۷ منجر بآن گردید که حقوق سرواژ در روسیه سخت تر گردید . مالکین پیروزمند، دیگر به‌دهقانان اجازه جدائی ازآنهارا نمیدادند ودیگر تمام سالها، بسالهای «ممنوع شده» تبدیل گردید .

دهقان تنها بافرار میتوانست ازمالك خودجدا بشود . دهقان فراری را جستجو می کردند واگر تاموعد معینی او را می‌جستند بنزد ارباب بر میگرداندند. مدت پیگرد یا «سال‌های معین» ابتدا پنج‌سال تعیین شده‌بود. مالکین ازاین مدت کوتاه ناراضی بودند ، زیرا آنها نمیتوانستنددرعرض پنج‌سال ، دهقان فراری خودرا پیدا نمایند . مالك بزرك ازاین لحاظ در شرایط بهتری بسرمیبرد . اومباشرین مخصوص داشت که دهقانان فراری را بزودی پیدا می کردند. مخصوصاًدیرترونی‌تسه سرگیف (Troitse-Serguiev کارجستجوی دهقانان‌فراری‌راخوب‌ترتیب‌داده‌بود . برای خرده مالك این امکانرا نداشت . وحال آنکه دهقانان اززمینهای خرده مالك کمتر اززمینهای مالکین بزرك فرار نمیکردند .

بدین‌علت بود که مالکین ازدولت ابتدا طولانی نمودن وسپس الغاء «سالهای معین» راطلب می‌نمودند وآنان بالاخره در۱٦٤۹ به‌مقصود خود رسیدند. درقوانین‌مجمع زمستوها که درسال۱٦٤۹وضع گردیده‌خاطر نشان شده بود که دهقانان فراری هروقت که دستگیرشوند باید به‌ملاکین سابق مسترد گردند .

ازاین وقت میتوان گفت که اصول سرواژ بطور قطعی مستحکم شد .
وابستگی قطعی دهقانان به مالك باعث بالارفتن میزان بدهی دهقانان درقرن ۱۷ نسبت به قرن ۱٦ گردید .

بیگاری

درنقاط بسیاری بیگاری در مزارع شدت یافت .
بیگاری اغلب بسه روز درهفته میرسید . یعنی نصف روزهای هفته را سرف برای ارباب کار میکرد . و گاهی هم به چهارروز درهفته میرسید . درمواقع شدت کار (هنگام شخم ، بذرکاری ویاجمع آوری محصول) ارباب دهقانان راوامیداشت که برای او کار کنند . تاوقتی که تمام کارهایش انجام شد وسپس دهقانان حق داشتند که درقطعه زمین خود بکار به پردازند.
حفر استخر ، ساختن آسیاب، دیوار کشی باغات ، چوب بری ، از کارهائی بود که دهقانان غیر ازکار در مزارع برای ارباب انجام میدادند .
مخصوصاً کارهای ساختمانی برای دهقانان بسیارمشکل وطاقت فرسا بود .
بیگاری تنها به محل کار محدود نمیگردید . گاه میشد که ارباب دهقانان پیشه وررا (مثلا نجار ـ خشت مال) بمسکو ویانقاط دوردست دیگری احضار مینمود تا «کارهای» ارباب را انجام دهند .

بهره مالکانه

تعهد دهقانان بارباب ، بانواع مختلف بیگاری ، محدودنمی شد ، بلکه دراغلب نقاط دهقانان معمولا بهره مالکانه جنسی میپرداختند. مثلا دهقانان بعنوان بهره مالکانه اشیاء ذیل را بارباب میدادند : انواع گوشت ، لبنیات، کتان، پشم ، چارق ، افسار ، قارچ ومیوه جات دانه‌ای وغیره .
اشیاء زیرین تعهداتی بود که یکی ازدهات میبایست درظرف یکسال بپادشاه مسکو ، که اولین سرف دار بود. بپردازد :
۱۸۳۳ پوت «گوشت خوك» ، ۵۰ پوت پیه ، ۳۰۵ پوت چربی خوك ، ۱۷۰۰ عددغاز ، ۸۰ مرغابی ، ۲٤٤٤ مرغ و ۵۰۰ گوسفند . دهقانان قریه دیگر از املاك تزاری مصنوعات کشاورزی زیررا میپرداختند : ٤۰۰ الوار درخت زیزفون ، ۱۰۰ کنده زیزفون ، ٤۰۰ تخته الوار بلوط، ۲۰۰ تخته الوار کاج ، ٤۰۰ تخته الوار گردو ، افراوگلابی ، ٤۰۰ درخت افرا ، ۵۰۰۰ دانه چلیك ، ۱۰۰۰ طشت رختشوئی .
در نقاطیکه مالکین دست بایجاد مؤسسات صنعتی میزدند دهقانان

ناچار بودند درکارهای صنعتی نیز برای ارباب مجاناکار کنند. دیرها و کلیساها در استثمار دهقانان دست کمی ازمالکین نداشتند.

تصرف زمینهای جدید توسط مالکین

مالکین جهت ازدیادمنافع نه‌تنها برشدت استثمار خود نسبت بدهقانان میافزودند، بلکه زمینهای جدید دیگری را نیز درمشرق خصوصا درجنوب غصب میکردند. زمینهای چرنوزیوم جنوب بمراتب نفع زیادتری داشت تا زمینهای مرکز که بوسیله غارتگری های مالکین از رونق افتاده بود.

اگر زمینهای متصرفی هنوز مسکونی نبود، مالکین بانفوذومقتدر، دهقانان را فریفته بدانجا میبردند ویااینکه کارکنان مالکین کوچك‌را بمنف بدان نقاط برای آبادانی جلب میکردند. مثلا ای. رومانف بویار بزرك که در نیمه اول قرن ۱۷ دربلوکات «لبدنیاك» و «ملیتس» جایگزین شده بود برای‌آبادی‌متصرفات‌جدیدخود بزور دهقانان خرده‌مالکین‌محلی‌را ازآنها میگرفت.

اگردرنواحی متصرفی، دهقانانی ساکن بودند، اربابان جدید پس ازآنکه بهترین زمینهای آنان‌را میگرفتند خود آنهارا بسرف تبدیل میکردند. بدینگونه زمینهای «موردواها» (مرداوینی‌ها)هم‌در کنارسورا در قرن۱۷ موردغارت قرارگرفت. صومعه‌هاودیرها نیز دراستعمارمناطق جدید ازروی اصول سرواژ، فعالانه شرکت‌داشتند بنابراین توأم باحفظ وتحکیم نظام‌سرواژوفئودالی، خود سرواژ بطور همه‌جانبه رشد وتوسعه میبافت.

فراروقیام دهقانان

دهقانان بیش‌ازهمه بشدت استثمار، بافرار پاسخ میدادند. آنها به دن واورال فرار میکردند.عده زیادی از دهقانان علیه مالکین شوریدند. خصوصا شورشهای دهقانی درسالهای ۵۰-۶۰ قرن ۱۷ شدت‌یافت.

درفرمان صادره ازطرف تزار درسال ۱۶۵۸ گفته میشد: بما خبر می‌رسد که خواوپ‌هاودهقانان، اعیان وهرگونه مردم خدمتگذاررااز بین میبرند. اموال آنهارا غارت میکنند، منازل‌را آتش میزدند، بعضی ها حتی‌زنهاوبچه‌هارا تاسرحد مرك میزنند، پس‌ازآنکه اربابان‌خودرااز بین بردند فرار میکنند وبهمان‌صورت‌هم زندگی مینمایند»

باوجود انتقام‌جوئی‌ها وعقوبت‌های خونین معهذا جنبش‌های دهقانی قطع نمیشد . لکن آنها تاسال ۱٦٧٠ جنبه‌محلی داشت . درسال ۱٦٧٠ جنك دهقانی جدیدی درگیر شد .

جنگهای دهقانی دراوکرائین (۱٦٤٨-۱٦٥٤)

۱۲

سرنوشت اوکرائی‌ها درقرون ۱۴ - ۱۵

درقرون ۱۳ و ۱٤ دراوکرائین‌هم مانند نواحی شمال شرقی نظام فئودالی بوجود آمد .درابتدا زمینهای اوکرائین تحت تصرف شاهزادگان روسی (شاه‌زادگان گالیسی وولینسك) ووامالهای آنها بود.

درقرن ۱٤ قسمتی‌اززمینهای‌اوکرائین‌بدست‌لهستانی‌ها قسمتی‌هم‌بدست لیتوانیها افتاد. سپس لهستان‌ولیتوانی دریك‌دولت‌بزرك، گرچه ناپایدار، متحد گردیدند، ازآنوقت‌همه‌زمینهای‌اوکرائین‌جزودولت‌لهستان‌ولیتوانی گردید.

رشدسرواژدر اوکرائین

مقرراتی که‌دردولت‌لهستان ولیتوانی قرن ۱٦ مجری میگردید بامقررات وقوانین‌دولت مسکوی قرن ۱٦ شباهت داشت . دولت‌لهستان ولیتوانی یك‌سلطنت متحده فئودالی بود . طبقه حاکمه بحساب استثمار دهقانان زندگی مینمود . ازقرن ۱٦ در این‌نقاط هم تجارت فرآورده‌های کشاورزی رونق‌گرفت . گله‌های‌بزرگی ازگاوهارا بمغرب(آلمان) می‌-بردند . گندم‌را بوسیله‌رودخانه‌ها بینادردریای بالتیك حمل‌نموده‌وازآنجا بکشورهای دور یعنی بانگلستان ، هلند وحتی باسپانیا صادر مینمودند .

بازار چوب رواج پیدا کرد، چوب‌رایا بوسیله آب رودخانه‌هاحمل‌مینمودند ویابرای صنایع پتاس سوزانده وبدین ترتیب بخارجه صادر میکردند . در لهستان ولیتوانی نیز مانند حکومت مسکو ، رشد تجارت داخلی وخارجی بتوسعه زمینهای بویارها وبتوسعه غصب زمینهای دهاقین توسط مالکین ، منجر گردید . بیگاری دراوکرائین‌قبل‌ازدولت مسکوی، باآهنك‌سریعتری رو بتوسعه گذارد بنحویکه درقرن ۱٥ بیگاری دربعضی جاها همه‌روزه‌شد وابستگی دهقانان به‌پان (ارباب) دراینجا شدیدتر بود تاحکومت مسکوی درقرن ۱٦ . دراین ناحیه دهقان دیگر باملاك ارباب میخکوب شده بود ارباب به‌زندگی ودارائی دهقانان خودمالکیت داشت .

قزاقهای اوکرائین

قزاقهای اوکرائین در ابتدای قرن ۱۷ نیروی بزرگی را تشکیل میدادند ، جنگهای بلاانقطاع باتاتارها وترکها بقزاقها فرصت داد تامتحد گردیده وآرتش متشکلی ترتیب دهند . رابطه فی‌مابین قزاقها ودولت لهستان بسیار بغرنج بود دولت لهستان اغلب بقزاقها بعنوان نیروی جنگی علیه مسکوو کریمه، احتیاج داشت . ازطرف دیگر حکومت پان های لهستان از تقویت قزاقها هراسناك بود ودولت درحالیکه «سردسته» قزاقهارا بامراحم والطاف خود مشغول میساخت ، تدابیری اتخاذ مینمود تاارتش قزاقهارا تقلیل دهد. قسمتی از قزاقان درفهرست کارکنان دولت لهستان واردشده بودند . این عده قشر فوقانی قزاقهارا تشکیل وقشر تحتانی دهقانان‌را بدنبال خود میکشیدند . آنها سپس بمالکین تبدیل شدند . اما این مالکین اوکرائینی بپان‌های لهستان ، بمثابه رقابت کنندگان خود در استثمار دهقانان مینگریستند . پان‌های لهستان نه تنها توده‌های دهقانی را غارت میکردند بلکه مزارع، چمنزارها وآسیاب‌هارا ازقزاقهای ثروتمند بازور میگرفتند .

چپاول واقدامات دولت لهستان ولتونی که محدودیتهائی برای قزاقها دربر داشت ، آنان‌را چندین‌بار بقیام وادار نمود .

قیامهای قزاقی مخصوصا درقرن ۱٦، پس ازآنکه دولت دژی دردنیپر نزدیك «زاپاروژیه» ساخته وگردانهای لهستانی را دراوکرائین تقویت نمود ، تشدید گردید (درمدت ۸ سال یعنی از ۱٦۳۰ - ۱٦۳۸ پنج بار قزاقها قیام نمودند) . قزاقها قلع‌وقمع گردیدند ورهبرانشان‌را با بیرحمی اعدام نمودند . آرتش قزاقها به ٦۰۰۰ نفر تقلیل داده شد انتخاب «سر-دسته‌ها» ملغی و«فرمانده» عالی(«گتمان») ازطرف لهستانیها منصوب میگردید. عده‌ای ازقزاقهاهم بی‌میل نبودند بادولت سازش نمایند . آشتی ناپذیرترین قزاقها نزدیك «زاپاروژیه» متمرکز گردیده وقیام جدیدی‌را آغاز نمودند.

قیام خمل نیتسکی

این قیام تحت رهبری (Khmel nitsky) «باگدان خمل نیتسکی» آغازشد . نامبرده صاحب خوتور (مزرعه یافرم) و فرمانده دسته قزاقها بود او ازدرباریان لهستان که اموالش‌را غارت کرده بودند رنجیده وبه زاپاروژیه فرار نموده بود . درسال ۱٦۴۸ پس ازحصول تأمین از جانب خان کریمه قیامی بر پانموده آزادی قزاقهارا طلب نمود . خمل نیتسکی که موردپشتیبانی

قزاقها قرار گرفت دوبار ارتش لهستان را قلع وقمع نمود . محتوی اصلی این جنبش ضد لهستانی همانا جنبش دهقانان ستمدیده بود .

پیروزی خمل نیتسکی باقیام توده‌ای دهقانان پایان پذیرفت. دهقانان در تمام او کرائین شوریده وبغارت املاك وكشتن اربابان خوددست زدند. تمام زاباروژیه و کییف چندهفته دردست دستجات دهقانان بود .

«ماکسیم کریونوس» یکی ازرهبران این دستجات با بی رحمی از نجبا واعیان لهستانی انتقام می کشید. دستجات دهقانی، ارتش خمل نتیسکی راکه بزودی تعداد آن به ۱۰۰۰۰۰ رسید تکمیل مینمودند .

کاسب کاران شهرهای او کرائین هم ازجنبش پشتیبانی میکردند لکن میدان عمل جنبش وجنبه ضد سرواژ آن تدریجا «سردسته» قزاقهارا بهراس افکند . سردسته‌های قزاقها وتوده‌های دهقانی هدفهای واحدی نداشتند .

در حالیکه دهقانان میخواستند از قید هرگونه اربابی آزادشوند . سردسته ها خواهان آن بودند که بجـای پان‌های لهسـتان ، خود دهقانان او کرائین را استثمار نمایند .

ولی بهرحال خمل نیتسکی، رهبر نهضت ملی او کرائین، علیه ظلم وجور لهستانی‌ها بوده وازلحاظ تاریخی نقش مترقی بزرگی بازی کرده است.

قرارداد «زباروفسکی» مدت زیادی طول نکشید . لهستان که تحت تأثیر شکست با آن موافقت نموده بود نمیخواست آنرا رعایت نماید .

جنك جدید بین خمل نیتسکی ولهستان که در ۱٦٥۱ شـروع شده بود سردسته‌های قزاقان رامجبور نمود که بادهقانان نزدیکی نمایند. اما این اتحاد هم چندان بطول نیـانجامید. قزاقها تحت رهبری خمل نیتسکی درهنگام جنك عظیمی که در ناحیه برستچك (Berestetchk) رخ داد ، شکـست خوردند.

موافقتنامه جدید که پس ازجنك برستچك توسط خمل نیتسکی با پان‌های لهستان منعقد گردید همه گذشتهائی را که در قرارداد زباروفسکی بدست آمده بود ، ملغی ساخت . حتی سردسته‌ها هم ازوضعی که بوجود آمده بود رضایت نداشتند .

سپس قشر بالائی قزاقها که نمیخواست کاملا مطیع لهستانی‌ها گردد و درعین حال ازجنبش دهقانی هم میترسید ، درجستجوی حامیانی بود. سردسته قزاقها تحت سرپرستی خمل نیتسکی درسال ۱٦٥٤ تصمـیم گرفتند خود را تسلیم حکومت مسکو نمایند. شرایط این معامله بدین قرار بود :

ازدیاد ارتش قزاقی تا ۶۰۰۰۰ نفر ، تبدیل او کرائین بیك دولت نیمه مستقل تحت نظر مسکو که اداره آنجاهم با کتمان‌های انتخابی خواهد بود. فرماندهان قزاقهارا «کتمان» میگفتند .

گرچه این جنگها دهقانان را آزاد نکرد ولی قزاقهای تهیدست از یوغ پانهای لهستانی آزاد شده ، اسیر سردسته‌های خود وملاکین مسکوی شدند ، معهذا ازلحاظ ملی منجر به برقراری وحدت دولتی بامسکوشد .

جنگهای دهقانی درحوزه ولگا

علل جنگهای دهقانی در حوزه ولگا

درسالهای ۱۶۷۰ — ۱۶۷۱(جنبش استپان رازین)(Stepan Rasin) تضادهـای طبقاتی حکومت مسکو با تمام نیرو درعظیم‌ترین جنبش انقلابی نیمه دوم قرن ۱۷، یعنی درجنبش رازین تظاهر نمود .

جنبش رازین بطورکلی ولگای شمالی وجنوبی ونقاطی‌را که درقرن ۱۷ توسط مالکین مسکو بشدت مورد چپاول قرار گرفته بودند، دربر گرفت. غارت دهقانان ولگا توسط مالکین روس، علت اساسی جنبش دهقانی بود. تاتارها وفین‌ها که دراین ناحیه تفوق داشتند، در حالت بردگی مستعمراتی بسرمیبردند؛ مستعمره چیان روس زمینها را از مردواها (مرداوینی) و چوواش‌ها گرفته آنها را بکار طاقت‌فرسا در ساختمان و محافظت شهرها وامیداشتند . ازآنها بابت درخت وجنگل باج گرفته وآنانرا بکار روزانه درکارخانه‌های پتاس‌سازی میگماردند .

تشدید ظلم وفشار از طرف سرمایه تجاری در شهرهای ولگا علت دیگری برای قیامهای دهقانی بود. برای تجارمسکو، ولگا بزرگترین‌راه تجارت باشرق (ایران) بود . در این ناحیه سرمایه تجاری که مردم شهری و کسبه‌دهات‌رادرمضیقه قرارمیداد، بکار افتاد . بدین‌جهت قیام از پشتیبانی طبقات پائین‌شهر برخوردار گردید .

قیام قزاقهای تهی‌دست دن بمنزله جرقه جنك دهقانی بود .استپان رازین رهبر قیام نیز ازبین دهقانان دن برخاست .

قزاقهای دن

قزاقهای‌دن‌هم‌مانندقزاقهای‌دنپرا کثراً بماهیگیری، «لختی‌ها»و«خانه‌دار»شکار وتربیت زنبور عسل‌اشتغال داشتند . آنهادر حالیکه با قایقها بدریای سیاه میرفتند ،گاهی هم ترکها وتاتارها را مورد تهاجم قرارمیدادند . و

از آنجا با غنائم زیاد و بردگانی که سپس بدولت مسکو میفروختند، مراجعت مینمودند. دولت مسکو از قزاقها در قبال مبارزه آنها با ترکها و تاتارها پشتیبانی مینمود. قشر فوقانی قزاقها سعی مینمود از جانب خود با مسکو، که دن از لحاظ اقتصادی وابسته بدان بود سازش نماید. آنها بدون باروت و سرب مسکو، خصوصاً بدون گندم مسکو نمی‌توانستند در دن زندگی نمایند. قزاقها خودشان گندم نمی کاشتند، بهمین جهت «دن آزاد» قزاقهای خود را حتی برای خدمت نظامی بمسکو میفرستاد.



هجوم دریائی قزاقها

اما همه قزاقها دوست صمیمی مسکو نبودند، درقرن ۱۶ در دن قزاقها بطه رفاحتی بدو قسمت مجزا تقسیم شدند: ثروتمندان یا «خانه‌دارها» فقرا یا «لختی‌ها». ثروتمندان ابزار و آلات ماهیگیری، چمنها و گله ها را تصاحب نموده وفقرا برای آنان کار می کردند. فقرا اغلب بتاخت وتاز میپرداختند برای اینکار آنها بقایق، اسلحه و آذوقه احتیاج داشتند. همه اینهارا از «خانه‌دارها» میگرفتند. درعوض درهنگام مراجعت قسمت زیادی ازغنائم به «خانه‌دارها» اختصاص داده میشد.

در سال های ۶۰ قرن ۱۷ به تعداد قزاقهای تهی دست بطور قابل ملاحظه‌ای افزوده شد. فراریان زیادی دردن خصوصا درناحیه علیای دن

گرد آمده بودند . اینها دهقانان وشهرنشینانی بودند که ازفشارسرواژ، ازافزایش مالیاتها ، ازظلم مالکین وسران سپاه ، فرارنموده بودندهمچنین عده زیادی ازدهقانان مغلوب شده اوکرائین ، درجنك بامالکین لهستان، بدین نواحی فرار نمودند . باترا کم فراریان، قزاقهای تهی‌دست برقزاقهای ثروتمند متفوق گشتند . تهی دستان برخلاف قشر با استطاعت قزاقها ، نمیخواستند بملاکین وسرداران مسکو که هما کنون به‌دن علیا روی‌آور شده وقبلا هم مبلغین وصومعه‌داران خودرا جهت‌تبلیغ وزمینه‌چینی فرستاده بودند ، روی‌خوش نشان دهند .

قزاقهای تهی‌دست میترسیدند که باتصرف دن‌آنان را تسلیم‌اربابان قدیمی یعنی فئودالها نمایند. قزاقهای تهی‌دست‌درقبال آتامان(امیرتومان) که ازجانب ثروتمندان تعیین شده بود رهبران خودرا به‌پیش می کشیدند. بزرگترین رهبر تهیدستان استپان‌رازین قزاق بود .رازین شروع به‌جمع آوری قزاقهای تهیدست‌برای لشکرکشی نمود . قزاقهای «خانه‌دار»مانع تدارك لشکرکشی نمیشدند . آنها میخواستند ازدست قزاقهـای تهیدست که دردن پر شده بودند وممکن بود علیه آنان قیام قمایند خلاص شوند .



استپان رازین

تاخت وتازرازین

تودهها «لغتی‌هـا» معمولا جهت تاخت وتاز بسوی جنوب میرفتند . ولی درسال‌های ۵۰ قرن ۱۷این راه که قزاقها آشنائی کاملی باآن داشتند مسدود

گردید . دژ بزرك آزوف که توسط ترکها ساخته شده ، راه را جهت کشتیهای قزاقها بدریا سد نمود . وبهمین جهت رازین راه دیگری یعنی راه مشرق‌را برگزید . دلایلی دردست است حاکی ازاینکه ازهمان وقت نقشه مبارزه بامسکو ، درمغز رازین پیدا شده بود . ولی او نمیخواست ازحمله مستقیم بمسکو شروع نماید . رازین ابتدا بهولگا بزرگترین راه تجارتی آنروز حمله نمود .دراینجا سربازان رازین بکاروانهای کشتیهای تجارتی که به تزار تعلق داشت دستبرد زدند ومباشرین آنها را کشتند . کارکنان ونگهبانان مسلح کشتی‌ها بهرازین پیوستند . رازین پس از قلع وقمع دستجاتی که ازحاجی ترخان آمده بودند به «یایك» رفت سپس‌در سال ۱۶۶۸ بسرحدات ایران حمله‌ور شده وباغنائم زیادی باز گشت ودر حاجی‌ترخان بهفروش غنائم پرداخت‌هجوم بسواحل‌ایران برای‌رازین‌اهمیت بسزائی داشت . این‌فتوحات رازین برنفوذ او دربین قزاقها افزود .

لشگر کشی بمسکو

درکاگالینسك (Kagalinsk) یکی ازشهرهای دن که رازین‌آنجارا«پایتخت» خودقرارداد‌بسیاری ازمردم حاضر بودند سرکردگی رازین را پذیرفته وبااوهمراهی نمایند . قزاقهای «خانه‌دار» نمی‌توانستند علیه‌رهبرقزاقهای تهیدست‌تظاهری‌نمایند .

اکنون دیگررازین‌آماده مبارزه قطعی باسرفداران‌مسکو گردید. طرفداران رازین سفیری را که ازطرف حکومت مسکو بهدن فرستاده‌شده بود کشتند و مجمعی از قزاقها تشکیل داده تصمیم‌گرفتند به بویارها حمله نمایند .

لشگر کشی دوم رازین دربهار سال ۱۶۷۰ شروع شد . ولی برای لشگر کشی بمسکو سربازان رازین بجای انتخاب نزدیکترین راه شمال (راه کورسك وتولا) تصمیم‌گرفتند که دوری‌زده ازراه ولگا واوکا خود رابمسکو برسانند. دراین ناحیه که باچگونگی‌آن‌آشنائی داشتند، امیدوار بودند حمایت اهالی حوزه ولگا را که باکوچکترین اشاره‌ای حاضر به قیام علیه اربابان خود بودند،جلب کنند. رازین باهزارنفر به تساریتسین (استالینگراد فعلی) رسید اهالی تساریتسین دروازه‌ها رابروی‌او گشودند. تنها سران سپاه بادستجات کوچکی تلاش نمودند که مقاومت نمایند لکن قزاقها بآسانی ازعهده‌آنها برآمدند. رازین ازتساریتسین بهحاجی‌ترخان

واردشد . درراه او بادودسته ازاسترلتس‌ها برخورد نموداولین دسته‌را بدون زحمت قلع‌وقمع ولی دسته دوم به‌محض برخورد بارازین رؤسا وفرماندهان خودرا کشته وخودبقزاقها پیوستند .

درحاجی‌طرخان هم‌نظیرحادثه فوق‌اتفاق افتاد: اگررازین‌طرفداران زیادی درحاجی‌طرخان نمیداشت نمی‌توانست این‌شهررا باآن استحکاماتش تصرف نماید . وقتی که سربازان رازین وارد شهر شدند نگهبانان شهر بجای‌آب جوش،آب نیم‌گرم ازروی دیوارهای شهرِبروی‌آنها میریختند . عیناً مانند تساریتسین تنها سران سپاه و دستجات کوچکی از نجبا وتجار خارجی مقاومت نمودند . مقامات سابق منهزم وخزائن ودارائی قلع‌وقمع شدگان بین قزاقها ومردم‌فقیرتقسیم گردید: اهالی‌همانند قزاقها به‌دستجات ده، صد وهزارنفری بارؤسای انتخابی تقسیم شده‌بودند . «واسیلی‌اوس» یکی‌ازنزدیکترین یاران‌رازین بفرماندهی شهر گمارده شد .

قیام‌درحوزه‌ولگا

ازین‌پس‌رازین‌پس‌ازآنکه باتسخیرحاجی‌ترخان،پشت جبهه را تامین‌نمود،بطرف‌شمال‌بسوی‌ولگاحرکت کرد . حکمروائی روسها دراین ناحیه نسبتاً کوتاه بود . قبل ازآغاز قرن ۱۷ در این نواحی دهقانان زیادی بودند که آزاد زندگی‌میکردند . (چه روسهای‌فراری وچه‌اهالی بومی ومردم غیرروسی) امادرقرن ۱۷ درتعقیب کولونیزاسیون (استعمار) دهقانان ، ملاکین بدین نقاط روی‌آوردند .آنها دراین نواحی بساختن استحکامات ودیرهاپرداخته وزمینهای چرنوزیوم ولگارا بین‌خود تقسیم کردند از اواسط قرن ۱۷ در نواحی ولگا استثمارسرواژ که شدت‌آن ازنواحی مسکو کمترنبود ، مستقر گردید . دراینجاهنوزقبل ازآمدن رازین چندین‌بارقیام های دهقانی علیه مالکین بوقوع پیوست . بهمین‌علت جنبش‌رازین موردپشتیبانی توده های دهقانی قرارگرفت . فرستادگان رازین که حامل نامه های عالی (بیانیهٔ) بودند توانستنددهقانان را بقیام علیه بویارها و سران سپاه وادار نماید . درنقاط بسیاری قبل ازرسیدن رازین‌آتش‌قیام‌مشتعل می شد . دهقانان‌منازل مالکین راآتش زده وخودآنهارامی کشتند یکی‌ازناظرین خارجی‌مینویسد که «در راهها ، انبوهی از دهقانان وخولوپ ها مشاهده میشد که بطرف رازین می‌آمدند ، همه‌جاصحبت ازنابودی اعیان و مالکین بود . دهقانان باخولوپ هاارباب خودرا کشته وسراورا به‌رازین‌تسلیم مینمودند . رازین

سرراگرفته واز اینکه زمینهارا ازلوث وجودچنین دیوهائی (اونجبا را بدین نام‌مینامید) پاك کرده اند . بدانها پاداش میداد بدین ترتیب املاك بزرگی ویران شد . نجبامجبوربودند برای حفظ جان خود درشهرها در لباس خولوپ هابسربرند .»

ملیت‌های کثیرالعده‌ومظلوم‌ولگا(تاتارها - موروداها - وچوواشها نیز به جنبش‌رازین پیوستند . گاهی‌هم نجبای کوچك غیرروسی بجنبش‌ملحق میشدند (مانند میرزاهای تاتارها وغیره)

بالاخره جنبش رازین ازحمایت قشرهای پائین اهالی‌شهر برخوردار بوده پیشه‌وران‌وتجارکم مایه ، بورلاکهای(۱) کثیرالعده ولگا ، باربران وحتی‌استرلتس‌ها علیه ظالمین‌خودی (تجار، رباخواران وسران سپاه)قیام نموده ووارد ارتش‌رازین میشدند .

ساراتف وسامارا بدون جنك تسلیم‌رازین گردید .

موفقیت‌های جنبش رازین

درآغازسپتامبر ، رازین به سیمبرسك رسید . پس ازیکماه ونیم رازین‌همه ولگای سفلی‌را ازحاجی طرخان تا سیمبرسك تصرف نمود . در سیمبرسك (امروز اولیانوسك نامیده میشود) هم ابتدا همان حوادث تساریتسین و حاجی‌طرخان رخ داداهالی‌سیمبرسك درتسخیرشهر به‌قزاقها کمك‌میکردند وحتی باآنهادرقتل‌طرفداران‌دولت‌شرکت مینمودند . معهذا ستادفرماندهی سیمبرسك موفق شد از« شهر کوچك» (کرمل) دفاع نموده و در آنجا موضع گیرد . سربازان رازین مجبورشدندآنجارا محاصره نمایند .

درحالی که نیروهای عمده شهرسیمبرسك را محاصره نموده بودند دستجات جداگانه دهقانان ازشمال وغرب به‌پیش‌میآمدند . شهرهای‌ایالت «پنزا» (Penza) یکی‌بعدازدیگری بتصرف سربازان رازین درمیآمد .

درباخترقیام بنواحی تامبوف و«حوضه روداوکا» سرایت نمود . در شمال ودرنواحی نیژنی نوگورودودردودهکده‌تجارتی‌لیسکوومورااشکین-Lisko-mourachkin دسته بزرگی جمع‌آوری گردید . دراینِدسته‌بودنیك‌ها (دهقانانی که درکارخانه های پتاسیم کارمی کردند) دوشادوش موردواهاو چوواش ها ، فعالانه شرکت مینمودند . قیام کنندگان بصومعه مـاکاریف

---

۱ -بکسانی که‌قایقهارا باطناب از کناررودخانه می کشیدند بورلاك می گفتند اینکار بسیارپرمشقتی بود .

حمله نمودند . ابتداآنها از دیوار های دیررانده شدند . ولی دسته دوم سربازان ، این مرکز تجارت و استثمار را تسخیر و اموالش را بغنیمت بردند .

دستجات رازین ازولگا به‌اقوام (ماری) رفتند . آنها باقایق ازراه شعب رود ولگایعنی وتلوگا (۱) واونژه (۲) بسوی‌شمال رفته ودرآنجا شهرهارا تسخیروخانه های بویارهارا ویران ساختند . بعضی‌مبلغین رازین بنواحی‌دور دست شمال یعنی‌به «ویاتکا»(۳)وحتی به‌اوسولیه(٤) وولیکی اوستوك (٥) میرفتند .

دربهارسال ۱٦۷۰ قسمت‌عمده کشور بتصرف قیام کنندگان درآمده دولت تزاری دیگرازسرنوشت خودمسکوهم هراسناك شده بود .

شکست رازین

موقعیت‌های قیام دهقانی حکومت سرف‌داران را مجبور ساخت همه‌نیروهای خودرا جمع‌آوری‌نماید لذا بوسیله فرمان دولتی بهمه‌کارکنان دستور داده شد که درهنك‌های خودحاضرباشند. غائبین‌رابه‌اعدام ومصادره اموال‌تهدید میکردند .

تزارالکسی (پدر پطرکبیر) از۳۰ سپتامبر تامدت ۸ روز هزارتن ازنجبا راکه درمسکو جمع‌شده بودند، سان دید . مهمترین قسمت ارتش روس راکه بوسیله مربیان اروپای غربی‌تعلیم دیده‌بودند، برای مقابله با رازین روانه ساختند .

نیروهائیکه اینك بارازین سروکار داشتند با « استرلتس‌ها » که به‌آسانی به ارتش‌رازین می‌پیوستند، شباهت چندانی نداشتند .

ارتشی که تحت فرماندهی باریاتینسکی (Bariatinsky) برای نجات سیمبرسك فرستادند ، اغلب از مالکین بودند که به سربازان رازین بمثابه جانی‌ترین دشمن طبقاتی خودمینگریستند . باریاتینسکی پس‌ازآنکه باجنك، راهی‌بسوی سیمبرسك برای‌خود بازنمود، درماه اکتبر بانیروهای اصلی‌رازین بمقابله پرداخت .

ارتش تزار ازحیث اسلحه وتعلیمات بمراتب بهتر از ارتش رازین تامین شده‌بود . ارتش رازین توپ وتفنك چندانی نداشتند . قسمت اعظم

۱- Vetlouga ۲- Ounje ۳- Viatka ٤- Oussolie

٥- Veliky ovstug

آنان باداس وچهار شاخ مجهز بودند. سربازان رازین درجنك باباریاتینسکی شکست خوردند.

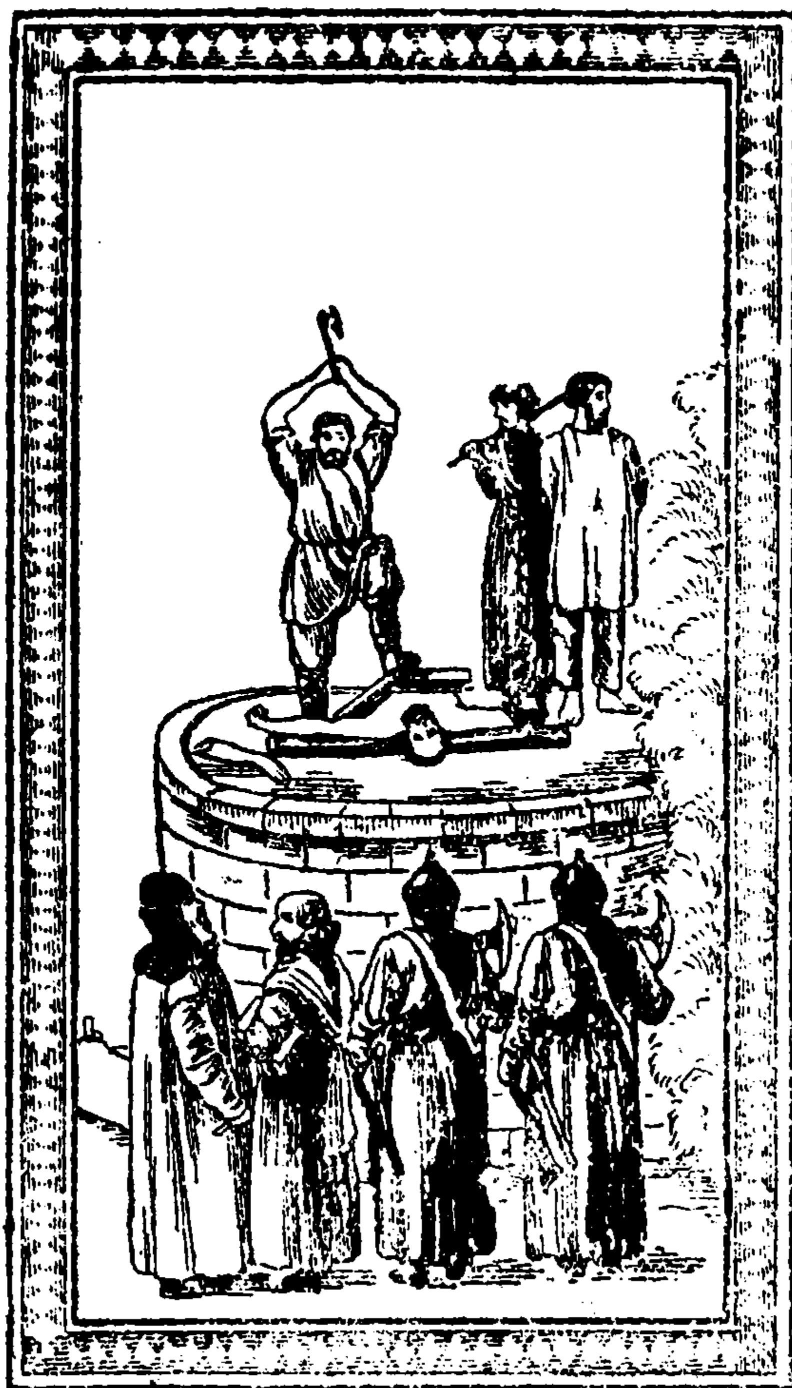
رازین که زخمی شده بود، باقزاقها ازسیمبرسك بهدن عقب نشینی نمود دراینجا اونیروئی جمع کرده وبیهوده میکوشید بجنك ادامهدهد دربهار سال ۱٦٧۱ قزاقهای «خانهدار» کاگالنیك راگرفته ورازین رااسیر نمودند بهرازین دست بند وپابند زدند وبمسکو آوردند.

درآنجا رهبر قیام کنندگان راپس ازشکنجههای دردناك، اعدام کردند یکی از ناظرین خارجی مینویسد که: «محل اعدام باسهصف از سربازان فدائی تزارمحاصره شدهبودند تنها خارجیان حق دخول بهمحوطه حصارشده راداشتند. درهمه چهارراههای شهردستجات ارتشی پاس میدادند.» علت این اقدامات احتیاطی این بود که «تزار ازشورش بقیهالسیف توطئهچیان بیم داشت ومیخواست ازآن جلوگیری کند» اعدام رازین بابیرحمی وقساوت عجیبی عملی گردید

انتقامجوئی تزار پس ازشکست سیمبرسك دهقانان اسلحه رابزمین نگذاشتند. مخصوصا تاتار ها وموردوا ها مقـاومت سختی ازخود نشان میدادند. لکن ارتشهای دولتی بسهولت ازعهدهدستجات منفرد ومتلاشی دهقانان برمیآمدند پراکندگی و عـدم تشکل ارتشی رازین این امر را تسهیل می نمود. حاجی ترخان دیرتر از دیگر شهرها یعنی درپایان سال ۱٦٧۱ سقوط نمود.

دستجات مجازات در تمام ولگا، سبعیت بی نظیری ازخود بروز دادند. انتقام وحشتناك وهراس انگیزی بود. دهقانان را درآتش میسوزاندند بدار میآویختند، شلاق می زدند، مثله میکردند (دستها، انگشتان یا زبانهارا میبریدند. دهات را بکلی سوزانده واموالشانرا غارت میکردند. آرزاماس(Arzemas) مرکز انتقامجوئی بود. شاهزاده «یوری دولگوروکی (Yuri Dobgorouky)» جلادمعروف تزار، دراین شهربود. یکی از ناظرین خارجی میگوید «نگاه کردن بشهرآرزاماس وحشتناك بود. حوالی شهر خاطره دوزخ کاملی را زنده میکرد درهمه جادار ها برپاودرروی هر یك ازآنها چهل الی پنجاه نفرآویزان بود. درآنجا سرها ریخته شده و زمینش بخون تازه آغشته گردیده بود. در اینجا دیرك هائی وجود دارد که برروی آنها قیام کنندگانرا شکنجهمیدهندو شورشیان سه الی چهارروز با

زجر و شکنجه باور نکردنی زنده میمانند » . بدینگونه بدومین کوشش دهقانان روسی که برای رها شدن ازظلم سرف داران قیام کرده بودند ، خاتمه داده شد.



اعدام استپان رازین

خصوصیات جنبش رازین بمثابه جنك دهقانی

اساس و پایه جنبش رازین نیزمانند اولین جنك دهقانی سال های(١٦٠٥ ؛ ١٦١٣) مبارزه دهقانان سرف شده وسرف‌شونده‌علیه ظلم‌وتعدی‌سرواژ،

مبارزه در راه تولید کننده آزاد در سرزمین آزاد بود. دهقانانی که از ملل مظلوم بودند در جنبش رازین سهم زیادی داشتند. جنبش رازین در مقایسه با «اغتشاشات» دردرجات عالیتری ازمبارزه انقلابی دهقانان قرار داشت. رهبری جنبش رازین باصطلاح بطورچکی دست قزاقها نبودبلکه قزاقهای تهیدست یعنی دهقانان فراری، ماهیگیران بی سرو سامان، «استرلس های» فراری، خولوپهائی که بدست «سردسته های» کولاک اسیر شده بودند در رهبری این جنبش شرکت داشتند آنها باتفاق‌طبقات پائینی شهر، بورلاکهای‌ولگا، کارکنان کشتیها و «بؤدنیکها» هسته انقلابی این جنبش را که قادر بود بدان وسعت زیادی بدهد، تشکیل میدادند.

دررهبری جنبش باوجود جنبه غارتگرانه آن، نقشه عملی معین و تاکتیک ساخته وپرداخته‌ای وجود داشت. طرفداران رازین‌پس‌از آنکه جهت ضربه‌را تعیین مینمودند، کوشش زیادی برای بر انگیختن توده‌های اهالی بقیام مبذول میداشتند. آژیتاسیون‌شفاهی و کتبی در نظر آنان اهمیت شایانی داشت. ازدهقانان و کشیش‌ها وشهرنشینان که بلباس تاجر و کشیش دربین مردم تبلیغ مینمودند، بمنزله مبلغین استفاده میکردند. زنها هم در بین مبلغین دیده میشوند مثلا آلنا (Alena) یکی از دهقان‌زادگان ناحیه آرزاماس را با «نامه‌های دزدها» دستگیر وابتدااو را کم کم باآتش شکنجه داده وسپس سوزاندند.

ستاد قیام استعداد ونرمش قابل‌ملاحظه‌ای دررهبری عملیات‌نظامی نشان داد. به‌اسلحه مخصوصا به‌توپخانه توجه زیادی مینمود. چون اسلحه گرم برای همه ارتش قیام کنندگان کافی نبود، باشتاب فراوان اسلحه‌سرد هم تهیه میکردند بموجب خبریکه از یکی ازسران سپاه بدست آمده در سیمبرسك «همه مردم شب‌وروز برای ساختن‌بردیش(۱) کارمیکردند» برای جلوگیری ازحمله‌ارتشی دولتی دهات‌را ازگاریها و کنده درخت‌هاسنگر بندی کرده وپاسدارانی برای دیده‌بانی روانه نمودند.

عال شکست جنگ دهقانی سالهای ۱۶۷۰-۱۶۷۱

یکی ازدلایل اساسی شکست قیام آن بود که در روسیه قرن ۱۷ هنوز آن طبقه‌ای (طبقه کارگر) که مبارزه دهقانی‌را رهبری نماید، وجود نداشت قزاق‌های‌فقیر نمی‌توانستند جنبش دهقانی‌را متشکل سازند. هرده علیه ظالمین همان ده مبارزه مینمود.

---

۱ - اسلحه که‌مرکب بوداز برونیزه که‌درجنگهای‌شن‌تین‌مورداستعمال داشت

گرچه این مبارزه باسرسختی انجام میگرفت ولی دامنه آن گسترش وسیعی نداشت . بهمین علت هم دولت بر آنان فائق میآمد .

همچنین تفوق تکنیکی ارتش نجبا واعیان بردستجات دهقانی اهمیت زیادی داشت . یك سلسله اشتباهاتیکه رهبران جنبش رازین وقزاق های وقیر مرتکب میشدند عامل مساعدی برای شکست فراهم ساخته بود . بزرگترین آن اشتباهات این بود که بجای اینکه نیرو های اساسی خود را جهت ادامه حمله بمسکو معطوف سازند آنها را در نزدیکی سیمبرسك نگذاشته بودند

بالاخره ، وجود نواقصی در اتخاذ یك سیاست طبقاتی صحیح نسبت بمالکین محلی موجب شد که موفقیت های ناچیزی در بین ملیت ها نصیب جنبش گردد . سربازان رازین درحالیکه بیرحمانه باسرف داران مسکو مبارزه می کردند ، ابتدا حاضر بودند بااستثمارگران محلی سازش نمایند وفقط رشد خودبخودی جنبش ضدسرواژ ، رازین را مجبور نمود که درسیمبرسك شعار زیررا بدهد : « میرزاها وتاتارهائی راکه صاحب دهقان هستند سر ببرید ! »

رونق اقتصادفئودالی در قرن ۱۸

اقتصاد فئودالی خودرا باطریقه دوگانه ای باشرایط جدید منطبق نمود. این اقتصادبهره مالکانه خصوصا بهره مالکانه نقدیرا بالا برد . اگــر در اواسط قرن ۱۸ از بهر نفریك منات بهره مالکانه تعلق میگرفت درسال ۱۷۷۰ این مبلغ به ۲ منات ۵۰ کوپك ودر ۱۷۸۰ به ٤ منات وحتی در بعضی نقات به ۲۰ منات افزایش یافت .

لکن درنیمه دوم همان قرن هنگامیکه افزایش قیمت گندم ودیگر فر آورده های کشاورزی شروع میشود مالکین طریقه دوم یعنی راه توسعه زمین های زراعتی خود ودرعین حال راه افزودن روزهای بیگاری رادرپیش میگیرند. انتقال ازبهره مالکانه به بیگاری وغصب وتصرف قسمتی اززمین های دهقانان یك پدیده تیپیك برای اقتصاد سرواژ درپایان قرن ۱۸ ، میباشد .

رادیشف مشاهدات خودرا بدینگونه شرح میدهد :

« درچندقدمی ازجاده ، من دهقانی رامشاهده کردم که درهوای سوزان

مشغول شخم‌زدن بود . بساعت نگاه کردم، چهل دقیقه بعد از ظهر بود
من‌شنبه راه افتاده بودم ، البته معلوم است دهقانی که شخم میزد بمالکی
تعلق[1] داشت که ازاو بهره مالکانه نمی گیرد (منظور اینست که او بیگاری
میدهد نه بهره مالکانه) دهقان با کوشش‌زجردهنده‌ای زمین‌راشخم میکرد
مزرعه البته اربابی بود . من گفتم:
- خداقوت، و بمرد دهقان که بدون توقف شیار را بآخر میرساند ،
نزدیك شدم . مگردر همه روزهای هفته، وقتی برای کار کردن نیست که تو
درروز یکشنبه خصوصاً دراین هوای گرم، زمین شخم میکنی؟
- ای‌آقا! درهفته‌ای شش‌روز که برای ارباب بیگاری میکنم ، شبها
هم‌اگر هواخوب باشد، باید‌برای منزل ارباب ازجنگل علف‌خشك بیاورم.
زن و بچه‌هایم روزهای‌تعطیل باید‌برای جمع‌آوری‌قارچ‌ومیوه‌های‌سردرختی
بجنگل‌بروند
- اگرتوتنها روزهای عید‌آزادی داری پس‌چه‌وقت برای‌خودت‌نان
تهیه میکنی؟
- تنها روزهای عیدنیست، بلکه شبها هم‌معمولا برای‌خودم‌کارمیکنم
مادهقانان اگر تنبلی‌نکنیم ازگرسنگی نمیمیریم. چنانچه می‌بینی یکی از
اسبها استراحت میکند، همینکه این‌یکی خسته‌شد دیگری را بگاوآهن
می بندم . بهمین‌ترتیب کارمیکنده .
- پس‌تو برای اربابت همینطورکارمیکنی؟
- نه‌آقا، اینطور کار کردن گناه دارد ، توخودت حساب‌بکن ، او در
مزرعه صدتا اسب برای‌یك دهان‌داره، ولی من‌دودست دارم وهفت‌سر عائله

---

۱ - رادیشف (Radichtchev) - اولین نویسنده انقلابی روس
بود که علیه نظام مستبده سرزاژ قیام نمود . رادیشف میگفت که « منافع
اجتماع » وابسته بمنافع ملت است . اوملت راسرچشمه نیروهای مادی و
معنوی کشور میدانست ومعتقد بود که ملت باید صاحب حقیقی کشورباشد
رادیشف معتقد بود که باید بخاطر آزادی وحقوق‌ملی‌نه‌تنها بادشمنان‌خارجی
بلکه بادشمنان داخلی یعنی استبداد سرواژهم مبارزه نمود . کتاب او بنام
«مسافرت از پتربورك بمسکو » از انقلابی‌ترین و دمکراتیك‌ترین آثار
جهانی درادبیات مشعشع قرن ۱۸ میباشد . این کتاب دیباچه قهرمانانه‌ای
برای توسعه بعدی ادبیات روسی گردید.

هرچه درزمین اربابی جون بکنی تشکر هم نمیکنن ، ارباب مالیات سرانه نمیپردازه، بره، کرباس، مرغ وروغن نمیده.»

دربعضی نقاط مالکین پارا از اینهم فراتر نهاده‌اند . آنها دهقانان رابکارگران‌سرف کشاورزی تبدیل نموده وبکار مزدوری میگمارند ولی مزدکارآنان را خود بجیب میزنند . یك‌متخصص کشاورزی ازاهل ارنبورك درسالهای ٦٠ قرن ١٨ چنین‌حکایت میکند :

«مالکینی هم‌هستند که همه‌روزها را از دهقانان کار می کشند و در عوض ماهیانه گندم به آنها میدهند . » این سیستم « پلانتاسیونی » (١) چندان متداول نگردیده است ، زیرا برای ارباب استفاده زیادتری دارد که دهقان، هرچند بظاهرهم که شده، برای «خود» قطعه‌زمینی داشته باشد . لکن درپایان قرن١٨ املاك‌زیادی‌بسیستم پلانتاسیون نزدیك‌میشوند بیش ازاین دیگر نمیشد به‌بیگاری افزود .

سلب حقوق از دهقان

همزمان باتشدید استثمار دهقانان ، باوضع‌قوانین حقوق دهقانان پایمال میکردید .

درسال ١٧٦٠ بموجب قانونی بمالك حق‌داده شدکه دهقانان را به سیبری جهت اعمال شاقه بفرستد . همچنین قانون ١٧٦٧ دهقان را تابع ارباب مینمود وباتهدید بشلاق ویااعمال شاقه بدهقان اجازه داده‌نمیشد که ازارباب خودبه ملکه شکایت نماید .

دهقانان بربردگی‌ابدی محکوم گردیدند . درقماردهقانان را باسك ردوبدل میکردند وآنان را همانندگله‌گوسفند ببازارمکاره برده دهقانان تعلیم یافته را چندصدمنات ، دهقان تعلیم نیافته را بسیارارزان وبچه ها را بچندکوپك میفروختند . مثلادریك سندهزینه چنین دیده میشود : «لئونتی دهقان ٤٠ساله ببهای ٢٠ منات مارینازنش ٢٥ ساله ببهای ١٠ منات - بچه‌های آنهایکساله ٥٠ کوپك ، ٢ساله یك منات و ٥٠ کوپك»

سبعیت مالکین

چوب وشلاق وسیله ای بود دردست مالکین برای آنکه‌بتوانند‌دهقانان را بتعهدات خودبای بندسازند . علاوه بر تنبیهات فوق از وسائل دیگرهم استفاده میشدمثلا تراشیدن نصف موی‌سروریش ، زدن دست‌بند،وپابنداناختن کنند

١- منظورسیستم بردگی است درمزارع‌استعمارچیان

بر گردن ، بکاربردن قلاده آهنین بامیخ‌های تیز وغیره . کاترین دوم در مورداسباب وآلات شکنجه دریادداشت خودچنین مینویسد :

« بالاخره خانه‌ای نیست که درآن قلاده آهنین ، غل وزنجیرودیگر ابزار وآلات شکنجه وجودنداشته باشد ، بعضی‌ازمالکین برای‌خودزندان هائی کاملامجهز باوسائل شکنجه ترتیب داده بودند »

شروع اصول سرواژ

بدین ترتیب قرن ۱۸ در روسیه مصادف با ترویج اصول سرواژبود اصول سرواژضمنادرسرزمینهای بسیاری هم که توسط روسیه گرفته شده بود توسعه می‌یافت

مثلا درپایان سده ۱۸ اصول سرواژ دراوکرائین که در آنجا تاآن موقع هنوزهم دهقانان بسرف تبدیل نشده بودند استقرار یافت سرواژ به سرزمینهای ماوراء ولگا هم نفوذ نمود . درخود روسیه دهقانان زیادی که درزمینهای دولتی (یعنی‌زمینهائی که مالکین آنهارا تصرف‌نموده بودندو بکشاورزی‌اشتغال داشتند) بسرف تبدیل شدند . دهقانان را بکسانی که مورد مراحم تزار قرارگرفته بودند می‌بخشیدند ، بدین ترتیب درزمان امپراطوری کاترین دوم (۱۷۶۲-۱۷۹۶) ۸۰۰هزاردهقان هدیه‌داده‌شد که قسمت عمده آنها به سوگلی‌ها وفاسقین ملکه رسید .

قیام های دهقانی در قرن هجده پیش از قیام پوگاچف

۱٤

فرار وقیامهای دهقانی

توده های دهقانی برای نجات ازظلم وتعدی دائم‌التزایدسرواژ، بیگاریهای‌تحمل‌ناپذیر، کارهای‌فوق‌الطاقه درکارخانه‌ها ومالیاتهای بی‌حد وحصر، بدو طریق می‌توانستند توسل جوینه : فرار یاقیام ، آنها درسده ۱۸ ازهردو نوع آن استفاده میکردند ولی عده زیادی راه چاره را درفرارمی‌جستند . درقرن ۱۸ قیام‌های دهقانی فزونی یافت ودرتمام امپراطوری وسیع تاکامچاتکا دهقانان اسلحه دردست گرفتند . قیام‌بزرگ

دهقانی برهبری بولاوین درآغازسده ۱۸ ویك سلسله قیامهای باشقیرها
دربین دیگرقیام ها برجستگی‌خاصی‌دارد . درقرن ۱۸ ناحیه دن عظیم‌ترین
کانون جنبش‌دهقانی بود .

بعد ازجنبش رازین‌هم قیامها دردن قطع‌نشد . در

قیام بولاوین پایان قرن۱۷ فراریان نواحی‌مرکزی دردن علیا و
شعب آن (خوپراومدودیت)مسکن‌میگزیدند.درسال
های ۸قرن ۱۷ دردن چندین قیام دهقانی مشتعل گردیدکه توسط حکومت
مسکو وبکمك قزاق‌های دن سفلی‌سرکوب شد . درابتدای قرن ۱۸ نبرد
های دهقانی‌آغازگردید . ازدیاراستثمارسرواژ ، مالیاتها ودیگر تعهدات
بازهم فراردهقانان را به ناحیه دن تشدیدنمود . درابتدای قرن۱۸ دولت
پطراول‌اخراج همه‌دهقانان فراری‌را ازناحیه دن‌درخواست نموده وبتعرض
علیه دن پرداخت دسته‌ایکه برای دستگیری فراریان به دن فرستاده شده
بود (تحت فرماندهی شاهزاده دلگوروکی) بطرز وحشیانه‌ای قزاق‌هارا
مجازات می‌نمود . دهات قزاقهاراآتش میزدند وخود آنهارا شلاق زده و
لب و بینی شان را می‌بریدند تبعیت دلگوروکی بقیام دهقانان فراری در
شهر های علیای سواحل دن تحت رهبری کندراتی بولاوین فرمانده سپاه
باخموتBakhmoutمساعدت نمود . قیام‌کنندگان ارتش تزاری‌راقلع‌و
قمع و خود دلگوروکی را بقتل رساندند (۱۷۰۷) بولاوین پس از آنکه
زمستان را درزاپاروژیه گذراند درفوریه ۱۷۰۸ باطرفداران خود دوباره
بشهرهای شمال‌آمد .

شهرپریستان Pristan که درآنجاهزاران نفرازدهقانان فراری
ومردمان بی‌بضاعت شهری جمع شده بودند ، مرکز قیام‌گردید . قیام با
موفقیت توسعه می‌یافت . بولاوین چرکاسك ، مرکزقزاق‌های «تهیدست»
را تصاحب نمود . فرمانده سپاه و «سردسته های» حکومت مسکوراسر
بریدند . حکومت دن بدست قزاق‌های‌تهیدست افتاد .

واسیلی دلگوروکی برادربوری دلگوروکی‌مقتول‌را باارتش‌بزرك
۳۲هزارنفری بمقابله بولاوین فرستادند ضمناًقیام کنندگان در بین قزاق
های زاپاروژیه ، که یکدسته‌قابل‌ملاحظه‌ای بکمك بولاوین فرستاده‌بودند
پشتیبانانی یافتند . علاوه بر زاپاروژیه ها ارتش بولاوین کوشش کردکه
تاتارهای کریمه‌وقزاق‌های کوبان را بمبارزه با مسکو جلب نماید جنبش

گرسنگان دن دربین دهقانان نواحی همجوار منعکس گردید . دستجات مسلح از نقاط تامبوف ،کازلوف ، باریسوگلبسك، شب و روز بدن فرار میکردند اداره نواحی که درآنجا شورش برپاشده بود بدست قزاقها انجام می گرفت دربین ملیت‌های مظلوم‌هم‌مانند کاسوك ها ، باشقیرها ، تاتارها مردواها ووتیا کها Votiak وغیره شورشهائی برخاست.

ارتش بولاوین با ملل استعمار زده که قیام کرده بودند در ارتباط بود . بولاوین با اردوی تاتارهای کوبان وساطان ترکیه قراردادهائی منعقدنمود . بقول قیام کنندگان ، قیام بولاوین درحقیقت هم « حکومت‌را تکان داد» سربازان بولاوین درتمام نواحی‌او کراآین وسواحل دن ظاهر شدند . همه اهالی‌شهر بامیل بشورشیان پیوسته ودرسواحل‌دن یك‌عده از شهرهااشغال شده بود . (باریسوگلبسك بیت‌یوك وغیره)

در ولگا مردم سربازان بولاوین را بچشم نجات دهندگان خود مینگریستند ونکراسف ، فرمانده ارتش بولاوین‌کامیشین و تساریسین را بکمك اهالی تسخیرنمود . حمله ارتش بولاوین بساراتف با عدم موفقیت روبروگردید . خود بولاوین که دردن مبارزه را ادامه میداد در آزوف منهزم‌گشت (ژوئیه ۱۷۰۸) وبرای آنکه زنده بدست دشمن گرفتار نشود خودکشی‌نمود . دیگرسردسته‌ها یعنی گولی (۱) و درانی (۲) هم بدنبال بولاوین باشکست مواجه شدند. تنها نکراسوف توانست قسمتی ازدسته‌خودرا از دن‌خارج نماید .

درمتروپل‌درا کثرنقاط ، مخصوصادرولگا واوکا ، جنبش‌های‌توده‌ای دهقانی مشاهده میشد که درآنهامالکین را کتك زده ومزارع وخانه های اربابی را میسوزاندند .

سرف داران و مالکین سفاکانه قیام را سرکوب نمودند. برروی رودهای دن وولگا کلك هائی که روی آنها دارکارگذاشته شده بود براه افتادند شهرهای شمالی‌دن که مرکزجنبش دهقانی بود توسط سربازان و نجبای بسیج‌شده بکلی باخاك یکسان گردید دن استقلال خود را ازدست داد . اصول سرواژدردن استقرار یافت . جنبش بولاوین یك‌جنك دهقانی

---

۱ - Goly ۲ - Drany پاره‌پوره - این اسامی تیپك نشانه‌ای ازترکیب اجتماعی جنبش‌بولاوین‌است .

توانائی بود که درآن رل عمده راپلبین ها (مردمان کارگر، بورلاکها و باتراکها) بعهده داشتند .

پس از سرکوبی قیام بولادین ، جنبش دهقانی بمشرق انتقال یافت.

جنبش پوگاچف

علل کلی جنبش پوگاچف

رشدقیامهای دهقانی درایالت مرکزی (تنها در عرض دهسال ۱۷٦۲-۱۷۷۲ چهل قیام علنی اتفاق افتاد) مبارزه سرسخت دهقانان اکناف روسیه، مبارزه سرسختانه باشقیرهاودیگرملیت ها ، تظاهرات مخالفت آمیز دهقانان معدنچی که دراواسط قرن ۱۸ زیاد شده بود ، طلایه جنگ دهقانی جدید یعنی بزرگترین جنگ دهقانی روسیه محسوب میشود این جنگ پاسخ طبیعی توده های مظلوم بسیاست توسعه تشدیداستثمارفئودالی بود که درقرن ۱۸ ازطرف سرفداران روسی اعمال میگردید .

جنگهای باترکیه (۱۷٦۹ — ۱۷۷٤) ولهستان که بکمك آن دولت سعی مینمود راهی برای توسعه بعدی اقتصاد سرواژ بیابد ، منجر بتشدید تضادطبقاتی در امپراطوری گردید . افزایش مشمولین ، بالا رفتن میزان مالیات ، تقلیل صادرات وتجارت خارجی ازنتایج جنگ بود .

قزاقهای یایک

عده زیادی ازباشقیرها که از توسعه اصول سرواژ درآن نقاط ناراضی بودند، در اورال گرد آمدند .

جریان تبدیل دهقانان بسرف که در روسیه فلاحتی قرنها بطول انجامیده بود دراینجا آغاز وپایان آن بیش از عمر یك نسل بطول انجامید .

درزمان پوگاچف سرف هائی بودند که بعنوان رعایای دولتی آزاد بدنیا آمده وآزاد بزرگ شده بودند .

برای آنکه آتش قیامهای جداگانه ، در شعله واحدی جمع شود ، نیروئی لازم بود که مردم ناراضی رامتشکل سازد . نه تنها دردن بلکه دریایك(۱)هم ارگانیز اتورهای جنبش دهقانی مانند جنبش رازین، ازقزاقان تهیدست بودند .

۱- روداورال راآنزمان یایك مینامیدند .

قزاقهای یائیك مانند قزاقهای دن ازقرن ۱۷ دراین سرزمین زندگی میکردند . رودخانه یائیك وسیله مهم حیات آنها بود . در قرن ۱۸ دیگر درآرتل‌های کارگری قزاقها تجزیه طبقاتی مشاهده میشد . قشرفوقانی ثروتمند یعنی «جباح سردسته‌ها» امور استخراج نمك وماهیگیری را دراختیارخود گرفت . و دولت باهمه وسایل از آنها پشتیبانی مینمود . دولت میخواست قزاقها رابنیروهای گوش بفرمانی که در مبارزه با کوچ نشینان استپ‌های سواحل دریای‌خزر مورد استفاده قرار گیرند، تبدیل نماید . بدین منظور دولت با بخشش هـای گوناگون، با رتبه و مقرری قشر فوقانی قزاقها را بطرف خود جلب نمود . بجای آتامان (فرمانده قزاقها) انتخابی قبلی در اواسط قرن ۱۸، دریائیك آتامان‌های انتصابی تعیین گردیدند. رؤسا بکمك قشرفوقانی قزاقها توده‌های قزاق رااستثمارمینمودند .

توده‌های قزاق ازظلم قشرفوقانی وتقاضاهای دائم‌الزاید دولت‌عاصی شدند . ژنرالی را که برای مطیع کردن قزاقها آمده بود با آتامانش بقتل‌رسانیدند. برای سرکوبی قیام کنندگان، ارتشهای جدیدی گسیل‌داشتند مسببین‌قیام دستگیرشدند. همه‌زندانهای ارنبورك مملو ازقزاق‌های توقیف شده گردید . قسمتی ازقزاقها موفق شدند که در خوتورهای دور افتاده‌ای پنهان گردند . دراین‌خوتورها هم‌تدارك قیام جدیدی شروع گردید .



یمیلیان پوگاچف

پوگاچف Yemelian Pougatcheu - یمیلیان پوگاچف قزاق

ناحیه دن رهبری قیام رادردست گرفت . پوگاچف آدمی کم‌سواد ولی عاقل، مصمم وباتجربه بوده در جریان چندین‌سال روسیه راگردش نمود (حتی بقفقاز و لهستان هم رفته بود) خانه خرابی ومظلومیت ملل‌را بچشم‌دید وخودهم چندین‌بار باغل‌وزنجیرزندانی گردید .

پوگاچف برای اینکه آسانترملت رابقیام وادارد تصمیم گرفت خود راتزار پطرفئودورویچ بنامد . در آن زمان کاترین دوم مدافع امتیازات اشرافی درروسیه حکومت مینمود . اوبکمك افسران اشرافی شوهر خود پطر(مدت سلطنتش از۱۷٦۱-۱۷٦۲) ضعیف‌النفس را که باسیاست خود نتوانسته بود خواستهای اعیان واشراف را ارضاء نماید، ازسلطنت خلع‌و خود بتخت سلطنت نشست پطرمخلوع رابیکی ازاملاك مجاور پطربورك تبعید نمودند . درآنجا توسط طرفداران کاترین بقتل‌رسید . در بین مردم، که درانتظار نجات خوداز زندگی مشقت‌بار بودند، شایع‌شد که پطرزنده است وفیمابین خود حکایت میکردند که پطرراأعیان ونجبا بعلت‌جانبداری ازدهقانان ازسلطنت خلع نمودند .

پوگاچف ازاین شایعه بنفع‌خود استفاده نمود. قبل ازاوهم دوسرباز بنام کرمنف وچرنیشف ازاینموضوع استفاده نموده وبخاطر همین‌کارآنانرا مورد ضرب و شتم قرار دادند . سرنوشت سربازان فوق‌الذکر در انتظار پوگاچف هم بود . لکن او اززندانی که بخاطر اینکاربدان دچارشده بود فرارنمود

آغازقیام

پوگاچف درپاتیك دریکی از خوتورها که مقدمات قیام درآنجا آماده میشد بین‌دسته‌ای ازقزاقها خود راتزار «اعلام» نمود . بنابگفته خودش اوتوانسته بود ازدست ملکه واشراف که درصدد کشتن اوبودند فرار نماید .

اومدت زمانی مخفی بودسپس‌تصمیم گرفت‌ملت راعلیه کاترین بشوراند همه‌قزاقها این‌ادعای (پطربودن) اوراباور نکردند ولی‌همه حاضربودنداو رابعنوان رهبرخود بپذیرند .

دربهارسال۱۷۷٤ قیام‌آغازگردید .پوگاچف‌درمانیفست خودمنتشره در۱۷ سپتامبرچنین نوشت:

«ماامپراطور، پطرفئودورویچ سلطان کبیر روسیه

دوستان‌من، همانطور که شماخود وپدرانتان تا سرحد مرك بشاهان

قبلی خدمت میکردید، همانطورهم بخاطرمیهن خود، بمن، بامپراطور پطر فئودورویچ کبیر خدمت نمائید. قزاقها،کالمیك‌ها و تاتارها مورد مراحم من قرارخواهند گرفت.

من رودخانه‌هارا،مصب، تاسرچشمه، زمین وعلفزار و پاداش پولی،سرب باروت‌نان بشمامیبخشم»

نیروهای پوگاچف

قیام بطور غیرعادی رشد نموده وجنبه‌محدودجنبش قزاقی را از دست میداد. قرقیزها و باشقیرها هم‌بآن می پیوستند. نه‌تنها باشقیرها بلکه قشرفوقانی آنان و حتی ملاها که از دولت تزار ناراضی بودند ابتدا بقیام ملحق شدند با الحاق عده زیادی باشقیر ها وقرقیزها نیروهای پوگاچف‌تقویت گردید. گرایش کارگران معادن به جنبش پوگاچف اهمیت شایانی برای قیام داشت. بزرگترین کارخانه های اورال قبل ازرسیدن پوگاچف‌شورش نمودند. توده‌های‌کارگران بارضایت خاطر بقیام کنندگان می پیوستند سرف هائی که درخارج از ده بیکاری مینمودند بدهات فرار می کردند قسمتی ازکارگران داخل قزاقها شده ونزد پوگاچف میرفتند. دیگران بطرق دیگری بقیام کمك می نمودند. پوگاچف دراکتبر۱۷۷۳ درحکمی که بیکی‌ازکارخانه ها صادر نمود چنین‌نوشت: «همانگونه که پدران شما باجدادمن خدمت گردندشماهم‌بمن، اعلیحضرت کبیر، تاآخرین قطره‌خون خدمت نموده واوامر مرا اجرانمائید. ده خمپاره انداز بامقداری بمب، گلوله بسرعت ساخته درارسال آن برای من اعلیحضرت کبیرعجله کنید» درکارخانه های دیگرهم شروع بساختن توپ برای قیام کنندگان نمودند. درنتیجه مساعدت‌کارگران کارخانه ها توپخانه قیام کنندگان دست کمی از توپخانه دولتی نداشت.وسربازان پوگاچف طرزاستعمال آنراهم‌میدانستند ودرهنگام محاصره‌ارنبورك آنهاآنجارا«باسیستم جدید»(که هنوزدرآن زمان‌متداول نبود)گلوله باران کرد.

رهبران جنبش

جنبش دهقانی درصفوف خود یك‌عده رهبران‌برکار و فعالی تربیت نمود، علاوه بر پوگاچف چیکازاروبین(۱) قزاق، صالاوات یولایف(۲) جوان اهل باشقیر،مخصوصا بلابارودوف(۳) وخلوپوشا(۴) کارگران‌کارخانه درمیان

۱- Tchikazaroubin ۲- Salavat-youlayef
۳- Beloborodof ۴- Khlopoucha

سایرین متمایز بودند. خلو پوشا کارگر سرف قبل ازرسیدن پوگاچف مستقلا چندین کارخانه رامتصرف شده ودسته بزرگی ازکارگران را بنزد پوگاچف آورد. خلو پوشای معروف نیز از کارگران اورال بود. اوهم وحشتهای کارخانجات فئودالی وهم شکنجه زندانها را چشیده بود. بینی اورا بخاطر فرار مکرر از کارخانه بریده بودند او بعنوان رهبر جنبش کارگران نقش عمده ای رادر جنبش پوگاچف ایفا نمود او «سرهنگ دهقانانی بود که درکارخانه ها کار میکردند»

در ابتدای قیام. سربازان پوگاچف برای رهبری کلی جنبش یك «هیئت نظامی» تشکیل دادند. هیئت نظامی بکارهای جنگی، تهیه آذوقه، محاکمات، تشکیل ادارات درنواحی متصرفی می پرداخت. این ستاد کل جنبش انقلابی بود. ازروی اسنادی که اززمان پوگاچف مانده است معلوم میشود که هیئت نظامی تاچه اندازه باپشتکار وشجاعانه عمل می نمود.

برنامه ارتش پوگاچف

بر حسب آنکه جنبش دهقانی رشد می نمود برنامه کار جنبش هم وسیعتر میگردید مانیفست ها وفرامینی که از جانب پوگاچف یکی بعد ازدیگری صادر میگردید حق استفاده از «زمین آب، جنگل، ماهیگیری، مذهب وقوانین» را برای ملیتهای غیرروسی تامین می نمود. آنها آزادی کامل ازقید تعهدات مالکین را بدهقانان وعده میدادند. تیزی جنبش دهقانی علنا علیه مالکین بود. مانیفست اول دسامبر پیشنهاد می نمود که «مالکین را بمثابه جنایتکاران اصلی نسبت بقانون و آسایش عمومی، بمثابه درندگان ودشمنان امپراطوری، اززندگی محروم سازند. یعنی آنهارا اعدام نموده منازل، املاك واثاثیه آنها رابمنزله پاداش بگیرند» قیام پوگاچف جنبه جنبش وسیع توده ای علیه طبقه حاکمه (نجبا واشراف) بخود گرفت.

موفقیت های پوگاچف

پوگاچف که ازپشتیبانی توده ها کاملا برخوردار بود، درابتدا بکامیابی های بزرگی نائل آمد. قیام کنندگان بزودی عده زیادی ازدژهای رودخانه اورال راتسخیر نمودند.

ژنرال کال «Kal» بسر کوبی قیام کنندگان فرستاده شده بود و با سبك مغزی خیال پیروزی آسانی را درسر می پروراند وتنها از یك چیز

می‌ترسید و آن این بود که مبادا «دشمن پا بفرار بگذارد» ولی خود از ارتش پوگاچف شکست خورده و «پا بفرار گذارد»

قیام در همه ماوراء ولگا با دامنه زیادی گسترش میافت. قیام از رودخانه اورال به بلایا(۱)، اوفا(۲) و کاما(۳) کشیده شد نیروهای عمده قیام کننده تحت رهبری مستقیم پوگاچف، اورنبورك (٤) را که منفور قزاقها بود و عده زیادی از قزاقهای شورشی در آن محبوس بودند، محاصره نمودند. بهمین ترتیب دسته بزرگی تحت فرماندهی چیکا- زارو بین شهر اوفا را محاصره کردند.

شکست ارتش پوگاچف در بهار ۱۷۷۴

ارتش پوگاچف همه زمستان را در حوالی ارنبورك و اوفا گذراند ولی هیچ یك از شهر هارا نتوانستند متصرف شوند. درضمن دولت اشراف و نجبا از این فرصت جهت اعزام نیروهای جنگی قابل ملاحظه‌ای باورال، استفاده نموده، ارتشهای دولتی یك سلسله شکستهائی بدستجات جداگانه قیام کنندگان وارد آوردند.

چیکازاروبین درماه مارس شکست خورده اسیر گردید، در ۲۲ مارس قسمت عمده ارتش پوگاچف (در آن موقع عبارت بود از ۸۰۰۰ سرباز و ۳٦ توپ سنگین) درحوالی تاتیشف tatichef شکست بزرگی متحمل گردید. عده زیادی از پیشوایان جنبش و در آن میان خلوپوشا اسیر شدند. فرماندهی ارتشهای دولتی حساب مینمود که شورشیان بطور قطع قلع و قمع شده و درباره پوگاچف اضافه مینمود که: «باید امیدوار بود بزودی این جانی هم دستگیر گردد» ولی این امید تحقق نیافت.

جنگ دهقانی در ولگا

۱۵

تصرف غازان

پوگاچف که در اورال قلع و قمع گردیده بود به باشقیرستان فرار نموده و از آنجا بامید اینکه حمایت و پشتیبانی دهقانان و کارگران قیام کننده مرا

1- Belaia 2- oufa 3- Kama
4- Ouenbourg

جلب نماید بشمال رفت . درشمال اوموفق گردید که ارتش جدیدی تشکیل دهد باوجود یکرشته ناکامیابی‌های متوالی ، سربازان پوگاچف توانستند که باسرعت خودرا بنواحی کاما برسانند . آنها عده‌ای ازشهرهارااشغال نموده وکارخانه های«وتکینسک» «votkinsk» وایژوIyef راتصرف نمودند . درژوئیه ۱۷۷٤ ارتش پوکاچف بطرف غازان که در آن موقع بزرگترین مرکز اداری ولگا بود حرکت نمودند ٠ شهر غازان بکمك مردم فقیر و سربازان به تصرف قیام کنندگان در آمد ٠ دسته کوچکی از اعیان به پشت دیوار های کرمل غازان فرار و خودرا نجات دادند .

معهذا پوگاچف که توسط ارتش دولتی تحت فشارقرار گرفته بود مجبور شد شهرغازان را ترك کند، در۱۷ ژوئیه با۴۰۰-۵۰۰نفرازفدائیان خویش ازولگا گذشت.

جنبش پوگاچف در روسیه ملاکی(۱)

ایالاتی که پوگاچف به آنجاوارد میشد بانواحی ماوراء ولگا تفاوت‌داشت ٠ دراین ناحیه ازمدتهارژیم سرواژاستقرار یافته بود.قزاقها،باشقیرهای کوچ‌نشین، کارگران کارخانجات استخراج معادن در این نقاط وجود نداشت . لکن سرف‌های این سرزمین کمتر ازاهالی ماوراء ولگا ازاصول سرواژصدمه نمیدیدند . بسیاری ملیت های مظلوم ازقبیل تاتارها ، مردواها وماریها دراین نواحی بودند . همه مردم ناراضی دعوت بمبارزه راکه از طرف پوگاچف بعمل میآمد باشوروشوق میپذیرفتند . در بیانیه‌ای که ازطرف پوگاچف درپایان ژوئیه‌خطاب بدهقانان ولگا ، صادر گردید برنامه‌مبارزه بشرح زیر اعلام شده بود :

«بلطف(۲)خدا‌ءما ، پطرسوم ، امپراطور ومالك مطلق‌العنان همه روسیه ، بموجب فرمان مخصوصی ازراه ترحم پدرانه وشاهانه خود ،بهمه

---

۱ ـ منظور همان باشچیکها یعنی قشر ملاکین‌جدید درمقابل بویار های طرفدار ملوك‌الطوایف است.

۲ ـ درترجمه اعلامیه پوگاچف تااندازه‌ای همان انشائیرا که‌منشی او نوشته است رعایت شده وازاینجهت ازلحاظ انشاء فارسی ثقیل بنظر میرسد .

کسانیکه سابقا دهقان و تحت تبعیت مالکین بودند ،حق میدهیم که بندگان حق‌شناس تاج و تخت ما باشند و بدون آنکه از آن‌ها سرباز ، مالیات ، و یا وجه نقد دیگری طلب نمائیم، آزادی کامل وحق قزاق بودن را بآنها پاداش میدهیم . زمینها ، جنگلها، بهره برداری از چمنزارها ، ماهیگیری ودریاچه های نمك را بدون بازخرید و بدون بهره مالکانه دراختیار قزاق‌ها میگذاریم و آنهارا از قید اشراف جانی ، مفتخوران ، قضات و از قید کسانیکه بدهقانان مالیات می‌بندند و آنهارا درزیر بارسنگین خرد میکنند ، آزاد میکنیم . مامیخواهیم که روح شما نجات یابد وزندگی شما درآسایش باشد ، زیرا ما برای زندگی آرام متحمل سرگردانی و بدبختیهای زیادی ازطرف اشراف خیانتکار شده وطعم آنرا چشیده‌ایم .

چون نام ما درروسیه اشتهار مییابد : از این جهت در فرمان خود امر میکنم : هریك از نجبارا که دراملاك یا تیول‌های۱- خود هستند ،آنهائی که دشمن حکومت ما میباشند ، اخلال‌گران نسبت به امپراطوری وویران کنندگان زندگی دهقانان‌را دستگیر نمائید،اعدام کنید وبدار آویزید و همان رفتاریرا درحق آنان روادارید که آنها درحق دهقانان روامیداشتند. زیرا باازبین رفتن دشمنان ونجبای جانی هر کسی چنان زندگی راحتی‌را احساس خواهد نمود که برای قرن‌ها دوام خواهد داشت .»

برنامه پوگاچف کاملا بتمایلات دهقانان سرف شده پاسخ میداد . یك خبر کوچك درباره نزدیکی پوگاچف کافی بود که دهقانان علیه اربابان خود بپاخیزند ، خانه‌های آنان‌را آتش بزنند واربابان خودرا بکشند و یا اینکه بنزد پوگاچف بیاورند. دهقانان بطور توده‌ای ودسته جمعی به پوگاچف میگرویدند . ارتش اوباسرعت باورنکردنی زیاد میشد . چندروز پس از آنکه پوگاچف شهرغازان را ترك نمود ارتش او به بیش از پانزده هزار نفر بالغ گردید . آنهائی هم که موفق نمیشدند خودرا به پوگاچف برسانند برای خود دستجاتی ترتیب داده وپیشوایانی تعیین مینمودند . یکی ازاین دستجات (دسته ایوانف) دارای ۳۰۰۰ نفر با ۱۳ توپ بود .

---

۲ - املاك بجای Pometchic همان‌طور که توضیح داده شد سابقا موقتا دراختیار اشرف گذارده است ولی تیول v-ot-tchina دراختیار دائمی بویارها بود وبارث منتقل میشد Pamesté هم دراستفاده موقتی بود والاعملا همیشه دراستفاده خانواده‌های معین بود.

جنبش پوگاچف حکومت اشراف واعیان را مورد مخاطره جدی قرار داد . شایعه پادشاه دهقانان در تمام شهر منتشر گردید . این شایعات تا مسکو هم رسید نجبا بصحبتها و گفتگوهائی که نوکران وتوده‌های (عوام) مسکو درباره پطرفئودوروویچ میکردند ، بادقت گوش میدادند .

شکست پوگاچف

دولت اشرافی که بوحشت افتاده بود همه نیروهای خودراجمع نمود تاباجنبش پوگاچف تصفیه حساب نموده واجازه ندهد که دامنه جنبش بمرکز کشیده شود . دولت عجله نمود تاباترکیه که چهارسال بااو میجنگید قرار داد صلحی منعقد سازد . بهترین ژنرالها وبزرگترین نیروها بمقابله پوگاچف اعزام گردید . آن ها موفق شدند راه پوگاچف را بمسکو مسدود نمایند پس ازرسیدن به کورمیش (Kourmich) (بین راه غازان ونیژنی نوگورود) بطرف جنوب رهسپار گشت درحالیکه نیروهای دولتی قدم بقدم اوراتعقیب مینمود . پوگاچف درحال عقب‌نشینی ، یکی بعد ازدیگری شهرها رابدون مقاومت اشغال مینمود. تهیدستان شهری باخوشحالی تمام باستقبال پوگاچف آمده برای او نان ونمك میآوردند وضمنا همه نیروهای محافظ شهر را خلع سلاح میکردند . لکن پوگاچف فرصت کافی برای تجهیز این نیروها جهت مبارزه نداشت . ارتش دولتی میدان را براو تنك میکرد . در ٢٤ آوریل پوگاچف در «چرنی یار» ١- قلع وقمع گردیده وبادسته کوچکی ازطرفداران خود ، بهولگا فرار نمود . دراینجا پوگاچف بوسیله همدستان خویش که برای نجات زندگی خود خیانت نموده بودند دستگیر وتسلیم دولت شد .

انتقامجوئی از طرفداران پوگاچف

انتقامجوئی ازشرکت کنندگان درقیام ، بطرزهراس انگیزی آغاز گردید . دستجات مجازات بتمام نقاطی که قیام کنندگان درآنجا بودند ، اعزام گردید

کنت پطرپانین (Petr panin) فرمانده سرکوب کنندگان قیام چنین دستور میدهد :

«درهمه شهر ها ودهات که اهالی آنها بروی رؤسای لشکری و مأمورین علیاحضرت ومالکین وکشیشان خوددست بلند کرده‌اند چه‌خود قاتلین وچه خائنین را اعدم نمائید ، ابتدا دست ها وپاها وسپس سرها و

١- Tchernyar

تن‌هایشان را قطعه‌قطعه نموده ودرپهلوی جاده‌ها برروی گاری بگذارید. همه پیروان شورشیان‌را بدون استثنا درکنار چوبه‌های دار بیرحمانه‌شلاق بزنید . برای اینگونه مجازاتها درهریك از دهاتی که قیام برپا شده یك دار ، یك‌چرخ ویك دستگاه نیز برای بدارزدن ازدنده گذارده ، تادستور ثانوی آنهارا برنچینید»

پیشوایان قیام‌را باسفاکی تمام مجازات نمودند . «بلویارودف»را درمسکواعدام کردندصالاوات(صلوة) وپدر اویولای‌رابکارخانجات‌ودهات باشقیرها برده وشلاق میزدند سپس بینی‌آنهارا سوراخ نموده وبتبعیدگاه بااعمال شاقه فرستادند .



پوگاچف درحالیکه اورا در قفس آهنین باسارت میبرند

خودپوگاچف‌رادرقفس نشانده بمسکوبردند . اورا به‌اعدام وحشتناك ازراه «چارشقه کردن» محکوم کردند . دهم‌ژانویه ۱۷۷۵ پوگاچف‌رادر بالوتنا (میدانی است در مسکو) اعدام کردند . عده زیادی از نجبادر

میدان جمع شده وازاعدام پوگاچف «وحشتناك» لذت میبردند . زن یکی ازمالکین روز اعدام پوگاچف‌را بخاطرآورده چنین میگوید : «ماخیلی خوشوقت بودیم که کالسکه مادرست درمقابل محل اعدام توقف نموده بود و ماهمه چیزرا بطورمفصل میدیدیم »

جنبش پوگاچف بعنوان بزرگترین جنگ دهقانی روس

جنبش پوگاچف هم مانند جنبش رازین ، خمل نیتسکی و بولاوین بر پایه مبارزه توده‌های دهقانان سرف یاسرف شونده علیه سرواژ و بر پایه مبارزه درراه تولید کننده آزاد در سرزمین آزادقرار داشت. خصوصیات جنبش پوگاچف قبل ازهمه درآنست که دراین جنبش توده‌های وسیعتری ازدهقانان ملل استعمارزده شرکت نمودند .

خصوصیت برجسته تر آن در آنستکه کارگران کارخانه‌هاهم درآن شرکت داشتند . روسیه قرن ۱۸ نسبت بروسیه قرن ۱۷ ازلحاظ صنعت بطور عجیبی ترقی نموده بود شرکت کارگران کارخانه‌ها نه تنها در تسلیح ارتش پوگاچف کمك نمود بلکه بزرگترین ارگانیزاتورهای جنبش را از صفوف خود بیرون میداد (بلوبارودوف).

درجه رشد جنبش پوگاچف درتشکل آن بود . برنامه پوگاچف از برنامه رازین صریح تر وروشن‌تر تنظیم شده بود وکافیست برای نشاندادن این مطلب «نامه‌های عالی» رازین‌را بابیانیه‌های متعددی که ازطرف هیئت نظامی پوگاچف صادرمیگردید مقایسه نمود. ازلحاظ نظامی هم ارتش قیام کنندگان متشکلتر بود تا ارتشهای جنگهای دهقانی قرن۱۷ (از لحاظ تجهیزات ارتشی وتدارك خوارو بار وغیره)

معهذا جنبش پوگاچف درهم شکست. علل شکست جنبش پوگاچف درچیست؟

علل شکست جنبش پوگاچف

باید در جنبش پوگاچف نیز فقدان تمرکزرا که برای جنگهای دهقانی سابق نیز ذاتی بود ، خاطرنشان ساخت. توده‌های شرکت کننده درقیام مبارزه را بنزدیکترین دشمنان خود محدود میکردند . قزاق‌ها بیش ازهمه بادشمنان خود در ارنبورك مبارزه میکردند. باشقیرها بجزراندن کارخانه‌داران ازسرزمین خود فکردیگری نداشتند: مثلا آنها درلشکرکشی بولگا شرکت نجستند . دهقانان ولگا تنها بامالکین

خود درنبرد بودند وبندرت ازناحیه‌خویش‌قدمی‌فراتر مینهادند .

یکی ازعلل دیگری که نیروهای‌پوگاچف‌را تضعیف میکرد،اختلاف بین دستجات مختلف طرفداران پوگاچف بود که بااین‌محدودیت دهقانی وابستگی‌داشت،هدف عمومی یعنی اضمحلال رژیم سرواژ فراموش‌وبجای آن منافع‌جزئی دستجات جداگانه بپیش کشیده میشد . باشقیرها درعین اینکه‌کارخانه داران ؛ مالکین و کشیشهارا تاراج مینمودند ، کارگران و دهقانان روسی‌راهم‌بقتل‌میرساندند. بدین‌ترتیب اتحاد باشقیرهاو کارگران کارخانه‌ها نمیتوانست مستحکم گردد . دربین قرقیزها وباشقیرها ، دربین باشقیرها وکالموکها برسر مراتع نزاع درمیگرفت. حتی‌دربین‌خودباشقیرها، قرقیزها و ملیتهای دیگرهم نمیتوانست علیه اصول سرواژ جبهه واحدی وجود داشته باشد . قشر فوقانی واشرافی قزاقها غالبا همراهان موقتی ونا استوار ازآب درمیآمدند . واینها حاضر بودند با سرفداران روسی سازش کنند . بدینگونه جنبش پوگاچف باتضادهای داخلی دست‌بگریبان بود . .

بالاخره باید بخاطر داشت که باوجود کمك کارگران اورال معهذا ارتش پوگاچف درمقام مقایسه باارتش دولتی ، ازحیث اسلحه وتعلیمات بمراتب بدتر تجهیز شده بود . خصوصا این مسئله درمرحله آخر جنبش (درولگا) نمایان شد . دهقانان حوضه ولگا کمتر از کارگر سرف شده اورال ویا باشقیر ازنظام‌سرواژ نفرت نداشت . ولی او بهاندازه‌باشقیرها دربکار بردن اسلحه ماهر نبود وفنون توپ‌سازی‌راهم نمیدانست . او با چماق، زنجیر وتبر میجنگید .

کارگران اورال‌هم نمیتوانستندبکوتاه‌بینی دهقانان فائق آیند.باید درنظر داشت که‌کارگر قرن ۱۸ پرولتر حقیقی‌نبود . اوهنوز آن طور که باید از اقتصاددهقانی کنده نشده بود . بعلاوه هنگامی‌هم‌که بکارگردائمی تبدیل میشدهنوز یك‌پرولترآگاه نبود . چونکه هوس برگشتن بده را در سر میپروراند .

شکست جنبش پوگاچف بار دیگر صحت این‌نظررا که دهقانان نمیتوانند بدون رهبری پرولتاریاپیروزشوندتائید کرد ، نظری‌را که بکرات‌ازطرف بزرگترین معلمین مارکیسم ، لنینیسم خاطر نشان شده است .

«قیامهای دهقانی جداگانه حتی زمانی که مانند قیام استپان رازین

غارتگرانه وغیر متشکل نباشند نمیتوانند بنتیجه جدی برسند . قیامهای دهقانی تنها بشرطی میتوانند پیروز شوند که باقیامهای کارگری درهم آمیزند و کارگران آن‌هارا رهبری نمایند . تنها قیام توام که برهبری طبقه کارگر انجام گیرد میتواند بهدف خودنائل آید»

«مصاحبه استالین باامیل‌لودویت نویسنده‌آلمانی»

انتشارات چمن تهران
شماره ثبت ۲۱۲۳ - ۵۷/۵/۲

۱۰۰ ریال